

نشر در چین

عبدالاحسین آژرنک - (نویسنده و پژوهشگر)
 چینی ها چند سالی است که در همه جای جهان و محل در همه چیز جهان رواج کرده اند. بازاری نیست از هجوم مصنوعات چینی در امان مانده باشد.



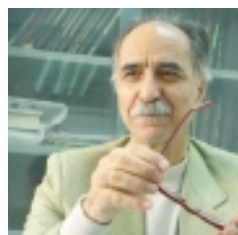
حسین مسرت نویسنده: قلم مایه شرف انسان است

وقتی می بینم بین چندین هزار کتاب، کتاب من هم انتخاب می شود بسیار برای من با ارزش است

از گنجینه متون فارسی

گفت و گو با دکتر محمود عابدی: پژوهشگر و مؤلف

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۲۳ متولد شد. لیسانس زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه اصفهان و کارشناسی ارشد و دکورایش را از دانشگاه تهران گرفت و اکنون با ۱۱ سال سابقه تدریس در دانشگاه اصفهان است که در دانشگاه تربیت معلم تدریس می کند. از تألیفات مهم وی چند عنوان از متون عربی است که چاپ شده اند. از جمله متونی که با تصحیح و تحقیق او منتشر شده است: تفحات الانس جامی است که به همت مسؤولان مؤسسه اطلاعات به طبع رسیده است. به تازگی نیز کتاب کشف المحجوب هجویی با تحقیق و تصحیح وی توسط انتشارات سروش منتشر شده است. به این بهانه فرصتی دست داد تا به صحبت درباره یکی دیگر از متون صوفیانه این سوزمین پردازیم



مصوبات تازه هیأت امنای کتابخانه های عمومی

گفت و گو با داوود کیانیان: نمایشنامه نویسی

متن های نمایشی برای کودکان

کمبود متون نمایشی ویژه کودکان و نوجوانان یکی از مشکلاتی است که نتایج آن گروه سنی را نیز دچار زکود کرده است. همچنین این کمبود باعث شده که از چند سال پیش، بخش انتخاب نمایشنامه برتر جشنواره کتاب پرورش فکری کودکان و نوجوانان از این جشنواره حذف شود. هر چند در جشنواره کتاب کودک کرمان (۱۳۸۳) گروهی از نمایشنامه های کودکان و نوجوانان اختصاصی داده شده است. این بهانه ای است برای گفت و گو با داوود کیانیان درباره نمایشنامه نویسی کودکان و نوجوانان

دروازه دانستگی ها

دایرة المعارف های عجیب

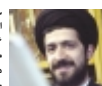
معا و مفهوم دایرالمعارف نیز مانند بسیاری از مفاهیم دیگر طی زمان تغییر کرده است. دایرالمعارفها معمولاً کتاب های چند جلدی حاوی تعداد زیادی عکس و نقشه و حاصل کار گروهی از نویسندگان و ویراستاران هستند. در این مجموعه ها از جنبه های مختلف به موضوع های مطروحات پرداخته می شود ولی یک بررسی سطحی بر روی عنوان های دایرالمعارف های که در طی چند سال اخیر منتشر شده اند نشان می دهد که این گروه از کتابها نیز بسیار تخصصی شده اند. البته شاید شیوه نوشتن آنها به گریز باشد که برای فردی بدون تخصص نیز قابل استفاده باشد ولی عمده کار این آنها ترویج کارشناسان یا مستقانی است که در آن حوزه ها فعالیت دارند. بعضی از این مجموعه ها موضوع های جالب و شاید هم کمی عجیب و غریب دارند که در عین حال کاملاً علمی نیز هستند.



جنبه های علمی و فرهنگی چاپ نسخ خطی

گفت و گو با سید صادق حسینی اشکوری: مدیر نشر ذخائر اسلامی

سید صادق حسینی اشکوری - آصف آباد - در سال ۱۳۵۱ در قم به دنیا آمد. پدرش - سید احمد اشکوری - اهل دانش و از نام آوران هرصه تحقیق و کتابت است و فرهنگتگزار برجسته معاصر است. ۱۴ ساله بود که وارد حوزه علمیه گردید و در آنجا از دروس عالی حضرات آیات وحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و کوکبی بهره گرفت. اشکوری علاوه بر زبان عربی که به آن چندین نگارش دارد به زبان اردو، انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی نیز آشنایی دارد. در سال ۱۳۹۸ از مقاله و سخنرانی وی در کنفرانس سادات که توسط دانشگاه رم در ایتالیا برگزار شد، استقبال گردید. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای اروپایی و هند، پاکستان، سوریه، عراق، امارات عربی و لبنان داشته است. اشکوری پیش از کار نشر به آموزش و نوشتن علاقه دارد و به گفته خودش نشر را ابزاری در خدمت علم می داند.



۱۸

کتاب سال کودک و نوجوان مرور اتفاق بزرگ

نوگفت و گو با سیدعلی کاشفی خوانسناری



... و پنجره ها خاموش می شوند پایه پای ریگ روان

۱۵

۲۲

تاریخ علم مقدمه بر

مؤلف: سید علی کاشفی
 ۳۰۰ صفحه، ۳۰۰۰ تومان

این کتاب به گونه ای نوشته شده است که برای دانش آموزان و دانشجویان بسیار مناسب است. در این کتاب به تاریخ علم از دوران باستان تا دوران معاصر پرداخته شده است. همچنین به نقش علم در توسعه تمدن و رفاهیت انسانها نیز اشاره شده است.

این کتاب به گونه ای نوشته شده است که برای دانش آموزان و دانشجویان بسیار مناسب است. در این کتاب به تاریخ علم از دوران باستان تا دوران معاصر پرداخته شده است. همچنین به نقش علم در توسعه تمدن و رفاهیت انسانها نیز اشاره شده است.

ادبیات پایداری

اسناد جنگ

نوگفت و گو با سیدعلی کاشفی خوانسناری



۹ نمایشگاه تخصصی

در جشنواره کتاب کرمان

همزمان با برگزاری همایش بررسی مسائل کتاب کودکان و نوجوانان در ایران ۹نمایشگاه تخصصی ادبیات کودکان در جشنواره کتاب کودک و نوجوان کرمان برپا می شود.

به گزارش رسیده از این جشنواره هدف از برپایی این نمایشگاهها ارائه تصویر کاملی از کتاب‌های منتشر شده در موضوعات مختلف به متخصصان، نویسندگان، محققان و مخاطبان جشنواره کتاب کودک و نوجوان است.

بنا بر این گزارش این نمایشگاهها با موضوعاتی همچون: کرمان در ادبیات کودک و نوجوان، کتاب‌های دفاع مقدس برای کودک و نوجوان، ادبیات عاشورایی برای کودکان و نوجوانان، کتاب‌های اقتباسی برای سینما و تئاتر کودک و نوجوان، ادبیات کهن و علمایه برای کودکان و نوجوانان، شعر نوجوان، کتاب‌های تئوریک ادبیات کودک و نوجوان، کتاب‌های طنز برای کودکان و نوجوانان و پایان‌نامه‌های دانشگاهی با موضوع ادبیات کودک و نوجوان به مدت یک هفته در شهر کرمان برگزار خواهد شد. جشنواره کتاب کودک و نوجوان ایران از ۱۸الی ۲۲ اسفندماه برگزار خواهد شد.

نمایشگاه کتاب یزد افتتاح شد



گروه خیر کتاب هفته سومین نمایشگاه کتاب استان یزد ششم تا نهمم اسفندماه در شهر یزد با حضور ۳۸۸نشر برپا شده است. سید جوادزایی، معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد ضمن اعلام خیروقی گفت: از میان این ۳۸۴ نشر ۳۳۱نشر کشوری و ۵۵نشر از خوداستا بردهندوبی افزود: در این نمایشگاه بیش از ۴۹ هزار و ۱۰۰ عنوان کتاب با ۳۰ درصد تخفیف عرضه شده است که از این میزان تخفیف اسلامی ۲۰ درصد توسط معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد استان یزد و «دوصدتوسط ناشران در نظر گرفته شده است. وی در گزارشی برنام‌های چون تحلیل کتاب‌های امام حسین(ع)، نقد و بررسی کتاب کودک، معرفی مشایخ یزد- و از برنامه‌های جشن این نمایشگاه برشود.

سومین نمایشگاه کتاب استانی بود در محل دائمی نمایشگاههای این استان با همکاری معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی یزد، استانداری یزد، موسسه نمایشگاههای فرهنگی ایران و نهادهای شرکت‌های تعاونی نشران ایران برپا شده است.

کتاب



پایان تعدادی از خاطرات رهافتگان جنبه خاص را تا کنز می‌کند از جمله: خاطرات محمد حسین کاشغوری، معراج حسین بنابه و غلامحسین حسین زاده کتاب بارجمه محمدصادق حسینی در شمارگان ۱۰۰۰جانبه، نویسنده توسط دانشتر شباب (جوانان امروز) منتشر و به قیمت ۵ دلار به فروش می‌رسد.

خبرنگار کتاب هفته، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بر ضرورت حمایت تصمیمات هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور از نشر کتاب تأکید کرد.

احمد مسجدجامعی در چهارمین جلسه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور با اشاره به ضرورت حمایت از نشر کتاب گفت : تصمیمات و سیاست‌های هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور مبتنی بر راهکارهای مناسب در جهت حمایت از توسعه نشر کتاب در کشور باشد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این نشست

کتابخانه ملی سه‌شنبه افتتاح می‌شود

گروه خیر کتاب هفته انتظارها و پیش‌خبرها به پایان رسید و ساختمان جدید کتابخانه ملی سه‌شنبه یازدهم اسفندماه افتتاح می‌شود. مراسم افتتاحیه در ساعت ۹ صبح روز سه‌شنبه با حضور رؤسای کتابخانه‌های ملی کشورهای مختلف، آغاز می‌شود.

آخرین فکس‌های رسیده از ستاد خیرق افتتاح ساختمان جدید چندان‌چینه خیری نثار و بیشتر گفت: گروهی باصاحبنظران است. محمد رحیمی، ریوزن فرهنگی ایران در آلمان کتابخانه ملی رانمایشگر فرهنگ مکتوب ریشه دارد بوده کنای با عنوان دیوان خیریه آثار خطی ایرانی و اسلامی گفته است. سازماندهی ملی و همکاری تمامی وزارتخانه‌ها با کتابخانه ملی ایران جهت خرید نسخه‌های خطی ایرانی و اسلامی با یکی و میکرو فیلم‌های نسخه‌های سرگردان در دست افراد حقیقی و حقوقی ضروری است.

رحمت‌الله فاضلی، نایب‌رئیس انجمن کتابداری ایران نیز در گفت‌وگویی

مصوبات تازه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی

خط‌بر نشان ساخت تصمیمات متخذه در این عرصه شفاف باشد به گونه‌ای که از این پس اطلاعات مربوط به کتاب‌های خریداری‌شده بروی بایگه اطلاع‌رسانی قرار گیرد و حتی نمایشگاهی مجزا از کتاب‌های

خریداری‌شده در معرض دید عموم قرار گیرد.

احمد مسجدجامعی در عین حال در این نشست افزود: باید نگاه فرهنگی بر این مقوله حاکم باشد.

گفتنی است در این جلسه تصمیم گرفته شد از این پس خرید کتاب‌های چاپ اول؛ ۲۰ درصد تخفیف، چاپ سال قبل با ۲۵ درصد و چاپ‌های

تافتتاح کتابخانه ملی

با ستاد خیرق، افتتاح ساختمان جدید کتابخانه ملی و طراحی اثر امیر قوام جامع کتابخانه ملی ایران را نقطه فوقی در راه فعالیت مدیریت اطلاعاتی خوانده و اظهار کرده است. با طراحی نرم افزار جدید، ارائه خدمات و اشاعه اطلاعات و ویژگی‌های ساختمان جدید کتابخانه ملی ایران می‌توان نیاز بخش‌های مختلف جامعه را برطرف کرد.

۵۰ هزار اثر مربوط به فرهنگ ایرانی در کتابخانه ملی انگلستان

۵۰ هزار عنوان اثر مربوط به ایران و فرهنگ ایرانی در کتابخانه ملی انگلستان موجود است.

میکلو گیلو دبیر حقوقی کتابخانه ملی انگلستان با اشاره به حضور ۳۵ هزار اثر به زبان فارسی در این کتابخانه هدف کتابخانه ملی انگلستان را در دسترس عمومی قرار دادن کلیه مجموعه‌های میراث فرهنگی، علمی و روشنفکرانه این کتابخانه خواند و گفت: ۱۵۰ میلیون عنوان کتاب به زبان‌های مشهور دنیا در کتابخانه ملی انگلیس موجود است.

پاسخ روابط عمومی معاونت فرهنگی به خبریسانا

محسوب شده و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طبق مقررات و ضوابط نشر با نشر برخورد می‌نماید. ۵- لازم به توضیح است ترجمه بخشی از متن مقدمه که در اختیار آن خبرگزاری قرار گرفته برداشت نادرستی از متن انگلیسی است و مغایرانه سوزن‌زنانست‌هایی را در افکار عمومی ایجاد کرده است

متن ترجمه عنوان این قرار است...، با توجه به فضای سیاسی و مذهبی که در ایران امروز حاکم است گفته می‌شود بیشتر شعرهای حافظ توسط فقها و حاکمان که معارض اشعار او را نمی‌پسندیدند معدوم شده است و حافظ به عنوان یک تهدید بزرگ در راهزن معنوی شناخته شده است.

معادک در بررسی انجام شده، این مضمون در مقدمه کتاب مزبور مشاهده نشد. بدیهی است برای تبیین و روشن شدن افکار عمومی دستور فرمایید متن فوق در آن رسانه در اسرع وقت منتشر گردد.



رسانه‌ها

خبرنامه

اولین شماره خبرنامه گشایش ساختمان جدید کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به ضمیمه بخش انگلیسی منتشر شد.

کتاب و کتابخوانی، این کتابخانه مایه مباهات است (گفت‌وگو با کاظم موسوی بجنوردی)، درباره کتابخانه ملی انگلستان، کتاب و دانش - و از جمله

مطلب این خبرنامه است.

ساختمان جدید کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران یازدهم اسفندماه افتتاح می‌شود.

نشر شهاب ثاقب به مناسبت اولین سالگرد **پایک افشار** -فرزند ابرج افشار- که شیشه کتاب **سالیان ایران بود**، کتابی با عنوان **کتابفروشی**، **مستر خواهد کرد**، گروهی از صاحبان حوزه کتاب به **مؤسسه خوستاری ابرج افشار**، مقالاتی درباره سالها و تاریخ **کتابفروشی ابرج افشار** داده که با همکاری **عبدالحسین آذرنگ**، **علی دهباشی**، **سید فرید قاسمی** و **نادر مظنی کاشانی** **مستر می‌شود**.

مقدمه استاد ابرج افشار را بر این کتاب می‌خوانید:
نام کتاب: عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی، سید فرید قاسمی، نادر مظنی کاشانی، ناصر شهاب ثاقب، چاپ اول: ۱۳۸۳، تعداد صفحات: ۱۳۳، شمارگان: ۳۰۰ نسخه

امید علایم بود روزگار خوستا

قرار عشق و امان داشتم زمانه گرفت

در مراسم ختم فرزند دلیدم، پایک افشار، گفته شد، به جای هفته و چهل و سال، چون او شیشه به مسائل کتاب ایران بود و با تأسیس کتابفروشی تاریخ نشان داد که آن شیشه باید محفل فرهنگی و قانون‌شناسان کتاب باشد و هم برای آنکه رگ‌های شوق او نجسنگد، به همسر عزیزش، بانم داری صوفی، پیشنهاد کردم از برگزاری چنان مراسمی خودداری کنیم و هزینه‌های آن مراسم به تهیه و چاپ کتابی درباره «کتابفروشی، اختصاص یابید. خودخوش که آن بانوی عزیز فرهنگی این نیت را موجب شادمانی روان بایک و ماندگاری نام او دانست، پس نامه‌ای به گروهی از دوستان گاه از تاریخ و گذشته کتابفروشی و مباحث مربوط بدان پیشه باین صورت تقدیم شد:

از افتخار، پس از درگذشت فرزندم، پایک افشار، بر آن شده‌ام که به جای مراسم مرسوم سوگری کتابی با عنوان کتابفروشی، به یادآورندهٔ کسی که محلی جوانان مختلف پیشه گرامی کتابفروشی شدند، زیرا پایک مدت چهارده سال به آن رشتنه پرداخته بود و بدان دلیلکنی

کتابفروشی

داشت. چون گفتند شما با پشتیبان خود می‌دانم انتظار دارم در این مجموعه نوشته‌های از جانبش انتشار یابند، به طور شش‌هفت‌امدادم قبول فرمایید که در مجموع، گذاری مرفه‌تر دارید و بر این امر، برام خود قرار دهید. تردید نیست که با کاشی‌های خود به تکمیل مباحث کتابی که تاکنون در چنین موضوعی تهیه نشده است کمک می‌فرمایید. خودخوشم که دوستان عزیزم آقایان عبدالحسین آذرنگ، علی دهباشی، سید فرید قاسمی و نادر مظنی کاشانی زحمات گردآوری و نشر این مجموعه را پذیرفته‌اند…

ایکده نخستین جلد آن مجموعه در پایان نخستین سال و گذشت پایک افشار می‌یابید. دانشمده از آنکه در این کتاب یادشده، مربوط به مسائل و تاریخ کتابفروشی، مقالاتی فراهم شده است که تاکنون بدان موضوع پرداخته نشده بود. دلیلیی ریشه کار و ذوق و کشش پایک بود که مرا به صرفاقت تهیه آن پراگنجت، کتاب جلد دومی خواهدداشت که به درج مقاله‌های ویرسیده یا آنچه پس از این برسد، اختصاص خواهدداشت. همچنین احتمالاً‌حالی پوست‌هایی خواهد بود که از میان مقالات و کتاب‌های دیگران در موضوع کتابفروشی برگرفته و چاپ خواهد شد.

در دوران‌های رواج نسخه‌های خطی به کتسب که کتاب می‌پورخته‌اند کتابفروشی و «دلال کتبی» گفته می‌شده‌ای از روزگاران بدیاری اولیای، به چندین پیش و مشروطیت، صاحبان حجره‌ها و دکه‌های کتابفروشی عنوان کتابخانه را برای خود برمی‌گزیدند. آنها معمولاً چند گزونه کار را انجام می‌داده‌اند: فروش کتاب، گزیه دادن کتاب، صحافی، لوازم تحریر فرفشی، روزنامه و مجله‌فروشی. و قدری که توانایی مالی پیدا می‌کردند چاپخانه‌داری، خودبخشان در مقاله‌های متعدد به این موارد اشاره شده است. جز آن باید دانست که عده‌ای از کتابخانه‌ها کتاب هم چاپ می‌کرده‌اند، به اصطلاح امروزه ناشر کتاب بودند. این نحوه هوزن که هوزانت ترک شده است، بدین معنی که اغلب کتابفروشان

از سخن اتفاق

می‌گوشند کتاب‌هایی هم به چاپ برسانند. به هر تقدیر، با ترقی که پیش آمده است معمولاً شما توان حد فاصلی میان آن دو اساس قائل شد. در حال حاضر شاید ناشری نباشد که کتابفروشی نداشته باشد.

حتی انتشارات رسمی و دولتی.

این مقاله‌ها نخستین گام است برای آنکه پژوهنده توانایی بیواند تاریخ منطقی از کتابفروشی در ایران به دست بدهد، در انتخاب موضوع‌ها گوشش بر آن بود که از همه ولایات مهم مقاله‌ای ترشته شود. در این جلد، چند مقاله به چاپ رسیده است. از آن شهرهایی دیگر در مجله‌ی بعدی به چاپ خواهد رسید. امیدوارم کتسانی که می‌توانند گوشه‌های دیگری از تاریخ کتابفروشی را به نگارش درآورند از فرستادن گفتار متناسب خودداری نفرمایند. جز این پیش‌بینی آن شد که چند مقاله در زمینه‌هایی که موجب فروش بهتر کتاب و جلب کردن نظر خریدار خواهد بود، مانند چگونگی طرح پشت جلد کتاب و تأثیر آن در فروش، در این مجموعه انتشار یابند. البته در تطبیق میان مشروطیات بعضی از گفتارها، نظر مطلب دیده می‌شود به‌طور مثال، خواهد خواند که از چند کتابفروشی مهم در چند مقاله نام رفته است. طبعاً به این مناسبت چنین شده است که نویسندگان از نوشته‌های دیگرگراگهی نداشته‌اند. این تکرارها گاه مؤید مهم است و گاه مکمل یکدیگر می‌زبان این یادداشت را با چند پاساگرایی به پایان می‌آورم.

۱. خویشان و دوستان و عزیزانی که در مراسم ختم

بایک- چه در تهران و چه در لوزان آنجلس- حضور یابندند و

همسر بایک و من و برادران او را شرمند گردانند.

۲. از همه دوستان و نشران و عزیزانی که در روزنامه‌ها

نشریهٔ کویبر، فرزندم، چاپ کرده‌اند.

۳. از دوستان و آگاهی‌ها که با نوشتن مقاله‌های این

مجموعه مرارشندم گردانند.

کتابفروشی

مجید فروغی

بیان سلیس:

بالتر از پارک وی، کوی سالار



باشد. در زمینه کتاب‌های آموزشی، با

ناشران معتبر بین‌المللی ارتباط داریم. کتابفروشی‌های ناشران بین‌المللی را این استادان مؤسسه ترویج می‌کنیم و آنها آثاری را انتخاب می‌کنند. بعد ناشران نمونه‌ای را می‌فرستند که محتوای آن

توسط استادان مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر با معیارهای مورد نظر ما همخوانی داشته باشد، خریداری می‌شود.

در حوزه‌های دیگر هم با ناشران معتبر فرانسوی مثل گالیلیمار ارتباط داریم که کتابفروگ آنها در اختیار مترجمان و نویسندگان قرار می‌گیرد و آنها آثاری را انتخاب می‌کنند و ما بر اساس شرکت‌های حمل و نقل وارد می‌کنیم. این شرکت‌ها حمل و نقل را در میان تعداد نسخه‌های هر عنوان کتاب در پایان سلیس معمولاً یک تا چهار نسخه است. به ندرت کتابی هست که تعداد زیادی از آن موجود باشد. مثل نسخه فرانسوی شازده کوچولو که با اینکه به فارسی ترجمه و منتشر شده همیشه علاقه‌مندان دارد. طلاکوب معتقد است قیمت کتاب‌های زبان خارجی گران است و می‌گوید: ما تلاش می‌کنیم که کتاب‌ها با قیمت منطقی به دست علاقه‌مندان برسد اما مسائلی که دزگیر کتاب‌های خارجی دارند.

مدرسهٔ بیان سلیس اگرچه قیمت کتاب را در استقلال مخاطبان و فروش کتاب مؤثر می‌داند اما مهم‌ترین عامل آن را اطلاع‌رسانی و تبلیغات دربارهٔ این مرکز و کتاب می‌داند. می‌گوید: ما معتقدیم خریدار کتاب ارجیحان



۴. از دوستان عبدالحسین آذرنگ (فصل علمی مرکز

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی)، علی دهباشی (مدیر مجله بخارا و منشر در گردآوری چنین مجموعه‌ها)، سید فرید قاسمی (تاریخ دان جریان‌های فرهنگی و مطبوعاتی مخصوصاً تاریخ روزنامه‌ها و مجله‌ها)، نادر مظنی کاشانی (رشدن نامه بهایرستان روزنامهٔ مباحث مربوط به نسخه‌های خطی) که هر یک در برآورده شدن نیت من همکاری داشته‌اند. کده از آقای علی دهباشی باید پاساگرایی مالا مال را یاد کنم؛ زیرا در مجله بخارا به یاد دوست خود، پایک بود و اینکه هم ناشر این کتاب می‌باشد و کارهای رنج‌آور انتشار آن را با لطف تمام و شکیبایی مخصوص عهده‌دار شده است.

۵. دوستان دیرینه خودمرضی میزرومحمد اصصالی که طرح و نظار روی جلد، ریشه دست گره‌افزین آن مرکز هزینهٔ تقصیبات گسترست. آنها که همیشه مرارشندم لطف خود قرار داده‌اند.

۶. از سید محمعلی شورشستانی برای نمونه خوانی و فرهاد ظفری برای ویراستاری بدوستان.

۷. از خانم مازی صوفی، همسر بایک، و فرزندان بهرام و کورشیا و آرش که رنج دیده‌اند ولی باربداری خود از باری به من دور نداشته‌اند.

دیگر بزرش خواهی است از نویسندگان زرا برای یکواخت بودن شیوه نشر این روی که تا نجاز از تغییرات ویراستاری شده‌اند و احتمالاً موجب صرفی در اشعار و سلیقه آنها پیش آمده است.

ابرج افشار
پیت و شمش آبان ۱۳۸۳- تهران

خارجی وجود دارد اما مسألهٔ اطلاع‌رسانی دربارهٔ این کتاب‌ها و مراکز فروش آنها ناچیز است. اگر علاقه‌مندان اطلاع داشته باشند که مجموعه‌ای از آخرین کتاب‌های روز فرانسه و انگلیسی زبان در این مرکز ارائه می‌شود، حتماً مراجعه می‌کنند. در واقع اکثر اطلاع‌رسانی‌ها مناسبت و صحیح انجام شود، مخاطبان و علاقه‌مندان کتاب‌های مورد نیاز خود را تهیه می‌کنند و کتاب‌ها به فروش می‌رسد و از سوی دیگر امکان بهتری برای عرضهٔ آثار جدیدتر فراهم می‌شود.

بیان سلیس تاکنون فعالیت‌هایی را برای اطلاع‌رسانی و معرفی خود به علاقه‌مندان انجام داده است. حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب و نمایشگاه‌های تخصصی و اطلاع‌رسانی از طریق مطبوعات از جمله کارهای مؤسسه بوده است. بیان سلیس قصد دارد تا قبل از نمایشگاه کتاب سانبی را برای معرفی آثار رانده‌ای کند که در آینده فروش آثار از طریق سایت هم انجام شود. یکی دیگر از برنامه‌های این مؤسسه برپایی نشست‌ها و جلسات سخنرانی دربارهٔ کتاب‌ها، حضور مترجمان و نویسندگان است که به معرفی بیان سلیس کمک می‌کند.

شاید اگر فروش کتابفروشی کتاب‌های زبان خارجی بیان سلیس در یکی از راسته‌های کتابفروشی خیابان انقلاب یا خیابان کریم‌خان بود، علاقه‌مندان بیان سلیس می‌توانستند از استقبال می‌کردند و به فروش بیشتر بیان سلیس هم کمک می‌شد. اما طلاکوب مکان کتابفروشی بیان سلیس را مناسب نمی‌داند و می‌گوید: فرانسه و شهر پاریس که فضاهای گسترده‌ای برای عرضهٔ کتاب دارد، کتابفروشی مجله هنوز اهمیت خودش را دارد. بنابراین در زندگی ما شبی و آنجا بود که تراکم در شهر ما هم می‌تواند کتابفروشی مجله شکل بگیرد. البته به اتفاق اقتصادی هم سوله‌های گسترده‌ای در مراکز اصلی کتابفروشی برای همه امکاناتی نیست. بنابراین از دید گستردهی فرهنگ در شهر مثل تهران چندان یک واحد یا مکانی است اما مراکز دیگر با چندین چون کتابفروشی گروهی کتاب و واحد یا مکانی آن است.

طلاکوب موفقیت کتابی بیان سلیس را نه تنها مامعی برای دسترسی علاقه‌مندان به کتاب‌ها نمی‌داند بلکه معتقد است اطلاع‌رسانی شود، مخاطبان به آسانی به این مرکز مراجعه می‌کنند و این موجب می‌شود تا فعالیت‌های بیان سلیس گسترش یابند. طلاکوب با داشتن و اطلاع این کار را ادامه می‌دهد. از کارش وضعیت دارد. دغدغهٔ اقتصادی چندانی ندارد. فقط دوست دارد بدون اینکه لوازم التحریر و ابزار کاست و سی‌دی عرضه‌کنند. جدیدترین کتاب‌های زبان خارجی را در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.



کنت و کذار

کنت و کذار

شهر بادگیرها و دو کتابخانه قدیمی

انگار که شیبه هیچ کجای ایران نیست. بیشتر به ناگهآبادی دوست داشتی می‌ماند. از دل کویر عبور کرده‌ای و به ناگاه به نقطه‌ای می‌رسی که نورش را نمی‌گردد. وارد شهر که می‌شوی مهوت می‌شوی و فکر می‌کنی خواب می‌بینی. کیلومترها از شهرهای پر از دود و شلوغی و برج‌های چندین طبقه دور شده‌ای و حالا رسیده‌ای به جایی که بوی خاک می‌دهد و البته درخت هم کوچه‌پس کوچه‌های پارگی که به کوچه‌های آشنی کان معروف هستند؛ بادگیرهای استوار روی سقف‌ها، آب‌انبارهای قدیمی که در جای‌جای شهر آرام گرفته‌اند، رنگ دیوارهای کاهگل، منار آبی مسجدها، سرخی آتش‌آشکده‌ها و همه و همه چشم‌ها را خفاگیر کرده‌اند و این صدا از نی‌ن چشمان بلند می‌شود که وای، به کدام پیک خیره شوم. چشم‌ها به مسجدجامع خیره می‌شوند، بعد به آب‌انبارش بادگیر، بعد به آتشکده و انگار که مسیری ندارد و می‌گویی، وای، همه این سال‌ها کجا بودم و چرا همه این سال‌ها به یزد نیامده بودم. اینجا یزد است. شهری در قلب کویر و چه باصفا غلطاب کرده‌اند این شهر را غروس کویر یا الماس کویر.

باید رفت و از نزدیک دید تا عاشق شد. عاشق این دیار دوست‌داشتنی با مردمانی مهربان؛ مردمانی که بجز سرعت در کلام و شل ادا کردن واژه‌ها، «ق» و کلمات را طوری از ته گلوی می‌گویند که انگار همه کلمات ناف‌دار نشدند. دارند. یزد را باید از نزدیک دید و آنجا زندگی کرد تا بتوان شبی و لذت آنجا بودن را چون وقتی شبی بی حاجی خلیفه‌هایش در دهان احساس می‌شود، حس با یزد بودن هم در وجود پیدا شود و حال و هوایی متفاوت یافریند تا این حس ایجاد شود که انگار اینجا جایی است مثل هیچ جای دیگر. یزد گذشته جذاب و قابل توجهی داشته است و چهره‌ها و افراد کم‌نظیری در این خطه پرورش یافته‌اند، چهره‌هایی که هر کدانشان در گذرش مسائل فرهنگی این شهر و استان و حتی کشور مؤثر بوده‌اند. از قدیمی‌ترها چون نقضای و وحشی گرفته تا معاصران چون فرخی یزدی و دکتر اسلامی نژدوشن و دیگر بزرگان. مجموعه کتاب‌های قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب را همه دوست داریم که آثار ماندگاری از مهدی آذریزدی است.

توجه به مسائل فرهنگی و هنری از قدیم در یزد وجود داشته و این سلسله هنوز ادامه دارد. اما افسوس که دیگران از جایگاه، باارزش این غروس زیبای کویر کمتر می‌دانند و بعضاً کمتر هم مورد توجه قرار می‌گیرد.

اما انگار اصفاقی در حال شکل گرفتن است و آینده‌ای پرپرتیش روست. یادآی بادگیرها می‌پچد و همراه رزورزش صدای دیگری را به گوش می‌رساند. دقیق که می‌شوی صدای نسل جدید یزد است. آنها هم همه کلمات قاف‌دار و طوری دیگر ادا می‌کنند و انگار که می‌گویند. یزد را تو فراموش نکرده‌ایم، انگار که می‌گویند. یزد را از ته قلبمان دوست داریم، انگار که می‌گویند. یزد. و صداها لای زوزه‌های باد در میان بادگیرها گم می‌شود.

یک یادگاری دوست‌داشتنی

لحظه‌ای همه سرهایشان را بلند می‌کنند. سکوت کتابخانه می‌شکند. یزد، یزد… و صدا قطع می‌شود و دیرازه همه مشغول کتاب‌هایشان می‌شوند. اینجا کتابخانه وزیری است، چسبیده به مسجدجامع کبیر

یزد. کتابخانه‌ای که در سایه مناره‌های بلند مسجدجامع سال‌هاست که میزبان سدها، طبله، دانش‌آموز، محقق و… بوده است.

کتابخانه وزیری که تاریخ‌ساخت آن به سال ۱۳۳۴ بازمی‌گردد و چه انتخاب مناسبی کرده است. مرحوم حاجت‌الاسلام حاج سید علی محمد وزیری در مورد مکان راه‌اندازی کتابخانه.

فقطاً او چنین روزی را می‌دیده و از رابطهٔ مسجدجامع و کتابخانه آگاه بوده که با انتقال بسیاری از کتاب‌های خطی کتابخانه‌اش به این مکان، کتابخانه وزیری راه‌اندازی کرده است.

کتابخانه وزیری همان اندازه که مورد توجه علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی است، وقتی دفتر پایود یازدیدتکندگانش را توریق می‌کنی نام افراد بسیار بزرگی را می‌توان دید که از کتابخانه و گنجینه‌اش بازدید کرده‌اند؛ گنجینه‌ای باارزش که دارای ۲۵۰۰ نسخه منحصربه‌فرد خطی است. در عین حال موزه اشیا و آثار قدیمی کتابخانه هم بسیار جالب توجه است. مجموعه‌ای از فرمان‌ها،وقف‌نامه‌ها،عکس‌های رجال قدیمی یزد و…

حسین مسرت در کتاب «یزد، یادگار تاریخ» می‌نویسد: وزیری طی مسافرت به مراکز مختلف و ارتباط با مجامع فرهنگی داخلی و خارج کشور و بدل و عمر و کاهیدن جان و توسل به این و آن و تحمل

کتابخانه وزیری که در سال ۱۳۳۶ و بسیاری کتب خطی، طبعی، علم اعداد و دیوان شعرا به ویژه شعرای یزد و خطوط اندیشمندان بزرگ علامه حلی، شیخ بهایی، ملا مهدی ترائقی وجود دارد که بی‌اندازه ارزشمند است.

کتابخانه وزیری در حال حاضر با داشتن بیش از ده هزار عضو فعال همه روزه به جز روزهای تعطیل در اختیار اعضاست.

این کتابخانه که در کل کشور شناخته شده اهالی فرهنگ و ادب است و به عنوان یکی از ده کتابخانه برتر کشور شناخته می‌شود علاوه بر اینکه مورد استفاده مردم شهر یزد قرار گرفته اعضای فراوانی نیز از دیگر شهرهای استان یزد و حتی کرمان هم دارد.

کتاب‌های مخزن کتابخانه که سعی شده به روز باشد تا سال گذشته توسط خود کتابخانه خریداری می‌شد. به این صورت که تمام کتاب‌هایی که در کشور چاپ می‌شد برای کتابخانه خریداری می‌شد و از اسامی با توجه به اینکه که کتابخانه زیر نظر استان قدس رضوی است کتاب‌ها تحت نظر استان خریداری می‌شود.

کتابخانه وزیری با داشتن امکانات مناسب چون سالن مطالعه، کارگاه مرمت و صحافی، سالن کامپیوتر و اینترنت توانسته بسیاری از نیازمندی‌های اعضا و



مشقات فراوان که از حد شرح و توصیف بیرون است توفیق یافت هر روز بر ذخایر گرانبهای این گنجینه بزرگ بیفزاید. در صورتی که امکانات و مقدمات کافی و سرمایه مالی مستقلی از برای تأمین نیازمندی‌های آن در دست نداشت. تا اینکه یکی از بازرگانان یزدی مبلغی هنگفت را جهت ساختمان جدید کتابخانه اختصاص داد و بنای کنونی آن پس از پایان رسیدن در روز اول فروردین ۱۳۳۵ افتتاح گردید.

از سال ۱۳۵۳ که فهرست نسخه‌های خطی این کتابخانه به همت محمد شیروانی و از سوی انجمن آثار ملی به زیر چاپ رفته تا چندین جلد آن از زیر چاپ بیرون آمده است.

بنابر آنچه گفته شد افزون‌بر این نکته می‌مناسبت نیست که در این گنجینه گرانبها افزون بر قرآن‌های خطی بسیار نفیس، کتاب‌های علمی، خطی مانند: *تحریر المنحسطه*، *تالیف حواجه نصیرالدین طوسی* که ۶۰۰سال پیش از این نگارش یافته، *تفسیر ابوالفتح عجللی* (به خط مؤلف در ۸۰۰سال پیش نوشته شده و در *هذه الانفس*، *تالیف حرانی* که در ۵۹۰ق، *تحریر یافته و نیز «تذکره نصیرآبادی»* (به امضای مؤلف، *تحریر ۱۰۹۱ق، «تذکره حبیبستان»*، *تالیف و تحریر، محمدعلی*



آیت‌اللهی و محمد صادق خلدی تأسیس و افتتاح گردید. پس از بنیاد کتابخانه انجمن فارغ‌التحصیلان دانشسرای مقدماتی یزد بلا درنگ برای گردآوری کتاب به‌کوشش برخاست با تمام مطوعات و رجال یزد و مرکز و شهرستان‌هایاری درخواست کتاب نامه‌نگاری نمود و کتابخانه‌ای که با یازده جلد کتاب تأسیس گردیده بود ظرف مدت شش ماه بالغ بر شصصد مجلد کتاب دارا بود که از این تعداد ۱۶۷ جلد از طرف وزارت فرهنگ و بقیه از طرف ۵۴ نفر از اشخاص فرهنگ‌دوست اهدا گردیده بود.

حدود دو سال کتابخانه در آن محل دایر بود ولی چون انجمن فارغ‌التحصیلان قادر به پرداخت هزینه‌های مربوطه نبود، در اردی‌بهشت ۱۳۳۹ از ساختمان سابق به ساختمانی که به اهتمام یکی از افراد فرهنگ‌دوست و اعتباری که از طرف کارخانه‌های اقبال و هراتی و درخشان در نظر گرفته و انعام یافته بود تا کلیه کتب و وسایل این مکان که معروف به مزار شرف‌الدین علی بود انتقال یافت و مستقیماً تحت نظارت اداره فرهنگ درآمد برای سرکاشت نام شرف‌الدین علی یزدی شاعر و محقق دوره تیموری نامگذاری گردید و تا قبل از اینکه قانون تأسیس کتابخانه‌ای عمومی به موقع اجرا گذاشته شود، این کتابخانه زیر نظر شورایی مرکب از شش نفر اداره می‌شد.

کتابخانه شرف‌الدین در حال حاضر دارای دو سالن مجرای مطالعه است که در سه شیفت کاری به مراجعان خدمات می‌دهد.

این کتابخانه با داشتن نزدیک به ۵ هزار جلد کتاب، ۲۵۰۰ عضو فعال نیز دارد.

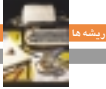
کتابخانه اخیر صاحب نقل نرم‌افزاری شده نامه است که به واسطه وجود کمپویر تیزرود کتابدار در این کتابخانه کار ثبت کتاب‌ها احتمالاً تا اواسط سال آینده هم طول خواهد کشید.

این کتابخانه به واسطه موقعیت مکانی‌اش از استقبال بسیار بالایی برخوردار است به‌صورتی که به‌طور متوسط روزانه ۱۲۰۰ جلد کتاب از این کتابخانه به امانت برده می‌شود.

دهها کتابخانه دیگر

اما کار کتابخانه‌های یزد با این دو کتابخانه به پایان نمی‌رسد. یزد در حال حاضر ۹۹ کتابخانه دارد و مجموع این کتابخانه‌ها بیش از ۷۰۰ هزار جلد کتاب دارند.

اکثر این کتابخانه‌ها بسیار مورد توجه علاقه‌مندان به کتاب و کتابخوانی است و همین توجه باعث شده تا فرهنگ قدیمی دیگری وجود کتابخانه در این استان بسیار گسترش پیدا کند. بررسی تمام کتابخانه‌های استان یزد و حتی کتابخانه‌های خود شهر یزد نیازمند فرصتی مناسب است و ناگهی گذرا به دو کتابخانه وزیری و شرف‌الدین بهانه‌ای بود برای معرفی جایگاه کتابخانه در این استان. شاید تر به فرصتی دیگر بهانه برای ناگهی دقیق‌تر در کتابخانه در کتاب یزد، یادگار تاریخ نوشته شده؛ نخست کتابخانه در عمارت فوقانی مسجد مصطفی صفدرخان واقع در خیابان قیام برای استفاده همگان و مجاهدات آقایان احمد پورشرقی، سید ابوالقاسم



روزنه ها

www.aaronship.com

مؤسسه برادران

برای نوشتن اولین کتاب

هر چند که ممکن است اولین کتاب یک نویسنده، شاهکاری ادبی باشد، اما باید بداند که اکثریت این کتاب‌ها آثاری مبتدی هستند که بسیاری از اصول اساسی نویسندگی در آنها نادیده گرفته شده است. در نتیجه ناشران و کتابفروشان‌ها مطالعه این آثار به خوبی می‌دانند که چنین کتاب‌هایی را سفارش ندهند. چون به احتمال زیاد با استقبال مخاطبان روبه‌رو نمی‌شوند و تنها ضرر می‌کنند.

البته اگر به این موضوع از جهت دیگری نگاه کنیم یک مشکل دیگر نویسی می‌آید و آن این است که اگر هم اولین کتاب شما از نظر ادبی واقعاً می‌عیب باشد ممکن است ناشر خوبی برای آن پیدا نکند چون تصور تمام ناشران این است که اولین اثر یک نویسنده، کاری بی‌محتوا بدون در نظر گرفتن اصول نویسندگی است. البته این یک قانون کلی نیست، لگران نیاشیده!

موازی که در زیر بیان شده اند تنها پیشنهادی برای نویسندگان تازه کار هستند و نه اصول و قوانین مطلق:

۱- به همه خیر بید!

با دوستانتان، کتابفروشان، کتابداران، منتقدان و هر کسی که سر رشته‌ای در ادبیات دارد یا تنها به ادبیات علاقه‌مند است از اینکه می‌خواهید شما و اثرتان را بشناسند، ارتباط برقرار کنید. این ارتباط می‌تواند حضوری باشد یا تلفنی یا حتی توسط پست الکترونیکی. فقط به همه آنها خیر بید که جلسه‌ای به خاطر اولین اثرتان برگزار کرده‌اید و آنها را به این جلسه دعوت کنید. البته اصلاً انتظار نداشته باشید که همه آنها دعوت شما را بپذیرند و در این جلسه شرکت کنند. اما حداقل با این کار می‌توانید آنها را وجود اثرتان مطلع کنید. این جلسه را می‌توانید با کمترین هزینه ممکن برگزار کنید و حتی می‌توانید به نویسندگان این امکان را بدهید که کتاب‌هایشان را در جلسه شما به نمایش

گذارند یا بفرهشند. اما اجازه ندهید که این جلسه از محور اصلی خود که معرفی اثر شماست خارج شود.

۲- به سراغ کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌های محلی بروید

سری به کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها بزنید و کتابتان را به آنها معرفی کنید و سعی کنید آنها را تشویق کنید که اثرتان را سفارش دهند. با این کار، حتی اگر این کتاب را از شما نخرند، مطمئن باشید جایگاهی برای کتاب‌های بعدی‌تان باز کرده‌اید!

۳- لیستی از منتقدان و مخاطبان کتابتان تهیه کنید

معمولاً وقتی ناشری می‌خواهد کتابتان را به چاپ برساند، اول از شما دربارهٔ مخاطبان کتابتان سؤال می‌پرسد، او می‌خواهد این کار متوجه شود که چه گروهی از خوانندگان کتاب شما را پسندیده‌اید و چه گروهی از دیدگاه یک منتقد آن را مطالعه کرده‌اند.

پس بهتر است قبل از اینکه کتابتان را به ناشر معرفی کنید، از دوستان یا آشنایانتان بخواهید آن را مطالعه کنند و نظر خود را بیان کنند. اما اگر بتوانید خوانندگان اولین اثرتان را به کسی پیشنهاد کنید که نظرش مورد قبول اکثر ناشران و کتابفروشان است، امتیاز بزرگی به دست آورده‌اید.

۴- کدام گروه سنی...

اول مشخص کنید که اثرتان کدام گروه سنی را در بر می‌گیرد و آنگاه برای تبلیغ در میان همان گروه سنی سرمایه‌گذاری کنید. مثلاً اگر کتابتان برای نوجوانان و دانش‌آموزان است، باید در میان همین گروه به معرفی و تبلیغ اثرتان بپردازید. برای هر تعدادی از مدراس بروید و کتابتان را به صورت رایگان به دانش‌آموزان بدهید یا یک مسابقه کتابخوانی در میان

دانش‌آموزان ترتیب دهید. البته بهتر است غیر از معرفی کتابتان، خودتان را نیز به طور کامل معرفی کنید تا اگر به شغل نویسندگی ادامه دادید، مخاطباتان با شما آشنا باشند.

۵- به گروه‌ها و انجمن‌های نویسندگی بپیوندید

به منظور مطرح شدن در جامعه نویسندگی بهتر است هر چه سریعتر به عضویت گروه‌ها و انجمن‌های نویسندگی درآید. از جمله مهم‌ترین امتیازهای عضویت در اینگونه گروه‌ها، آشنایی و رابطه داشتن با دیگر نویسندگان، منتقدان، شاعران و... است. هر کدام در کنار این نویسندگان که ممکن است هر کدام، در نوعی از نوشتن مهارت داشته باشند، تجربه‌های فراوانی کسب خواهید کرد. همچنین به عنوان یک نویسنده مطرح خواهید شد و مطمئناً مخاطبان بیشتری پیدا خواهید کرد. در ضمن خبرنگارنامه‌هایی که این گروه‌ها به نشانی پست الکترونیک شما ارسال می‌کنند، می‌توانید از آخرین اخبار مربوط به نویسندگی مطلع شوید. توجه داشته باشید که این دسترسی به خبر در کوتاهترین زمان ممکن صورت می‌گیرد و نیازی به جست‌وجوی شخصی ندارید.

۶- رویدادهای حوزه کتاب را نادیده نگیرید

تمام خبرهای مربوط به کتاب و نویسندگی را به دقت مطالعه کنید و با بی‌توجهی از آنها عبور نکنید. ممکن است این اخبار مربوط به شما باشند برای پیشنهاد کارتان مفید باشد. ممکن است با نادیده گرفتن این رویدادها، یک جلسه مهم، یک نمایش مهم یا حتی یک ملاقات مفید را از دست بدهید.

۷- مقاله بنویسید...

نوشتن یک مقاله در روزنامه‌های برخط یا



مجلات می‌تواند کمک مؤثری بر شما باشد. مقاله‌ای دربارهٔ اثرتان و سبک نوشتنتان بنویسید و اهداف خود را در آن به روشنی توضیح دهید. مطمئن باشید تعداد زیادی از افراد این مقاله را می‌خوانند و این کار تعداد قابل توجهی به خوانندگان اثرتان اضافه کرده‌اید.

۸- بروی کتاب بعدی‌تان کار کنید

آنچه گفته شد تمام روش‌های پیشرفت شما در نویسندگی نیست و ترکی یک کتاب -به خصوص اولین اثر یک نویسنده- تنها این دستورالعمل‌ها دست یافتنی نیست. باید برای این کار وقت کافی صرف کنید و لیکن به خرج دهید. اما یکی از بهترین روش‌ها این است که روی کتاب بعدی‌تان کار کنید. چون شما به خاطر اولین کتابتان با روش نویسندگی و ساختار کار با ناشران آشنا شده‌اید و همچنین روش‌های تبلیغ یک اثر ادبی پس بهتر است این تجربیات را بی‌استفاده نگذارید و با توجه به آنها کتاب بعدی‌تان را موفق‌تر از اولین کتاب بنویسید و به فروش برسانید. فراموش نکنید تلاش و همه چیز مهم تر است و اصلی‌ترین عامل موفقیت تلاش و پشتکار خود شماست. برای پیشرفت کارتان و بهتر شدن آثارتان تلاش کنید و فراموش کنید که مخاطباتان منتظر آثار بهتری از شما هستند!

هستند که در پیشرفت کار به آنها کمک کند و آنها را تشویق کند تا احماد به نتشان تقویت شود.

از این می‌ترسیم که **موضوعات و مطالب تمام شود**

نویسنده‌ای نیست که چنین ترسی نداشته باشد. اما اگر شما یا کشه‌رویی از نظرات و ایده‌های دیگران استقبال کنید، واقعش و کمبودهای کار شما برطرف خواهد شد. در هر صورت اگر با اشتکار شروع کنید همه چیز به طور سحرآمیزی فراهم خواهد شد.
گرچه ممکن است گاهی کار به آنجا پیش نرود و گاهی هم با چنان سرنخی کارها انجام شود که به وحشت بیفتد.

از خود می‌پرسم، **مگر من چه کسی هستم که کتاب بنویسم؟**

باید گفت، به هر صورت شما مستأثرین فرد برای نوشتن افکار و اندیشه‌های خود هستید چرا که فقط شماید که مطالب و موضوعات کتاب را دریافت داشته‌اید. من متقدم آنچ را که می‌نویسید، در حقیقت در زمانی که آماده‌ی دریافت آن را دارم، به ما داده می‌شود و اگر آن را دریافت کنیم زندگی ما متحول خواهد شد.

ما سحخی کار می‌ترسیم

اما این سحرها و مشکلات مهم‌ترین لحظات کار نویسندگی است. در طول مسیر با چالش‌ها و مشکلات اجتناب‌ناپذیم اما امروزه‌ای مواجه خواهیم شد. البته با تلاش و کوشش خواهیم توانست بر این مشکلات غلبه کنیم. در حقیقت ما چیزی را می‌نویسیم که نیامده‌اموختن آن هستیم.

کتاب

دو کتاب از جیحون

انتشارات جیحون به تلاّگی دو کتاب از رضا رامز با عنوان‌های «کتابفروشی یوده» و «کتاب زرتشته» به چاپ رسانده

است.

«کتابفروده» مشکل از گفتارها و کلمات قصار است.

از دیدگاه یوده‌ها همه چیز رنج است و منشأ این رنج هم خواسه‌هاست نفسانی انسان و ناقلی اوست. کتاب دیگر رضا رامز از مجموعه کتاب‌های معنوی به زرتشت اختصاص دارد. زرتشت هدف انسان را تلاش دائمی برای حفظ کمال روحی برده‌ی می‌داند. در بخشی از کتاب آمده است: «دو زرتشت بکار که دانشمندند، بخت و خرد، کاری است ناشناخت و کسی که آفتبته و خوش را بداند شناسن و شناختن و آگاه شدن به کار بندارد. چون جاری است که ارزش در مرز خودن و نویسن و خفین و نویسن و بی‌باز شدن و نویسن است نه بالاتر».
انتشارات جیحون هر کدام از این کتاب‌ها را در ۲۰۰ نسخه به پهای ۲۰۰ تومان به بازار عرضه کرده است.



در مدت ده ساله که مشغول

تدریس مهارت‌های نویسندگی بوم

متوجه شدم بر سر راه نویسندگان مواعی وجود دارد که من این مواع را موانع نویسنده شده‌ام می‌نامم. کسانی که استعداد نویسندگی دارند تلاش و پشتکاری می‌توانند بر این موانع غلبه کنند. اما مشکل اینجاست که برخی هنرمندان نتوانند به این برای نویسنده شدن حاضرند مشکلات و فشارهای موجود را تحمل کنند یا نه؟ برخی از مواعی که به شرح آنها پرداخته‌ام به نظر من جزء عوامل مهم و کلیدی هستند که بر سر راه نویسندگان قرار دارد.

به خودمان دروغ می‌گوییم که نمی‌توانیم کتاب بنویسیم

شاید فکر کنیم عهده ما نبود زمان، فشار کاری یا تنها بودن در اوقات فراغت است، در حالی که ممکن است عامل مهمتری در کار باشد. مثلاً ممکن است به خود بگوییم، من که از فلاّن نویسنده مشهور بهتر نمی‌نویسم، یا فرض کنیم کتابی هم نوشته‌ام و چاپ شد و خیلی هم فروش کرد، خوب که بیجا!

از **پایدهای انتشار کتاب می‌ترسیم**

گاهی که با نویسندگان برخورد می‌کنم با کمی پرس و جو متوجه می‌شوم که آنها از پایدها و نتایجی که یک کتاب ممکن است به همراه داشته باشد، می‌ترسند. البته مطمئن باشید که انتشار کتاب هر نتیجه‌ای داشته باشد قادر به کنترل آن خواهید بود.

فکر می‌کنیم آنچه می‌نویسیم اهمیتی ندارد

پس چرا خود را یا به دردسر بیندازیم. نویسنده‌ای را می‌شاهخیم که

مشغول است، من سعی می‌کنم هر روز صبح زود از خواب بیدار شوم و تا برویشت مشغول نوشتن باشم اما احساس می‌کنم آنچه که می‌نویسم بیشتر می‌هم ارزش ندارد. در اینجا باید به شما بگویم که امروزه نویسندگی و چاپ فعالیت کاملاً شخصی و ارادی شده است. اگر ناشران با چاپ کتابتان موافقت کردند نوشتن می‌توانید آن را به صورت «کتاب الکترونیکی» در وب‌سایتتان منتشر



نگاه جهانی

... و پنجره ها خاموش می شوند

نمایشنامه پرداخت، مضامین تنهایی و غربت در نمایشنامه‌های ارفلقب به شیوه تئاتر آیزورد و کارهای ساموئل بکت و هازولد پینتر مطرح می شد. در نمایشنامه «دوستان» (۱۹۶۷) اپارتمان یک کارمندمورد حمله خانواده‌ای قرار می گیرد. این خانواده زمام زندگی کارمند را به دست می گیرند و سرانجام هم یکی از دخترها او را می کشد. اگرچه اعضای این خانواده ادعا می کنند خود را وقتا خدمت به جامعه کرده اند.علاقمای رفتارهایشان وحشیانه و ویرانگر است. «پجدان» (۱۹۷۳) دیگر نمایشنامه اوست که در آن دو زن گریان حضوری چندمینی هستند که گفته می شود اجداد همسر یکی از این دو زن را در بر دارد.

که به انگلیسی ترجمه شده و مشهورترین اثر وی در آمریکا به‌شمار می رود. هر چند محبوبیت این اثر بیشتر از آنکه به ارزش ادبی آن مربوط باشد به وضعیت جامعه‌ای بازمی گردد که سرگرمی تئاتری را به نوع ادبی اش ترجیح می دهد و اگرچه شکیلاز سه رمان دیگری اش را نیز به فیلم درآورده. فقط وزن در ریگ و روان است که از محبوبیت در میان غربی های خوردها شده است.

کارهای بعدی آبه ناست به وزن در ریگ روان از درک بلغافتن و پرورش مام‌انه‌تری از نظر ایده آل های فلسفی و ادبی بر خوردارند. آنچه که بعدها به مضمون محوری کارهای آبه تبدیل می شود، یعنی به کارگری شیوه علمی برای درک اهداف پنهان زندگی انسان در این اثر هنوز در مرحله طفولیت قرار داده اثری که همچون «یکگاه» کامویش از این چیزها درگیر توصیف شرایط وجودی است. اگرچه نکته شدید بر فلسفه وجودی از کارهای بعدی نمایشنامه کنار می رود، در این اثر و در آغاز کارش آنچه می بینیم کشمکش است

کوبو آبه رمان نویس و نمایشنامه نویس معاصر ژاپنی است که در حین طنز آیزورد شباهت هایی با ساموئل بکت و اورژن یونسکو دارد. بی هویتی، تنهایی و غربت انسان در جهانی عجیب و مشکلات انسان ها در برقراری ارتباط با یکدیگر، مضامین محوری آثار او را تشکیل می دهند. آبه را در غرب بیشتر با دو رمان وزن در ریگ روان» (۱۹۶۲) و «بپهره دیگری» (۱۹۶۲) می شناسند.

کوبو آبه در ۱۹۲۲ در توکیو به دنیا آمد و در منچوری بزرگ شد. پدرش پزشک و از اعضای دانشکده پزشکی در منچوری بود. آبه در جوانی به ریاضیات و جمع اثر حشرات علاقه مند بود. شاید فرهنگ جدید او را به مطالعه آثار فیلسوفانی از غرب همچون هایدگر، پاپاییس و نیچه سوق داد. آبه در ۱۹۴۱ در ژاپن رشت و در ۱۹۴۳ وارد دانشگاه توکیو شد و در رشته پزشکی تحصیل کرد اما پس از اتمام تحصیلات به مجال طبابت به یونسنگی پرداخت. او عضو یک گروه ادبی شد که هرهی آن را کوبو رهامادا بر عهد، داشت. هدف این گروه پیوند وزن تکنیک های سوررئالیسم با عقاید مارکستی بود. نوشته های آبه که اغلب به رسمی و خشکند، این نکته را بیان می کنند که در پیش زمینه های فکری آبه اصول فکری جای اصول تکنیکی باگرفته اند.

آبه در ۱۹۴۷ به هزته خودش مجموعه شعری منتشر کرد اما اعتبار و شهرتت را سال بعد با انتشار رمان «اعلامت جاده در تنهایی خیابان به دست آورد. او در بزرگداشت سالن تکدان است و تمام آثارش را به زبان انگلیسی نوشته است.

به همین دلیل انتشار وزن در ریگ روان، می تواند مایه خوشحالی باشد.

سروش روحبخش



برای وجود انسان ها هم باید، مجموعه قوانین مشخص و صریحی که وجود انسان را اداره کند، برگزینی ها و نتویش های اگزیستانسیالیستی فاتح خواهد شد.

در این میان ژنی که در داستان حضور دارد با مصعوبیت، سختکاری و حماقت این واقعیت زندگی را پذیرفته که هر روز همچون کارگری، شی‌ن‌های خانه را پرورید. رابطه این زن و قهرمان داستان زباناب رابطه معمول یک زن و شوهر است. شوهری که زبای فرار از این جهان نکت‌بار را در سر دارد و معتقد است به‌طور موقت در این جهان به دام افتاده و همسری که خاموش و مطیع می ماند و نیز شرمگین است. چون در تارخ‌سایز شوهر خود را مقصر می داند، اما زن با تان دادن به قواعد ثابت زندگی خود در رنج و در وجودی مرد شریک نیست، چون زندگی اش را همانگونه که هست پذیرفته.

ابه چی نگاه می‌کری؟

به پنجره.

نه منظوری‌انه که از پنجره به چی نگاه می‌کری؟ پنجره ها... پنجره های زیاده، یکی یکی دارن خاموش می‌شن. این تنها لحظه‌ایه که نه‌فهمی واقعا کسی اونجاست.»

(از نقشه ویران، رمان، ۱۹۶۷، آبه)



به «ایسه» ای مرتبط دانست. خطری که همیشه در گذشته از شخصیت‌ها عروسک خیمه شب بازی بسازد و طوری که آدم مدام جوشش به‌خوب دست و پای آن باشد و پس از اینکه از قصه خواندن لذت برد، بی هدف خاص نویسنده، باشد؛ یعنی تزلزل کیفیت اثر ادبی به سطح یک حکایت اخلاقی یا ضرب‌المثل. شاید مقایسهٔ «زن در ریگ روان» از این حیث ملاًلاً «کوری» سازگارگو بد نباشد. طرح هر دو داستان تخیلی است و هر دو کمابیش ملهم از نگاه‌های تخیلی اما چیزی که کوری را یک سر و گردن بالاتر از زن در ریگ روان قرار می دهد، شورهٔ قصه گوئی سازمان‌گوست. او از شخصیت‌هایش عروسک خیمه‌شب بازی بساخته، اجزاء و داده صرف برزند و فکر کنند. اجازه داده زندگی کنند و عمیقاً با شرایط درگیر شوند و خیلی در بند این مورد علاقه‌اش هست یا نه؟

طرح آثار جدیدتر کوبو آبه، از این نگاه ایدئولوژیک فارغ است و این قایل توجه آقای خرابی عزیز ما هنوز از ادبیات معاصر سرزمین آفتاب تابان، چیز داریم. نمی‌دانیم.

با اصول بنیادین فلسفه اگزیستانسیالیسم یعنی طبیعت قراردادی سیستم ارزش های اجتماعی و می‌تیمی شدن فرد، اگر در آثار بعدی نویسنده زبایی از این درگیری و تعارض وجودی نمی‌بینیم به این علت است که قهرمان‌های آبه (و خودنویسنده) پیش از این اصول اگزیستانسیالیسم را به عنوان موقعیت درک شده خود زندگی پذیرفته‌اند. اگزیستانسیالیسم زمینه‌ای است که این رمان‌ها بر آن گسترده می‌شوند.

قهرمان داستان وزن در ریگ روان حشره‌شناس است. آبه در انتخاب قهرمان به عنوان یک دانشمند، خواننده را برای روایتی مفصلی و عینی آماده می‌کند. او با این انتخاب به خودش هم فرصتی داده تا با قهرمان اثرش همزادبنداری کند. در انتخاب حشرات برای موضوع مورد مطالعه این دانشمند نیز نویسنده معلوم می‌کند که قهرمان (مجموعان که نویسنده) در جست‌وجو برای کشف قوانین بنیادی و اداره‌کننده رفتار اجتماعی است. قهرمان در سطحی وسیعتر در جست‌وجوی قوانین وجود است. حشرات اجتماعی همچون مورچه‌ها، موربان‌ها و زنبورها رفتاری را به نمایش می‌گذارند که می‌توان آن را به مجموعه‌ای بسیار سفت و سخت از قوانین و نژیک سلسله مراتب ثابت و محکم اجتماعی توصیف کرد. هر عضو این جامعه وظیفه خود را با اطاعت تمام می‌داند و هدف وجودی‌اش با این نقش تعریف می‌شود. کارگران مسؤول تهیه غذا و سرپناه هستند. سربازان دفاع و حمله را به عهد دارند و ملکه باید تولید مثل کند. این قواعد ی‌باید و بشرط بوده و محدود به ساختار ژنتیکی هستند. در نتیجه تعارضات وجودی در جهان حشرات امری است ناشناخته. با دانستن این نکته می‌بینیم که قهرمان داستان امبدورا است مجموعه مشابهی از قوانین را

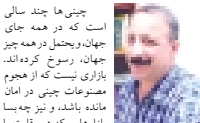
نگاه ایرانی

پا به پای ریگ روان

درباره زن در ریگ روان: اثر کوبو آبه

متجدد؛ یک شهروند نمونه که مالیتش را به موقع پرداخته و رفتاری روشنگر و دست‌اندر کار مشروعات دارد. جوینی اتفاقاً آخرین نویسن آن شب را از دست می‌دهد و تاگزیر می‌شود همان جوانی در وسطی اطراف کند. روستا قطعی خرمی دارد. همه تقریباً زیر شن مدفونند و رفت و آمد با نزدیکان طایفه و از راه سفینه انجام می‌پذیرد. چندان از اهالی روستاها را در خانه زن نبوی و اهتلمی می‌کند تا شب را آنجا بسری کند. گفت: گوهای ابتدای جوینی مرداب شش اسیر می‌شود.

با زن اصلاً دلچسب نیست. ژنی است خجالتی و شرمگین که مدام دربارهٔ شن صحبت می‌کند و مرد آرام آرام متوجه می‌شود تمام ابعاد زندگی اهالی آنجا شش آمیخته است. شبن عده‌ای سطل و بیل پایین می‌فرستد و زن مشغول به کار می‌شود. او وظفه دارد قسمتی از خانه را مدام شن رویی کند تا روستا زیر شن مدفون شود. مرد اول قصد دارد به او کمک کند اما وقتی می‌فهمد این عملیات جافرسا هر شب تا صبح انجام می‌شود و در عین حال نمی‌تواند زن را قانع کند که آنها برای مقابله با شن نباید راه انسانی تری بیاند. دست از تلاش می‌کشد. چهار روز بعد مرده آماده رفت است اما تازی از تریان نیست. اول فکر می‌کند انتهایش شده اما بعد در می‌یابد اهالی او را در آنجا زندانی کرده‌اند تا در شن رویی شبانه همراه زن باشد و تقریباً تمام اهالی روستا جز عده‌ای اهالی تعاونی که این ماجرا را نقلت می‌کنند، اسیرند و چاره‌ای جز این کارگری ندارند. زن البته این مسأله را اسارت نمی‌داند و تسلیم شرایط است. مر بر می‌آیند، تهدید می‌کند، تاامید می‌شود. تلاش می‌کند و وقتی راه



کالا‌های افرا‌ان و اززان چینی، به ورشکستگی یا به آستانه ورشکستگی کشیده شده‌اند. توان اقتصادی و قدرت تولید صنعتی چین از جمله شکفتنی های روزگار ماست، و از مضمون‌های بحث همه کشورهای که بازارهای خود را به چینی‌ها بسته‌اند؛ یا کشورهای در حال توسعه‌ای که آرزو دارند به راز اجزاء آفرینی راز و رمز دوره انقلابی را دریابند که چینی‌ها درنوردیدند و در مدتی قریب به یک دهه، خود را از جامعه‌ای متروکی و واپس مانده به جامعه‌ای تبدیل کردند که گفته است کسری موازنه پرداخت غوثی اقتصادی چون آمریکا به آن رو، به افزایش گذارده است. روند رشد و توسعه کنونی و آینده چین، موضوع بررسی محافل اقتصادی و صنعتی و بسیاری محافل دیگر در جهان است. بر ایران هم همه کسانی که به ویژه پس از انقلاب به مباحث رشد و توسعه توجه داشته‌اند، از چین چشم‌پوشانده‌اند. نکته‌ای که از این میان با بحث ما ارتباط مستقیم دارد، این است که در قلمرو اقتصاد و صنعت، فعالیت‌ها بر هم تأثیر می‌گذارند و هر گاه شاخه‌هایی از تولید رو به رشد و توسعه بگذارند، شاخه‌های دیگر رو به دیوال خود می‌کشند. نشر بدون صنعت و اقتصاد تولید گونه خاصی از کالا‌های فرهنگی در عصر سیمون تولید در چین، به مرحله‌ای رسیده است که به سهم خود می‌تواند یکی از شکفتنی‌های نشر جهان و جهان نشر، و نیز از مسأله‌های آینده آن حوزه باشد. پدیده نامنظم نشر در چین، برای دست‌انداران کتاب در ایران و همچنین همه کسانی که به گونه‌ای در این شاخه از تولید فعال هستند و از تغییرات و تنگناک‌ها و تنگنای‌های آن زبان می‌بینند، می‌تواند از مباحث جانب توجه به شمار آید، به‌ویژه آن که چین به سازمان جهانی تجارت (WTO) پیوست، قراردادهای حق نشر (کپی‌رایت) را پذیرفت و طی دوره چندساله‌ای نشر خود را با وضعیت جدید تطبیق داد. نکته تجربی مهم برضی آنکه عرضه نشر در ایران سازمان جهانی تجارت خواهد پیوست و راهی را که کشورهای در حال توسعه پیموده‌اند، به‌ویژه آن دسته‌ای که صنایع فرهنگی و نشرشان آسیب‌پذیر بوده است، به تاگزیر نباید بینماید. اما پیش از آن که به این نکات بپردازیم، شاید بداند قلری به خود چین، تمدن و فرهنگ، سر تحولات زمینه ساز و جنبه‌های پرآزمای که به شناخت نشر بهتر از دید کلان کمک می‌کند.

چین که یکی از بنیادهای تمدن و از دیرینه ترین تمدن‌های جهان است، کشوری است پهناور در شرق آسیا. مساحت آن ۹۵۹۹۶۹۰ کیلومتر مربع (حدوداً ۵۸۱ برابر خاک ایران) از حیث وسعت پس از کانادا و روسیه سومین کشور پهناور جهان است. از ۳۳ استان تشکیل می‌شود و جمعیت آن بر پایه برآورد تابستان ۱۳۸۳، نزدیک به ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ (یک میلیارد و سیصد میلیون) تن بوده است. رشد جمعیت در آن طی سال‌های گذشته کاهش یافته و نیز یک درصد رسیده است. چین از گروه‌های قومی مختلف تشکیل می‌شود که

حدود ۹۰ درصد را چینی‌های هانی، و حدود ۱۰ درصد دیگر را اقوام ژوانگی، آلبوری هونی، تیبی، مانچویی، مغولی و کزهای تشکیل می‌دهند. زبان رسمی چین، چینی ماندارینی با گویش پکنی است. ادیان تائویی، بودایی، مسیحی و اسلامی، ادیان چهارگانه اصلی چین را تشکیل می‌دهد. شمار چینی‌های پیرو اسلام کمتر از ۳ درصد کل جمعیت است.

روز بزرگ هوان هو نیز معروف به روز (رز) بخش عظیمی از خاک چین را می‌پیماید. از میان دشت‌های پهناوری می‌گذرد و دره‌های آبیان بسیاری را تشکیل می‌دهد. این رود همان نقشی را در پیدایش و تکوین تمدن چین داشت که رودهای دجله و فرات در تمدن بین‌النهرین، نیل در تمدن مصر و سند در تمدن هند. از ۱۶۰۰ ق م (حدود ۳۶۰۰ سال پیش از این زمان) شکفتن تمدن چینی و ساخته شدن نخستین سکونت‌گاههای شهری در چین آغاز شد. گو اینکه نخستین نقش‌ها و نمادهای که روی سفال‌های چینی است و از کارش‌ها به دست آمده است، به زمانی پیش از آن تاریخ تعلق دارد و قدمت آنها با سفال‌های نقش و نمادها و پابلی حدوداً هم‌زمان است.

قطع نظر از مدهای دانشمندان چینی درباره قدمت و دستاوردهای تمدن خودشان که گاه ممکن است پایتخته محافل علمی، پژوهشی می‌طرف نباشد، واقعیت تاریخی این است که عناصر اصلی چاپ را چینی‌ها اختراع و ابداع کردند و مام که چاپ محمل اصلی نشر باشد، سهم چین در نشر، مهم تاریخی انکارناپذیر است. پژوهشگران چینی اختراع کاغذ را به کای لو Chai Lu در ۱۰۵ م نسبت می‌دهند. آغاز چاپ با قالب‌های چوبین را از اواخر سده ۶ م دانند، و سال اختراع حروف متحرک را ۱۰۴۱ م (برابر با ۲۲۲۲ ق. هجری) می‌دانند. در حدود اوایل حکومت سلجوقیان تعیین می‌کنند و این اختراع را به بی‌شکک Bisheng نسبت می‌دهند. چاپ در چین با باهمان قالب‌های چوبین به مدتی بیش از ۳ قرن ادامه داشت و پس از رواج گرفتن حروف متحرک در آن‌کل پخته، پیش از گذشته گسترش یافت. آثار بسیاری که با این دو شیوه چاپ شده و باقی‌مانده است، در موزه‌ها نگاه‌داری می‌شود و از دیدنی‌های تاریخ چاپ است. در سده ۱۹ م حروف سریب که در شماری از کشورهای جهان کاملاً رواج یافته بود، وارد چین شد و عصر جدید چاپ و نشر در این کشور آغاز گردید.

نخستین مرکز انتشاراتی چین در ۱۸۷۷ م (برابر با ۱۳۳۵ ق. هجری) در ۱۰ سال پیش از انقلاب مشروطیت ایران) تأسیس شد. پس از پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸ م) حرکت‌های سیاسی تازه‌ای در چین، که طبیعتاً نمی‌توانست از تأثیر واپس‌مانده حاکم بر چین با نظام سیاسی فرسوده دیگر نمی‌توانست بر چینی رهبری کند که می‌خواست مانند بسیاری از دیگر کشورهای همیای آهنگ کاروان جهان حرکت کند. چین سرانجام ۶ سال پس از ژاپن و ۵ سال پس از ایران در ۱۹۱۱ م انقلاب کرد، بساط امپراتوران را برچید و سون یات سن را در رأس جمهوری جدید قرار داد. از این دوره، حرکت‌های فکری تازه‌ای در چین آغاز شد و طرف چند سال بعد شماری مؤسسه انتشاراتی وابسته به جریان‌های مختلف فکری تأسیس یافت و به انتشار آثار و روشنگرانه پرداخت. چین نیاز داشت با آنچه در جهان می‌گذشت آشنا شود، و از این رو موج اندیشه‌های مختلف غربی در بسیاری از زمینه‌ها به عرصه انتشارات چین راه یافت.

پس از سون یات سن، چینگ‌کای شک به مدت ۱۰ سال با نظام یک‌حزبی و دیکتاتوری بر چین حکومت کرد و عملاً به بحرانهای عمیق جامعه برجمعت و پرسیاله چین دامن زد و راه را برای قدرت گرفتن

کمونیست‌هایی که حتی توانسته بودند در دهه ۱۹۲۰ م مراکز را در جنوب چین تأسیس کنند، هموار ساخت. در ۱۹۳۷ م ژاپن به چین یورش برد و بخش‌های حساسی از این کشور را اشغال کرد. بحران چین ادامه یافت و به جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م) کشید و پس از آنکه ژاپن ناگزیر شد در پایان جنگ جهانی خاک چین را ترک کند، اختلافات میان نیروهای ملی‌گرا و چپ‌گرا در چین به جنگ‌های داخلی انجامید تا آنکه سرانجام کمونیست‌ها به رهبری مائو تسه دوینگ در نبردها پیروز شدند و در اکتبر ۱۹۴۹ جمهوری خلق چین را تأسیس کردند. پس از استقرار حکومت کمونیستی، نشر زیر نظر حزب کمونیست و دولت قرار گرفت و تا ۱۹۵۶ م همه سازمان‌های انتشاراتی خصوصی، ملی اعلام شدند و در واقع تحت نظارت دولتی قرار گرفتند. از ۱۹۶۵ م، موج تازه‌ای در چین ایجاد شد که همه شئون زندگی چین، و از جمله نشر این کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این موج که از آن با نام انقلاب فرهنگی چین یاد می‌کنند تا مرگ مائو در ۱۹۷۶ م ادامه داشت.

انقلاب فرهنگی چین، که به عنوان دفاع از انقلاب چین، حفظ دستاوردهای انقلاب و مبارزه با اندیشه‌ها و مظاهر فاسدکننده بازماده از قدیم و تصفیه چین از عناصر غیر انقلابی انجام گرفت، از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران و نیز چینی‌هایی که امروز زمام این کشور را به دست دارند، نه به عصر شرف‌ت که به دوره پسگرد چین تبدیل شد. اول اقتصاد صنعت و رکود فعالیت‌های فرهنگی، از جمله ویژگی‌های این دوره است. محروم شدن شماری از نویسندگان از نوشتن، تصفیه شدن عده قلیاب توجهی از ناشران و بناچار، تعطیل نشر تعداد زیادی از مؤسسه‌های انتشاراتی و محافل ادبی، هنری و روشنفکرانه، همراه با تسلط شدید جناح‌های تندرو حزب کمونیست بر نهادهای انتشاراتی به نشر بین‌فره‌های سنگینی وارد ساخت. نزدیک به یک دهه، جزو آثار سیاسی و تبلیغی که انقلابگران فرهنگی تجویز می‌کردند، اثر فکری دیگری که در خورتوجه باشد انتشار نیافت. تولید عمده کتاب فقط خاص آثار مائو، مصوبات حزب و کتاب‌های درسی دانشگاهها و مدارس و کادرهای حزبی بود.

پس از مرگ مائو و گزار شدن سران تندرو حزب، جناحی به قدرت رسید که در ۱۹۷۸ م (حدوداً یک سال پیش از انقلاب اسلامی ایران) دنگ شیائوپینگ را بر سر کار آورد و روند اصلاحات و تغییرات در همه زمینه‌ها آغاز شد. دنگ متحرک، عاملی که بر نشر هم تأثیر گذاشت، سبب شد که هر ناحیه‌ای در چین با توجه به امکانات و ظرفیت‌های بومی و فارغ از تصمیم‌گیری‌های دیوان‌سالارانه، حرکت‌های تولیدی خود را آغاز کند. نشر محلی در چین، در برنو این سیاست شکفتن آغاز کرد. این روند رو به افزایش نهاد و پس از اینکه اداره ملی نشر چین زیر نظر وزارت فرهنگ قرار گرفت و این وزارتخانه مأمور شد سیاست‌های جدید را به اجرا گذارد، شمار سازمان‌های انتشاراتی چین در استان‌ها، و در ۱۹۸۳ م به ۲۵۸ مؤسسه و شمار سازمان‌های انتشاراتی پکن به ۱۶۰ مؤسسه (جمعاً ۴۱۸ مؤسسه) بالغ شد. در ۱۹۸۵ م دولت برنامه‌های جدید حمایت‌آز شده صنعت نشر را اعلام کرد و بخشی از برنامه‌های کلان نشر از پکن به شانگهای منتقل شد. در ضمن از حیث موضوعی، تقسیم کار صورت گرفت و مخلوده و مسیر حرکت مؤسسه‌های انتشاراتی که به هزینه دولتی اداره می‌شدند، با دقت تعیین گردید. برای ورود سرمایه به عرصه صنعت نشر و انواع سرمایه‌گذاری‌های نیز زمینه



لازم فراهم آمد و رشد نشر چین از حدود ۲۰ سال پیش آغاز شد و اصلاحات و حرکت‌های بعدی به آن شتاب بخشید.

پس از آغاز تحولات اقتصادی از ۱۹۷۸ م، حرکت اقتصاد سوبیتی وار، و البته به سبک چینی و با برنامه‌ریزی متمرکز به تدریج به سمت اقتصاد بازار آغاز شد. درهای بسته شده را یکی پس از دیگری باز کردند و رفت و آمد میان چین و جهان خارج، و نیز اقتصادی چین از راه یافتن به بازارهای جهانی شروع شد. با این حال، نظام سیاسی کشور و اداره آن در چارچوب موازین و مقررات حزب کمونیست باقی ماند. اندکی پس از تحولات جدید، جنبه‌جلی جمعیت احساس شد و اندک‌اندک بر شمار جمعیت شهرنشین افزوده گردید.

مشاغلی کوچک می‌شمار ی پدید آمد. اقتصاد رفق گرفت. زمینه‌های سرمایه‌گذاری فراهم گردید. قدرت‌های محلی برای اداره امور افزایش یافت و به‌طور کلی اداره بخشی‌های دیگر جامعه با سیر و روند اقتصادی جدید سازگاری داده شد. همه این زمینه‌ها کمک کرد تا چین در ۲۰۰۳ م در جلگه‌ای جدید اقتصاد جهان قرار گرفت. رشد ۱۰ درصد سالانه اقتصادی چین زمینه لازم را برای رشد و توسعه نشر فراهم می‌آورد.

بخش خصوصی نشر چند سال پس از تحولات، رو به رشد نهاد. اما از زمانی که چین تصمیم گرفت به سازمان جهانی تجارت پیوندد و از زمانی که متوجه شد برای امضای پروتکل لازم برای پیوستن به این سازمان ایجاد تغییرات ساختاری در نشر ضرورت دارد، تغییر و تحولات نشر هدفتند. شد. چین متوجه شد که بدون تأمین نکته زیر امکان پیوستن به سازمان جهانی تجارت نیست. این نکته از این قرار است:

۱) ایجاد تحول در ساختار و سازمان چاپ بخش گری (توزیع) کتاب و سایر نشریات در سراسر کشور. چین دریافت که این تحول باید حداقلتر در مدت ۳ سال صورت بگیرد، و این تحول را در مدت مدتی عملی کرد. شرکت گروه بخش‌گری شین هو هم همین منظور تأسیس شد و شبکه کنفرنوشی‌های ایجاد گردید که اصول او، ۹۰۰۰۰ بود و از زمینه کنفرنوشی‌های پدیدفتند و به کار برند. کنفرنوشی‌ها از چند سال پیش آغاز به کار کردند و به سطح کنفرنوشی‌های ۵ هزاره جهان (الاتیون سطح استانبول) کیفت ارتقا یافتند و مدیریت و خدمات را با بالاترین کیفیت ارتقا دادند. سطح نشان دادند. در ضمن یکی از شرایط پیوستن چین به سازمان جهانی تجارت این بود که دولت راه را بر بازار خرده‌فرشی نشر در سراسر کشور باز کند و دست‌کم بخشی از عمده‌فرشی در این زمینه را از قید دولتی آزاد و به بخش خصوصی واگذار کند. چین متعهد بود حداقلتر تا ۲۰۰۴ م به این تعهد خود عمل کند، که کرد. نتیجه در ساختار بخش کتاب‌های آموزشی هم تغیی را به‌یافت و شبکه بخش کتاب‌های آموزشی توزیع و فروش کتاب در سراسر چین گسترده فعال شد. به موازات انتشار کتاب‌های مخصوص روستاییان، برای بخش فروش روستاها، فعال شد و کنفرنوشی‌های ویژه روستایی با کارکردهای خاص خود وضع گرفت.

۲)چین متوجه شد که بدون سرمایه‌گذاری های خارجی و برنامه‌های مشترک و همکاری، هم پویستن به‌سازمان جهانی تجارت مابعم رویه‌روست.هم آهنگ رشد و توسعه در نشر با کندی رویه‌رو خواهد بود و هم کشور از انتقال برخی فناوری‌ها به عرصه نشر محروم خواهد شد. از این رو دولت اجازه سرمایه‌گذاری خارجی در زمینه نشر و به‌صورت سرمایه‌گذاری مشترک را صادر کرد و گفت:گروه‌های گسترده‌ای برای جذب سرمایه‌های خارجی آغاز شد.چین هم اکنون با شمار قابل توجهی از مؤسسه‌های بین‌المللی نشر قرارداد همکاری امضا کرده است. مؤسسه آژوریر Elsevier که از معروف‌ترین معتبرترین ناشران سطح مرچ است، با یکی از دانشگاه‌های چین قرارداد همکاری امضا کرده است. یکی از موارد این قرارداد امکان دستیابی دانشگاه‌های چین از طریق امکانات آژوریر به منابع علمی پژوهشی است. یکی دیگر از موارد قرارداد آژوریر با چند دانشگاه چین ترجمه و انتشار شمار قابل توجهی منابع علمی پژوهشی به چینی است؛ و نیز انتشار مجله‌ای پزشکی به چینی آژوریر بر پایه این قرارداد به بازاری بسیار مهم دست یافته که رشک همه ناشران بزرگ است. و چین هم در ازا به مجموعه‌ای از اطلاعات علمی پژوهشی دست می‌یابد. که در غیر این صورت برای دست زافتن به آنها باید هزینه‌های گزینی پردازه تیر و زمان صرف کند. این قرارداد، گذشت از ایاده‌های علمی، صرفه‌های اقتصاد قابل توجهی برای چین دارد.

چین، قراردادی هم با مجله نشنال جئوگرافی National Geography برای نشر هم‌زمان این مجله به بسیاری در جست‌وجوی کار با زندگی بهتر، به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند. در کانادا، بزرگ‌ترین اقلیت این کشور را چینی‌ها تشکیل می‌دهند. چینی‌ها در کانادا صاحب ثروت، قدرت، نفوذ و مشاغل مؤثرند و به سهم خود در شماری از عرصه‌های زندگی کانادایی تحول ایجاد کرده‌اند. معمولاً کشورهای که اتباع آنها از چنین موقعیتی نفعی در کشور یا کشوری دیگر برخوردارند، به دلایل مختلف، از جمله سیاسی، اقتصادی، فرهنگی چنین توجیه می‌دهند که این دسته از اتباع در کشور نانی باشند، اما نیاز ممتنع و مستحکم خود را با سرزمین اصلی حفظ کنند. معمولاً شهلات یزویای هم برای این دسته از اتباع قابل هستند. انتشار نشریات مختلف در میان سرزمین اصلی و بخش کردن و فروختن آنها در میان اتباع مهاجرت کرده به کشورهای دیگر، می‌تواند از سیاست‌های بسیار سنجیده‌ای پیروی کند که هم صرفه اقتصادی و هم تأثیر فرهنگی داشته باشد. چین با توجه به اینکه شمار قابل توجهی از چینی‌های مهاجر در کشورهای مختلف تریج می‌دهند، نه فقط نشریات چین، بلکه بسیاری از منابع خارجی را هم به چینی بخوانند. قرارداد انتشار نشنال جئوگرافی به چینی را منفع‌د ساخته است.

چین در عین حال، شماری قابل توجه از مجله‌های علمی - پژوهشی دانشگاهها و پژوهشگاههای خود را به زبان انگلیسی منتشر می‌کند. این نشریات در خارج از چین خوانندگان دارد. به‌ویژه کسانی که می‌خواهند در زمینه‌های مختلف با چین آشنا شوند. از مراعات به این مجله‌ها هستند. همین طوره‌های علمی -پوهشی که مایل به مبادله هستند، و دانشجو هستند، سرمایه‌گذاران خارجی، نیز نسل‌های دوم به بعد چینی‌ها که چینی زبان اول آنها نیستند.

۳) چین تأکید بر بود برای پویستن به سازمان جهانی تجارت، قوانین بین‌المللی حق نشر (کپی‌رایت) و به ویژه مرتبط با مقررات آن سازمان را مراعیت کند. تخلف در چین، چه در زمینه تکثیر غیرمجاز کتاب و نشریات و چه در زمینه همه انواع نرم افزارهای رایانه‌ای و مواد دیداری و شنیداری وجود داشت. حتی بنا به گزارش‌ها، در سال ۲۰۰۱ بیش از ۱۸ میلیون نسخه کتاب تکثیر شده غیرمجاز ضبط و توقیف شد. جوامع پیوسته به کنوانسیون‌های حق نشر اینگونه تخلفات را به هیچ روی بر نمی‌تابند. از این رو چین به عنوان کشوری که مصمم است به

مقررات بین‌المللی در همه زمینه‌ها احترام بگذارد، در مقررات داخلی خود در زمینه حق نشر تجدیدنظر کرده و این مقررات را با قوانین بین‌المللی حق نشر سازگاری داده است. مجموعه اقداماتی که چین در خصوص حق نشر انجام داده است، بسیار گسترده و برای ایران که در آینده نزدیک با دوریا موضوع پیوستن به کنوانسیون‌های حق نشر رویه‌رو خواهد شد، از مباحث قابل تأمل است.

۱) وجهه دیگر اینکه هم اکنون در جهان رسانه کتاب با رسانه مجله اثران از سایر رسانه‌های فرهنگی جدا کرد. از این رو هر کوششی که در عرصه تولید کتاب و نشریات می‌شود، باید با عرصه تولید سایر رسانه‌ها، و از جمله رسانه‌های دیداری - شنیداری، هماهنگ و همسایه باشد. سیاست‌ها و برنامه‌هایی که دولت چین در باب تولید، عرصه و بخش رسانه‌های دیداری - شنیداری در پیش گرفته است، خود بحث جداگانه و بسیار مفصلی است که در نوشته دیگری و با هدف و کاربرد دیگری باید به آن پرداخت.

از این چهار مورد که سیاست و مسیر نشر را در چین در سال‌های اخیر و با توجه به رویه پویستن به سازمان جهانی تجارت، تعیین کرد بگذریم، ذکر چند نکته دیگر درباره جنبه‌های دیگری از نشر چین شاید بی‌فایده نباشد.

هم اکنون بیش از ۲۰۰٬۰۰۰ (بهارصد هزار) نهاد

بر نشر، از آنها بهره‌مند شده‌اند. ۲) رشد مجلات بدون حمایت‌ها و پارتانه‌های دولتی میسر نیست، و دولت چین هم به حمایت از نشریات و کمک به تکثیر و توسعه آنها علاقه‌ای نشان نمی‌دهد.

به این دو علت است که نشر مجلات توانسته است همپای رشد کتاب به سطحی برسد که سطح استانداردهای جهانی، که سطح استانداردهای مطلوب چینی است.

اقتصاد کتاب‌های درس رقم شده‌ای از اقتصاد نشر چین را تشکیل می‌دهد. در ۲۰۰۲ م، حدود ۲۰ درصد فروش کتاب در این کشور از آن کتاب‌های درسی بوده است. در مقایسه با آمارهای جهانی این رقم از حدود معمول تقریباً ۱۰ درصد بیشتر است و علت آن دو چیز می‌تواند باشد، ۱) افزایش شمار دانش‌آموزان و بزرگسالیان ۲) فاصله‌ای که نشر عمومی باید برسد که تا به سطح استانداردهای مطلوب برسد.

نشر رسانه‌های دیداری - شنیداری به سبب بهره مندی از دستاوردهای صنعتی و الکترونیکی با سرعت بسیاری در حال رشد و توسعه است. هم اکنون ۲۵۰ نشر تخصصی در این زمینه فعالیت می‌کنند. تولید ابزارها و تجهیزات الکترونیکی رسانه‌های دیداری - شنیداری در چین به درجه‌ای از کارآمدی رسیده است که این حوزه دیگر به صنعت و فناوری هیچ



کشور دیگری نیاز ندارد.

نشر الکترونیکی حوزه‌ای است که به عنوان عرصه آینده نشر فرهای جهان شماری از کشورها، و از جمله چین در آن بسیار فعال شده‌اند. زیرساخت نشر الکترونیکی از نیمه ۱۹۸۰ م آغاز شد و در مساحت کمتر از ۱۰ سال ۱۰۰۰ عنوان کتاب روی لایه انتشار یافت. صنعت تولید سی‌دی رپرت شروع شد، اما چین ظرف مدت کوتاهی توانست به یکی از صادرکنندگان بزرگ سی‌دی در جهان تبدیل شود.

هم اکنون ۳ ناشر بزرگ منحصراً کتاب‌های الکترونیکی تولید می‌کنند. دولت چین از رشد صنعت دیجیتال به خوبی حمایت می‌کند. در ۱۹۹۹ م، با همکاری کابخانه ملی چین ۱۵۰۰۰۰ (صد و پنجاه هزار) عنوان کتاب، دیجیتال شد. این کتاب‌ها از راه شبکه‌های مرتبط، قابل دستیابی است. یکی از شرکت‌های تولید کتاب‌های الکترونیکی به تازگی توانسته است ۸۰۰۰۰۰ (هشتصد هزار) عنوان کتاب دیجیتال شده را در دسترس قرار دهد. شرکت دیگری اعلام کرده است که هر سال به طور مرتب ۵۰۰۰۰ (پنجاه هزار) عنوان کتاب را دیجیتالی می‌کند و در دسترس قرار می‌دهد. شرکت دیگری که در زمینه کتاب‌های دانشگاهی فعال است، موفق شده و ۲۰۰۰۰۰ (دویست هزار) کتاب درسی دانشگاهی را دیجیتالی کند و در دسترس قرار دهد. قرار است این شرکت هر سال ۶۰۰۰۰ (شصت هزار) عنوان اثر دانشگاهی را دیجیتالی کند و بر مجموعه بفرزاند. نشر دیجیتالی را کیفیت و بازده آموزشی دانشگاهها تأثیر گسترده‌ای بر جای نهاده است. عرصه دیجیتال شدن آثار، آموزش دانشگاهی و تخصصی، عرصه‌ای بسیار چالش‌جویانه است و هم اکنون یکی از ناخص‌های اعتلای کیفیت‌های آموزشی است. در ضمن انتشار سی‌دی همراه با کتاب از ۱۹۹۶ م آغاز شد و ظرف مدت کوتاهی کارآمدی آن، به ویژه همراه با کتاب‌های درسی دانشگاهی و تخصصی، به اثبات رسید. چین

اکنون به انتشار سی‌دی‌های همراه متن، که توان انتقال دانش فنی و ظرافت علمی افزایش می‌دهد، کاملاً توجه دارد و با سیاست‌های حمایتی از انتشار متن‌های مؤثر همراه با سی‌دی‌های آموزشی حمایت می‌کند. در برخی طراس‌ها کارآمدی متن و سی‌دی به حدی بالاست که به خوبی می‌تواند جانی استاد را بگیرد. چین که به طور کلی و به عنوان سیاست‌یادار و مستمر، به انتقال دانش‌ها فنی‌ها، مهارت‌ها از خارج به داخل کشور توجه هوشیارانه دارد، از نشر دیجیتالی که محصول آن افزایش توان علمی فنی و آموزشی کشور است، عمیقاً حمایت می‌کند. در سال‌های اخیر و با کمک دولت، چندین پایگاه داده‌ها که با نشریات الکترونیکی مرتبط است، تأسیس شده و چند پایگاه دیگر نیز در دست تأسیس است. این پایگاهها دسترسی پژوهشگران و نیز ناشران الکترونیکی را به مقاله‌های علمی - تخصصی میسر می‌سازد.

به رقم اینکه صنعت نشر الکترونیکی چین هم اکنون در تلاش است با پایه‌های صنعت الکترونیکی و اقتصاد الکترونیکی حرکت کند، و با اینکه زیر ساخت‌های لازم برای این صنعت فراهم شده است و چین از نظر توان فنی تولید در این امر عرصه‌ای هیچ مانع و مشکلی رویه‌رو نیست، اما مانع‌های بازمانده از دیوان‌سالاری‌های حزبی و ایدئولوژی حاکم بر نظام تک حزبی کشور، اجازه نمی‌دهد این صنعت به تناسب توان فنی - تولیدی خودش رشد کند.

آخرین نکته‌ای که تأکید بر آن لازم است، نهادی است که چینی‌ها با نام مؤسسه علوم نشر در چین China Publishing Science Institute تشکیل داده‌اند. چینی‌ها با توجه به تحولات نظری نشر در عرصه جهان، خیلی زود پی بردند که نشر در دنیای امروز، بدون پشتوانه‌های لازم نظری، علمی، معرفی، پژوهشی و آموزشی نمی‌تواند به صنعت و فعالیت کارآمدی تبدیل شود. در ضمن دنبال کردن آنچه در عرصه تحقیقات، مطبوعات، نوآوری‌ها و دستاوردهای این حوزه‌ها در جهان می‌گذرد، کار هیچ نهادی نمی‌تواند باشد، مگر نهادی که وظیفه اصلی خود را در بررسی در این زمینه‌ها متمرکز سازد. نقش این مؤسسه در نشر تحول در چین، دستاوردهای آن و بررسی‌های درسی که برخی از کشورهای می‌توجه به تأثیر آموزش پژوهش در نشر باید از پیامدهای قریح علمی، نظری و پژوهشی در این عرصه بگیرند. از مباحثی است که در نوشته‌های دیگر و با تفصیل لازم باید به آن پرداخت.

پی‌نوشت:

۱- از دوست نابیده اینترنتی و مکانی‌ها ام آقای زین شیانگ چون، پژوهشگر حوزه نشر در چین، بسیاری سبیاگرام که راه دست یافتن به داده‌ها و اطلاعات را درباره وضع نشر در چین - که بخشی از آن در مقاله آمده است - به من نشان داد. ۲- سرسردی و همکاران نشریه China Publishing. ۳- انتشارات مؤسسه CPPT چین، بسیاری سبیاگرام که اطلاعات زیادی درباره چین از جهات مختلف و نیز مطالبی درباره تاریخ و تحول نشر در چین در اختیار قرار دادند. امیلوارم در فرصت‌های دیگری بتوانم از مجموعه اطلاعات ارسالی و ارزشمندشان استفاده کنم.

۴- بخش دیگری از اطلاعات از ایگاههایی به دست آمده که مشخصات آنها برای پژوهندگان علاقه‌مند به پژوهش درباره وضع کتاب و نشر در چین، ذکر می‌شود:

http://www. china.org.cn

http://www.chinainet.net

http://www.cnpeac.com

http://www.cnqjshj.peopledatay.com.cn

http://www.auronmotor.com

http://www.fip.com

http://www.medacom.com

http://www.mcdmbookshop.com.cn

http://www.reference.altref.com



دَوازی
کتابه کهن

اسناد جنگ را درایم‌ان اهل اشاره کوچکی است که در ذهن ما نشیند تا به سراغ اهلی ادبیات پاداری برویم وموضوع اسناد جنگ و حفظ آنها مطرح کنیم، موضوع قدس موضوع باذمی نیستند چه آنان تا به حال رها و پاره یا به این اسناد آمده کرده‌اند از آنها به دور نبند، ما درمی‌نگران این عرصه وپاسنگاران کثرتبه موضوع اسناد جنگ احمیت داده و آن را در دستور کار خود وارد کرده‌اند.

امروز آدم‌های زیادی از جنگ حرف می زنند، آدم‌هایی که خیلی راستند در صورت و گفتارخیال و تصرف کنند یا به مرور زمان بسیاری از چیزها و افکات را فراموش کنند گله نیز باید افراط و یا تعریض به مسأله جنگ نگریسته می شود.

اسناد به معنی محقق نویسنده‌ای است که درباره اسناد و مکتوبات جنگ می گوید،اسند در معنی عام و مهم (گناه) به چیزی اطلاق می شود که بتواند بر امر مکتوبی دلالت کند. آن را آشکار سازد یا توضیح دهد. شرط آن است که سند در موضوع وحتوای خود مقین و درست باشد.وشیوریدر این اعتقادگرفته‌همین جهت برخی برآند که سند در مفهوم و مدلول خود بنیادیه‌طور ارادی از پیش ساخته شده باشد.معمولا گفتمه سند در بدایت امر اوراق خطی وپیچیده قدیمی از نوع قیاده،نامه،شماره،شمارهات توضیحات و شهادتات و...را بر دهن مشاور می کنند.اما باید دانست که محیطرات تا به وقت حیات فقط بخشی از اسناد تاریخی (به معنی وسیع گنجاها) می‌روند که از آنجا با عنوان اسناد مکتوبه یا اسنمنجات مکتوبه نام برده می‌شوند.

اسناد جنگ موضوعی نیست که امروز مورد توجه واقع شده باشد و در سال‌های قبل مراکز ملی ،مرکز مطالعات وتحقیقات جنگ،برای مستندسازی وقایع جنگ اقداماتی را صورت دادند.اقداماتی که تا به امروز اینتر مانده است.

ایرهمی سخنی که تا به حال عبرت ارزشتناسی در کار خیر وماندگار ماندن اسناد های جنگ شده است درباره حفظ اسناد جنگ یادآوری می کند.

بعد از تمام جنگ این نگارنی وجود داشت که با روند توسعه اقتصادی که شعل ملی و تمام عریس از جنگ بود مفاهیم و معنیات فرهنگ جنگ به فراموشی سپرده شودنویسنده‌هایی که دفعه‌ها کان آنها را گرفتار خودساخت اقداماتی صورت دادند و می‌توانیم با خوشحالی بگوییم ما جنگ را به ثبت رسانده‌ایم مکتوبات جنگ سرمایه ارزشند و گراپهلیمی هستند که گریخ به صورت خام به دست ما رسیده اما برای نسل های بعد یادآور لادوری وایثار ایجاد آنها باشد.تعمان اسناد ومدارکی که گردآوری وتدوین شده،بخش بسیار کوچکی از آن چیزی است که وجود داشته است.تعمه گذشته زمان جنگ نسل بعد را پیش از ما هویشوار کرده‌اند.

علیرضا گمدری درباره پوشش های بنایید در عرصه شناسات اسناد جنگ می گوید،اسناد ومدارک مربوط به جنگ ایران و عراق در دوران دفاع مقدس مشتمل بر تمام انواع و گونه های اسنادی است.سج الوصف تا آنجا که من بنده در این عرصه حتی مقاله ای درباره شناسات انواع، طبقه بندی، دلالت ها، گونه شناسی، اهمیت و اصعبت او در و اسناد ومدارک این واقع نشده نبوده است. اگرچه پرونده‌وار اسناد وعلی در این باب بیات می شود،عجالتا و در محدوده پاسخ ساز مطرح شده، اگر از آثار مادی و ابیه و اسناد صوتی و تصویری و اسناد ومدارک شفاهی وقرائات ودریادنده‌ها،صرف نظر کنیم، در فکل ترین شکل مکتوبات سنتنی با اسناد مکتوبه، جنگ و دوران دفاع مقدس عبارتند از:

پخش اوله

الف) اسناد رسمی گنگان‌های نظامی (معم تا علوی تا سرری) اسنادی ،موجود در پایگننی ما در ایران و عراق و سایر کشورها.
ب) اسناد رسمی نهادهای اطلاعاتی و مدیوریت اجاری (از جمله شورای امنیت ملی و اسنادرای‌ها و...)

ج) اسناد رسمی نهادهای امدادی و بهداشتش و بیورسانتی (خصوصا هلال احمر و صلیب سرخ جهانی)
د) اسناد رسمی و مکتوبات ومدارکات سیاسی (به ویژه مجموعه‌های موجود در پایگننی وزارت امور خارجه)
ه) اسناد رسمی نهادهای اقتصادی ومالی کشور، مرتبط با جنگ

ح) اسناد و مکتوبات دولتی در وزارتخانه ها و سازمان‌های دولتی (اعم از مکتوبات داخلی و خارجی)از جمله اسناد ومدارک سازمان میراث فرهنگی در باب تخریب و تهدید آثار وبناهای باستانی.

ط) مجموعه مکتوبات ومدشورات رسمی دولتی (چاپ شده و چاپ نشده)مربوط به جنگ در وزارتخانه‌ها، ادارات کل واسنادرای‌ها.

پخش دوم

الف) مجموعه متنوع چاپ ومنشر شده (گزارش ها، مصاحبه‌ها، مقاله‌ها، اعلامیه‌ها، سخنرای‌ها، نقد ونظر و...) که در مطبوعات داخلی و خارجی (به فارسی و زبان های دیگر)در ایران وسایر کشورها در در زمان جنگ وبعد از آن درباره جنگ ودوران دفاع مقدس نوشته وشعره شده است (خصوصا در عراق.)

ب)مجموعه متنوع ومنتشر شده کتاب‌ها و جزوه‌ها ومجموعه‌ها در داخل به زبان فارسی وخارج از ایران به زبان‌های دیگر، امرای کتاب‌های منتشر شده در شرح آنها در اینجا نیست،تمامی کتاب‌های منتشر شده در ایران که قبل ادبیات دفاع مقدس، جای می‌گیرند حصلت اسناد و ارجاعی دارند با مراتب و دلالات متفاوت،مدلول این اسناد عمدتا در اطلاعات تاریخ فرهنگی جنگ، و اسنادی فرهنگی دفاع مقدس، اهمیت خود را نشان می‌دهند.



ج)مجموعه مکتوبات چاپ ومنشر شده جنگ و دفاع مقدس که ععدتا از قلم وریان زرمندگان،جبهه رفته‌ها، جنگ دیده‌ها،جایزبان شهیدان، آزادگان (سپاه) ارشتی، بسیجی و...به زوری کافت آمده و در نهادهای فرهنگی تبلیغاتی (از جمله بنادهایفکالتاسلامی،هیأت معلم ارتش،وزارتاطلاعات وتحقیقات جنگ وقت)وتمام سپاه وسپانتهای می شوند و از حیث نوشته‌شام عبارتند از: وصیبنامه‌ها، نامه‌ها، یادداشت‌ها و دست‌نوشته‌ها، خاطرات، بیان‌نامه‌ها و عهدنامه‌ها، حسب الحال‌ها و مناجات...و.

ایرهمی حسن بیگنی درباره استفاده از اسناد جنگ در درباره اسناد جنگ تنها به سراغ بخش خاصی می‌رود.او می‌گوید، وصیبنامه شهدا می گوید،وصیبت نامه‌ها در مقاطع خاصنی نوشته شده فرض کنید عملیات فتح المبین فتح عرشمشور و... ابویه وصیبنامه پیش از عملیات نوشته شده که هر کدام از آنها نسخه هویت آن عملیات محسوب می‌شود.

تاریخ نوشتن این وصیبنامه‌ها که هر کدام مربوط به حمله‌های چندگانه می‌شود لحاظ تاریخی قابل ملاحظه است که می‌شود آنها را جزوا اسنادتاریخی کشوربه حساب آورد.

از لحاظ فرهنگی وفرقانی این آثار نیز توجهی از اکثر قریب به اتفاق شهیدی‌ها که حتی سواد دانشگاهی نداشته‌اند وصیبنامه‌هایی به ما مانده که فرهنگ عرفان

اسناد جنگ را فراموش نکنید

بنا ضرورت وجودی عبارت است و معماری و مرمت بی‌وجود آن بدون نماند، اهمیت اسنادرای نویسنده همان قدر محمل انصافت که کلمه ونصیر برای شاعر و رنگ وای نقاش.

حسن بیگنی با تأکید بر استفاده نویسنندگان از اسناد جنگ به موضوع انتشار این اسنادبه صورت خام نیز اشاره می‌کند: «از این اسناد می‌شود استفاده‌های مختلفی کرد. نویسندگان و رمان‌نویسان برای نوشتن از خود این آثار که غام (عاطره) گزارش و...است استفاده می‌کنند وچاپ آنها خوانندگان بسیاری را جلب می‌کند.مسندتات جنگ باورپذیری بیشتری برای مخاطبان عام ترارند که یکی از هرچه این آثار به صورت چاپی در اختیار مردم قرار بگیرد مهم نویسنده‌هایی می‌تواند کار کند.هم قلم ساز ما و... مکتوبات است که مورد استفاده مردم،جوان وسایر نهمردمان قرار می‌گیرد.

مسأله این آثار مورد کن‌توجهی رسانه‌ها قرار می‌گیرد و با شمارگان کم به چاپ می‌رسد که یک مقدار جای نگرانی دارد.

ما باید این آثار معرفی کنیم وقنی اثری چاپ شود تا عرضه نشود هیچ اتفاقی نمی‌افتد. ما بزرگترین رسانه تبلیغی یعنی صدا وسیمایا را در اختیار داریم.

اگر در رسانه‌ها کتاب را معرفی کنند به ویژه کتاب دفاع مقدس، بچه می‌تواند بگوید این فلان کتاب است. مشکل عمومی ما این است هرچه تولید شود اگر عرضه نشود تازیر می‌شود،مسأله به مقررات...به روی تولیدون در معرفی این آثار هیچ فکشی نمانتی نیست. این طبقه ملی از تبلیغ فک و ماکارونی، کمترین است و این به غفلت و



اسلامی در آنها بسیار شفاف وحلیف و صاف و ساده متجلی است. حمله‌ای که در این وصیبنامه‌ها متجلی است بهترین نمونه سند هویت ملی ما است.

به تاسست نگاه امیری اسفندقه به موضوع اسناد، در مورد بهره‌برداری از محتوای این وصیبنامه‌ها نیز می‌گوید: «به نظر من بهترین راه این است که در مرحله اول این اسناد را طاقه بندی کرد.

در مرحله بعد باید این اسناد در کتاب‌های درسی و متون دانشگاهی جای خاصی پیدا کند و به عنوان تکلیف دانشجویان قرار گیرد.

وصیبنامه‌های نهپدا باوصیبنامه‌های دیگر کشتگان جنگ در سایر کشورها.

حفظ اسناد جنگ علاوه بر علاقه و نیاز همگانی به متولیان صاحب سلبه و نظر نیز نیاز دارد.

علیرضا گمدری درباره نهادهای متولی اسناد جنگ می‌گوید،نهادهای دارنده و نگهبان اسناد ومدارک جنگ می‌بایکدیگر ارتباط وتعامل جدیاتی ندارند، گفتن خذل این بوضع پشان دردی دوامتی کند،اما شاید معامله‌ای از این دست - که در این گذاتر آمده است-مفاهیم باید برای فکر کردن دربار این موضوع نشه نباید در چندینا ویرامع نوبت، در طی سال‌های گذشته به امیدان اشپادها عاریع به فوهنگنان دفاع مقدس و همراکز اسناد ومدارک جنگ و دفاع مقدس و دست‌یاب شدن اجزا لائوا و جنگ و دفاع مقدس سخن گفته شده است.

حسن بیگنی نیز درباره اسناد جنگ ونهپداری از آنها می‌اورد: «این اسناد حتمه ملی وتاریخی دارند اما برای جمع آوری ونهپداری این آثار که عموم نتوانند از آنها استفاده کنند، به یک متولی مرکزی نیاز دارد که متولی مرکزی یا یک امکانات و دفعه‌ها بالا که مسأله‌ها این دفعه تاکنون در حدشمار مانده، هر سال در دفاع مقدس حرف وحدیث بسیار است ولی درباره فراموش می‌شود تا ناسال بعد وسخترانی‌های بعد که چه باید کنیم، حتی آنهاهی که خودشان سخنرای می‌کنند و اهمیت اسانه را تذکر می‌دهند، حرف می‌زنند و شمار می‌دهند، هیچ چیزی هم مخفی و پنهان نیست، مسأله‌ها ما در بخش مکتوبات فرهنگی کم کار کردیم.

مرتضی امیری اسفندقه نیز اشاره به کارهای انجام شده چون حفظ وصیبنامه‌ها را برعهده بنیاد شهید می‌داند یادآوری می‌کند: «بنیاد شهید وظایف ارزشتناسی انجام داده اما کافی نیست. همه فراموگنکند، باید نسین اشنگ بسکس است هر کسی ترفیق نداشته باشد رابع به این اسناد تحقیق و پژوهش تکفیل گریخه این مسأله توجهی به سهل‌نگاری ما نیست.

موضوع اسناد جنگ موضوع مهمی است که باید در سال‌های آینده پیش از سال‌های رفته به آن توجه شود آنچه تاکنون اتفاق افتاده است نه در خود این اسناد بوده است و نه در حد ضماقت ما، تولى ماى این حفظ اسناد پیش از آن چیزی است که درباره اسناد جنگ تاکنون شاعده آن بودیم.مسأله‌ها در مجموع آنچه به دست آوردیم تنها می‌توانیم ادعان داریم که نهادهای متولی فرهنگ و ادبیات جنگ اهتمام شایسته‌ای برای حفظ اسناد شده‌اند و به‌وجه وتوان خود رایشتر مصروف تولید آثار درجه دوم وماجرات نیست به اسناد خام و درجه لو کرده‌اند،نهادهای متولی حفظ سند و اسناد وسکوتات ملی نویسنده هم خود را بر بازیابی و حفظ اسناد و مکتوباتی گذاشته‌اند که از قرون گذشته به دست ما رسیده است، به این ترتیب اسناد جنگ فرامزبان بیستی بوده‌اند که هیچکدام از نهادهامخورا متولی حفظ آن نمی‌دانسته‌اند.

حماسه‌ای‌که

در وصیبنامه‌ها

متجلی است

بهترین نمونه

سند هویت ملی ما

است

بی توجه بعضی از مسئولان برمی‌گردد.

علیرضا گمدری درباره استفاده‌هایی که تاکنون از اسناد جنگ صورت گرفته است نیز می‌گوید: در کارهای تاریخی وتحقیقی مربوط به جنگ وبعضی پژوهش‌های مطالعه‌ای وفهنگی از کم تا زیاد اسناد مورد رجوع ونوجه قرار گرفته‌اند، اما استفاده از اسناد به شکل کافله و منظم و جامع قریا مورد توجه نیرده،باسیار کم به آن استفاده شده است. البته در بخش مطالعات سیاسی وتاریخی جنگ اهمیت توجه و رجوع به اسناد روز بیشتر شده است.

مرتضی امیری اسفندقه شاعر شاعده دفاع مقدس درباره اسناد جنگ تنها به سراغ بخش خاصی می‌رود.او می‌گوید، وصیبنامه شهدا می گوید،وصیبت نامه‌ها در مقاطع خاصنی نوشته شده فرض کنید عملیات فتح المبین فتح عرشمشور و... ابویه وصیبنامه پیش از عملیات نوشته شده که هر کدام از آنها نسخه هویت آن عملیات محسوب می‌شود.

تاریخ نوشتن این وصیبنامه‌ها که هر کدام مربوط به حمله‌های چندگانه می‌شود لحاظ تاریخی قابل ملاحظه است که می‌شود آنها را جزوا اسنادتاریخی کشوربه حساب آورد.

از لحاظ فرهنگی وفرقانی این آثار نیز توجهی از اکثر قریب به اتفاق شهیدی‌ها که حتی سواد دانشگاهی نداشته‌اند وصیبنامه‌هایی به ما مانده که فرهنگ عرفان



نگار بنارام



گفت و گو با داود کیانیان؛ نمایشنامه نویس

متن های نمایشی برای کودکان

کمبود متن نمایشی ویژه کودکان و نوجوانان یکی از مسائلی است که تئاتر این گروه سنی را دچار رکود کرده است. همچنین این کمبود باعث شده که از چند سال پیش، بخش انتصاب نمایشنامه برتر جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از این جشنواره حذف شود. هر چند در جشنواره کتاب کودک کرمان (اسفند ۸۳) طرفه‌ای به نمایشنامه های کودکان و نوجوانان اختصاص داده شده است. این بهانه‌ای است برای گفت‌وگو با داوود کیانیان درباره نمایشنامه‌نویسی کودکان و نوجوانان.

نمایشنامه‌نویسی برای کودکان و نوجوانان از چه زمانی شروع شد؟

اولین نمایشنامه کودکان و نوجوانان توسط مرحوم جبار باغچه‌بان نوشته شد. ایشان برای اولین بار نمایشنامه‌هایی را به شکل امروزی، برای بچه‌ها، تألیف کردند. از جمله نمایشنامه‌های تربیت خانم فروک و…

ایشن به معتقدند که پیش از این هم نمایشنامه‌هایی برای بچه‌ها، نوشته شده اما در واقع، نمایشنامه‌نویسی علمی‌برای بچه‌ها یا نوشته‌های باغچه‌بان شروع شد.

در آن سال‌ها، چند نفر دیگر از جمله طیفی و زبیری یکی یا دو کتاب باقی ماند. بعد از آن تا سال ۱۳۳۵ هیچ نمایشنامه‌ای برای بچه‌ها نگذریه از سال ۱۳۳۵، ابرقاسم جنتی عطایی چندین نمایشنامه مناسب کودکان و نوجوانان تألیف کرد.

به طور کلی پیش از انقلاب چندین نمایشنامه نوشته شده.ولی در واقع بیشتر نمایشنامه‌های کودکان و نوجوان بعد از انقلاب منتشر شده است.

اولین نمایشنامه‌ای که شما برای بچه‌ها نوشتید در چه سال منتشر شد؟

اولین نمایشنامه من به نام بچه‌ها و سگ‌ها در سال ۵۵ توسط انتشارات جهان کتاب منتشر شد. البته پیش از آن هم به دلیل علاقه‌ای که به تئاتر کودکان داشتم، نمایش‌هایی را برای بچه‌ها به اجرا در آوردم. در واقع من از دهه ۴۰ فعالیت در زمینه تئاتر کودک را شروع کردم. آن زمان مربی تربیتی بودم و یک دوره دو ساله در انستیتو تربیت مربیان امور هنری گذرانده‌م. علاوه بر این، آشنایی کرده بچه‌ها می‌توانند روزیاز دارند. گروه تئاتری مخصوص کودکان داشته باشند. بنابراین گروهی به نام گروه تئاتر کودک و نوجوان تشکیل دادیم که در اواخر دهه ۴۰منشجم شد. نمایشنامه بچه‌ها و سگ‌ها، یکی از نمایش‌هایی بود که در آن سال‌ها به اجرا درآمد.

قبل از سال ۵۵یکی دیگر از نمایش‌هایی که برای بچه‌ها اجرا کردم، قصه مادر هانس کریستین آندرسن بود. من براساس این قصه، نمایشنامه‌ای به نام آن کس که مادر است، نوشته‌ام که با مادر جان سلام اجرا شد. به هر حال از همان سال‌ها، متوجه شدم بچه‌ها به نمایشنامه‌های ویژه خوششان نیاز دارند. به همین دلیل دست به تألیف ردم که حاصل آن تودیک به ۲۵ تئاتر کودکان و نوجوانان است.

«خروسک پریشان‌بکی از نمایشنامه‌های منتشر شده شماست که در اجرا هم بسیار موفق بوده است. نمایشنامه چه ویژگی‌هایی دارد؟

در کتاب تئاتر کودکان و نوجوانان براساس تجربات خودم و بازی‌های نمایشی با بچه‌ها، مطالبی

نوشته و اصولی را تدوین کردم و متوجه شدم این اصول در نمایش خلاق بسیار کاربرد دارد و کسانی که برای بچه‌ها کار تئاتری انجام می‌دهند، می‌توانند از این اصول برای نگارش نمایشنامه و اجرای نمایش‌های خلاق، استفاده کنند. «خروسک پریشان» با یکی بر همین اصول نوشته شد و در واقع نمایش خلاق بود. چون هر شب، اجراهای متفاوتی داشت و ۴۰۵ گروه، بیش از ۱۲ هزار اجرا از این نمایش را روی صحنه می‌بردند و هر شب نمایش جدیدی اجرا می‌شد و به همین دلیل خروسک پریشان مورد استقبال بچه‌ها قرار گرفت.

هر صحنه می‌توان به نمایش خلاق اشاره کرد. نمایش خلاق چیست؟

به طور کلی در زمینه تئاتر کودکان چهار نوع فعالیت نمایشی متفاوت وجود دارد که در دو بخش آن هیچ تحقیق و تألیفی نداریم و در دو بخش دیگر هم کتاب‌هایی چاپ شده و نمایش‌های اجرا شده که در مقایسه با سایر کشورها بسیار کمی و ناچیز است.

یکی از این فعالیت‌های تئاتری کودکان و نوجوانان، نمایش خلاق است که تعداد کتاب‌های منتشر شده درباره



آن از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند.

نمایش خلاق، نمایشی است که در آن مربی بچه‌ها را زبهری می‌کند و بچه‌ها خوششان در نمایش بازی کرده و خلاقیت خود را نشان می‌دهند. می‌توان نمایش خلاق را انگیزه‌ی تمرین کرد که نمایش خلاق، خلق رویه‌ها و مفاهیم به وسیله نقش آفرینی کودکان و نوجوانان با سایر نمایش‌هاست و در این زمینه کتاب‌های نظری و نمایشنامه‌های بسیاری منتشر شده است.

اما نوع چهارم، نمایشی است که توسط بزرگسالان و گاه با کمک بچه‌ها نوشته و اجرا می‌شود. این نمایش مخاطب بزرگسال دارد چون کودکان و نوجوانان و مسائل مربوط به آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف آن برطرف کردن مشکلات آموزشی و پرورش و اجتماعی

پروژه‌ها

حافظ میرقاتابی

تصویرسازی کتاب ابراهیم نوشته مسطفی رحمان‌دوست را انجام داده‌ام که با صفحه‌ارایی خانم آزاده ربیعی منتشر می‌شود. در تصویرسازی این کتاب برخلاف دو کتاب ایلیا و ایوب همین مجموعه از حروف، به عنوان عنصر بصری استفاده شده است.

تصویرسازی کتاب ارویای پایهٔ راهم در دست دارم که یک داستان کوتاه برای گروه سنی ۷حج است. هر دو این کتاب‌ها توسط انتشارات شایبوز منتشر خواهد شد. دو کتاب هم برای نشر سیب صفحه آرای کرده‌ام. اولی کتاب «ژئرال‌ها» نوشته محمدرضا یوسفی است که مجموعه ۱۰۴ داستان است و حجم و سبکی از اتفاقات را در بر می‌گیرد و دربارهٔ ژئرال‌های مشهور است که ۶۲ تصویر برای این کتاب کار کرده‌ام.

دومین کتاب «دست‌نوشته‌های ملکه سیاه است. این کتاب نوشته سیا نمکی است و در واقع نامه‌هایی است که از ۷-۶سالگی برای پدرش نوشته‌اند. این کتاب برای گروه سنی ۷ب و ۷ح نوشته شده است.

هایده کرویی

از مجموعه کتاب‌های سبز انتشارات فنی ایران دو کتاب در دست ترجمه دارم. اولی «خطرات یک قورباغه» نوشته استیو بارکر است و دومی «روای سیوا» نوشته کریس آلبرگر. هر دو این کتاب‌ها داستان برای کودکان است.

مختصری است. درباره نمایش خلاق کتاب دیگری به نام نمایش خلاق در کلاس درس، به چاپ رسیده که توسط آقای علی حسین قاسمی ترجمه شده است.

همچنین کتابی هم در زمینه نمایش خلاق داریم که آقای دکتر شعیب آن را تألیف کرده‌اند. این سه کتاب تنها کتاب‌هایی است که درباره نمایش خلاق منتشر شده‌اند. البته من چون در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌میران، نمایش خلاق درس می‌دهم، کتابی در این باره نوشته‌ام که فقط به تعداد مربیان و برای استفاده آنها منتشر شده. اما کتاب مفصلی دربارهٔ نمایش خلاق نوشته‌ام که امیوارم تا آخر اسفند توسط انتشارات هناری تربیت منتشر شود. این کتاب در واقع کتاب راهنمندی مربی برای اجرای نمایش خلاق در مراکز آموزشی است.

انتشار نمایشنامه در حوزه‌های دیگر تئاتر کودک و نوجوان چه وضعیتی دارد؟

قبلاً گفته که چهار فعالیت در زمینه تئاتر کودک وجود دارد که نمایش خلاق یکی از این چهار فعالیت است. نمایش دانش‌آموزی یکی از حوزه‌های فعالیت تئاتر



کودک و نوجوان است. در این نمایش، مربی کارگردانی نمایش را به عهده گرفته و با تعداد محدودی از دانش‌آموزان نمایش را اجرا می‌کند. در حالی که نمایش خلاق، تنها کار گذاشته و همه در اجرای نمایش نقش دارند. توج دیگر تئاتر بچه‌ها نمایشی است که حرفه‌ای‌ها برای بچه‌ها نوشته و اجرا می‌کنند. این نمایش رایج‌تر از سایر نمایش‌هاست و در این زمینه کتاب‌های نظری و نمایشنامه‌های بسیاری منتشر شده است.

اما نوع چهارم، نمایشی است که توسط بزرگسالان و گاه با کمک بچه‌ها نوشته و اجرا می‌شود. این نمایش مخاطب بزرگسال دارد چون کودکان و نوجوانان و مسائل مربوط به آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. هدف آن برطرف کردن مشکلات آموزشی و پرورش و اجتماعی



کودکان و نوجوانان است. مسأله‌ای تازه به حال نمایشی درباره بچه‌ها در ایران کار نشده و هیچ کتاب ترجمه و تألیفی هم در این زمینه منتشر نشده است.

دقت برنامه‌ریزی و تألیف کتب درس و چهار دانشگاهی، انتشار نمایشنامه‌هایی برای اجرا به صورت خلاق، را در برنامه کاری خود دارند. شما هم با چهار دانشگاهی در این زمینه همکاری دارید؟ لطفاً درباره

فعالیت‌های این دو مرکز توضیح دهید
به طور کلی در زمینه تئاتر کودک مباحث نظری بسیار کم است. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال‌های ۵۰-۵۵ فعالیت‌هایی را در زمینه تئاتر کودک و نمایش خلاق گذاشت. کانون بعد از انقلاب هم در دهه ۷۰ فعالیت درباره نمایش خلاق را شروع کرد.

اما مانندتس به سایر کشورها، خیلی عقب هستیم. البته نباید کارهای انجام شده را از یاد برد. تا چند سال پیش، آموزش و پرورش به این مسأله توجهی نداشت. در حالی که زمینه اصلی نمایش خلاق، باید در مدارس شکل بگیرد. در کشورهای دیگر، نمایش خلاق، هم بخشی از کتاب‌های درسی است و هم فعالیت فوق برنامه. به هر حال خوشبختانه از چند سال پیش دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی و چهار دانشگاهی، شروع به کار کرده‌اند. دفتر برنامه‌ریزی کتب درسی برای گروه سنی پیش‌دبستانی و چهارده‌سالگانی، مقطع دبستان، نمایشنامه نوشته‌اند که در کتب درسی برای این گروه‌های سنی به چاپ رسیده است. اما فقط متعلقهٔ متنگا، ناگنکی به وجود آمده است و آن عدم آشنایی معلم با این درس است. در واقع دروس نمایش خلاق در کتب درسی آمده ولی معلم نمی‌تواند آن را تدریس کند. فقط تعداد کمی از معلم‌ها، دوره‌های تدریس، نمایش خلاق را گذرانده‌اند و عده زیادی حتی نمی‌دانند نمایش خلاق چیست. بنابراین این دسته از معلم‌ها، نمایش خلاق را به کار نبرده‌اند یا فقط از آن استفاده می‌کنند و این به نفع کسانی است که با تئاتر میانه خوبی ندارند و کارگرهای تئاتر کودک و نوجوان را نادیده می‌گیرند.

با توجه به امکانات مدارس و میزان آشنایی بچه‌ها و معلم‌ها از نمایش خلاق، نمایشنامه‌های چاپ شده تا چه حد امکان اجرا در مدارس را دارد؟

مسألهٔ مهمی مابری نمایشنامه کودک و نوجوان ارزش قابل تفسیر هم در چند کسبلی بوده‌اند که در آموزش و پرورش مسؤلیتی داشته و گاه کتاب کودک و نوجوان را می‌نشانند. اما فعالیت‌های آنها مقصود بوده است، به طرهٔ مثال سال‌ها پیش، یک نفر به نام آقای و فداری در آموزش و پرورش کار می‌کرد در زمان پاشا حدود ۳۰ نمایشنامه چاپ شد که تعدادی از آنها را بچه‌ها و تعدادی را نویسندگان برای بچه‌ها نوشته بودند. اما رفتن این افراد، چنین فعالیت‌هایی متوقف شده است. چون نمایش و تئاتر کودک و نوجوان باید نهادینه شود، در حال حاضر تعداد کمی از نمایشنامه‌ها، امکان اجرا پیدا می‌کنند و از طرفی، تعداد نمایشنامه‌هایی که براساس نمایش‌های اجرا شده، نوشته و منتشر می‌شوند نیز بسیار کم است. به هر حال علم آشنایی معلم‌ها با تئاتر و نبود پشتوانه مالی از آسب‌هایی است که تئاتر کودک و نوجوان را به ویژه برای اجرا در مدارس دچار مشکل کرده است.

استیال ناشنران برای انتشار نمایشنامه‌های کودکان و نوجوانان چطور است؟

ناشنران خصوصی خیلی به انتشار نمایشنامه‌های کودکان و نوجوانان توجه ندارند و کمتر نمایشنامه این گروه سنی توسط ناشران خصوصی منتشر می‌شود. این ناشران هم حق ندارند، چون نمایشنامه‌های کودکان و نوجوانان فروش چندانی ندارند.



جویز بیست و دومین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی، مثل دوره‌های قبل با حرف و حدیث‌های همراه بود. از انتخاب داوران گرفته تا ملاقات‌های داوری و کتاب‌های برگزیده

بخش کودک و نوجوان کتاب سال، شاهد یک اتفاق بود. برای ۵ ه‌وان کتاب کودکان و نوجوانان در پنج گروه شعر، داستان، هنر و علوم انسانی، علوم و فنون و دین به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی یا سیدعلی کاشفی خوانساری بربر حیات نظارت بر کتاب و مسؤول بخش کودک و نوجوان کتاب سال گفت‌وگویی کردیم که می‌خوانید:

اسامیل برای اولین بار، در بخش کودک و نوجوان کتاب سال، پنج عنوان کتاب انتخاب شد. به نظر شما آیا این اتفاق می‌تواند ناشی از پیشرفت کیفی کتاب‌های کودکان و نوجوانان باشد؟

افتاحی که اسامیل شاهد بودیم، افتخار بزرگی در حوزه ادبیات کودکان و نوجوانان است. این امر ناشی از تخصصی شدن زیرگروه‌های ادبیات کودک و نوجوان و تولید آثاری با کمیت و کیفیت بیشتر و بهتر در هر گروه است. این تخصصی شدن نشان می‌دهد که ادبیات کودکان و نوجوانان از یک مفهوم کلی و واحد، به شاخه‌های تخصصی و میوزا تقسیم شده و بنابراین در هر کتاب از این شاخه‌ها، نویسندگان با نثران مشخص، به تولید آثاری با کیفیت قابل قبول دست زده‌اند.

این پیشرفت، به حدی است که داوران متخصص راستی به انتخاب کتاب سال افتاح می‌کند چرا که در بسیاری از گروه‌های داوری کتاب سال‌های پیش، داوران به این نتیجه می‌رسیدند که هیچکدام از کتاب‌های آن گروه، شایسته انتخاب نیست.

از طرفی تخصصی شدن بخش کودک و نوجوان کتاب سال، نشان‌دهنده توجه و حمایت خاص مدیریت فرهنگی کشور نسبت به کتاب‌های کودک و نوجوان است. نوجوهی که نشانه‌های آن را در چند سال اخیر دیده‌ایم، به طور مثال، مستقل شدن گروه ادبیات کودک و نوجوان و پیش‌بینی چیز بزرگ‌تره که در سه سال

گذشته شروع به فعالیت کرده‌اند. و مسائل دیگری مانند انتخاب شعار کتاب، کودک و خانواده و برپایی اولین جشنواره بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان در کرمان و روشمند شدن حمایت‌ها در حوزه کتاب کودک، نشانه توجه به این حوزه است.

اما سال گذشته بحث حذف کتاب سال کودکان و نوجوانان مطرح شده بود؟
خیر حذف کتاب سال، صحبت نداشت، چرا که کتاب سال جایزومی ایران در عرصه کتاب و معتبرترین جایزه فرهنگی کشور است. قطعاً در مدیریت کتاب سال، کتاب‌ها بر اساس حجم و ظاهر ارزش‌گذاری نمی‌شوند. هیچکدام از مدیران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمی‌خواهند که کتاب‌های کودکان و نوجوانان از این جشنواره حذف شوند.

هیچکدام از مدیران

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمی‌خواهند که

کتاب‌های کودکان و نوجوانان از این جشنواره حذف شوند

به نظر من، بسیاری از انتقادهایی که نسبت به کتاب سال صورت می‌گیرد، ناشی از کم اطلاعی یا اطلاع رسانی نادرست است. یکی از اشعاران کودک و نوجوان در مصاحبه‌ای گفته بود: در کتاب سال به ندرت کتاب‌های کودکان و نوجوانان انتخاب شده‌اند اما می‌بینم که این تصور صحیح نیست چون در هر دوره کتابی در عرصه کودک و نوجوان، برگزیده شده است. یکی دیگر از انتقادهایی که درباره کتاب سال مطرح می‌کنند اعلام نشدن اسامی داوران است، دربارهٔ این افتخار چه توضیحی دارید؟
این مسأله در بخش کتاب سال کودک و نوجوان صدق نمی‌کند چرا که در چند دوره گذشته اسامی داوران حوزه کتاب‌های کودکان و نوجوانان در نشریه

کتاب سال کودک و نوجوان مرور اتفاق بزرگ

در گفت وگو با سیدعلی کاشفی خوانساری

کتاب هفته معرفی شده و در بخش برگزاسل نیز مشکل به تعداد زیاد داوران و علم نمایل برخی از ایشان برمی‌گردد.

در این دوره، سرگروه‌های داوری کتاب‌های کودک با نشریه کتاب هفته مصاحبه داشتند و هر کدام تحلیل کلی خود را درباره کتاب‌ها ارائه دادند. همچنین در ترکیب داوران سعی شده که نمایانگانی از گرایش‌های مختلف ادبی کشور حضور داشته باشند. به طور مثال، تلاش ما بر این بود که در گروه‌های داوری، نمایانگانی از اجمن نویسندهٔ گان کودک و نوجوان، انجمن قلم ایران و شورای کتاب کودک حضور داشته باشند. از طرفی از نظر سنی گروه داوران تنوع بسیاری دارد. اسامیل عرفان نظارزای، دکتر پروین سلاجقه، آوینا صالحی، جواد محقق و هادی خورشاهیان داوری کتاب‌های شعر را به عهده داشتند. و در گروه داستان، سیدلهر قضا محافل سیداحمد برآیدی، حسین فاضلی، نادره نظارزادگان و دکتر سیدیه خلیلی حضور داشتند. همچنین در گروه دین، سیدعلی محمد رفیعی، مصطفی رحماندوست، امید وهابی امینی، حجت‌الاسلام محمدرضا زارتی و مصومعه انصاریان حضور داشتند.

در گروه علوم انسانی و هنر، مهدی کاموس، مسعودنصاری، سیدصادق موسوی، منوچهر اکبرکرو و خاتم مهنوش مشیری داوری کتاب‌ها را به عهده داشتند.

در گروه علمی نیز دکتر علیرضا مهنودی، مصطفی خرامان، محسن حجری، شهرام اقبال‌زاده و دکتر هدیه شریعی به عنوان داور حضور داشتند. از این داوران هشت نفر مدرس دانشگاه هستند.

نظر شما دربارهٔ آقا برگزیده چیست؟ این آثار چه ویژگی‌هایی داشتند؟
از پنج کتاب برگزیده اسامیل، دو کتاب از کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، یک کتاب از انتشارات مدرسه و دو کتاب با نثران خصوصی یعنی امین! و لک‌لک، بود. در بخش کتاب‌های تقدیری هم دو کتاب از نثران خصوصی و دو کتاب از نثران



غیر خصوصی انتخاب شده است.

کتاب سال‌های برگزیده حوزه دین، در جشنواره کتاب سال اسامیل سلام پیچیده‌ها کتاب سال حوزه علمیه است و کتاب برگزیده حوزه شعر در جشنواره کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و سلام پیچ‌ها انتخاب شده است. همچنین کتاب بخش داستان هم نامزد جشن کتاب یکا بوده است. همچنین کتاب تقدیری گروه دین، کتاب سال ولایت انتخاب شده و این شباهت‌ها، نشان‌دهنده نگاه کارشناسی و بی‌طرفانه در داوری‌های کتاب سال است. به نظر شما چه انتقادهایی به نخره انتخاب کتاب سال وارد است؟

پیشنهادهایی را برای بهبود کیفیت این جشنواره می‌توان مطرح کرد. از جمله اهتمام بیشتر در اطلاع رسانی و استفاده بیشتر از روش‌های کاربردی و ترویجی: مثلاً کتاب‌های برگزیده برای کتابخانه‌های عمومی، مدارس و مساجد خریداری شود.

یکی از انتقادهایی که به کتاب سال می‌شود، بررسی کتاب‌های گروه سنی کودک و نوجوان در کنار هم است که به نظر من رسد این پیشنهاد جای بررسی و تعمق دارد.

معرفی یک کتاب به عنوان کتاب سال، چه تأثیری بر ترویج فروش و چاپ مجدد آن می‌تواند داشته باشد؟
همانطوری که عرض کرده‌ام، فعالیت‌های ترویجی برای کتاب‌های برگزیده، کافی نبوده است. البته متخصصان ادبیات کودک، کتابداران و کتابفروشان در جریان جشنواره هستند و به این کتاب‌ها توجه دارند و معمولاً با نثران با درج نشان و بارانی کتاب‌های برگزیده را به خوانندگان معرفی می‌کنند. از طرفی کتاب‌های برگزیده، کتاب سال معمولاً با استقبال روبه

رو شده و تجدید چاپ می‌شوند.

همچنین اسامیل در کرمان تراست نمایشگاهی از کتاب‌های سال، ارائه شود. این حال چاره‌داره که بیشتر در این زمینه فعالیت شود. البته این هدف جزایا یاری نثران، نویسندگان، رسانه‌های جمعی و سایر دست‌اندرکاران محقق نخواهد شد.

۱.پایخ به ادعای آقای محمد شکرلی فومنی در مورد ترجمه اول‌نامه مسکری

مصاحبه مشارالیه در صفحه روایت اول شخص شماره ۲۵ کتاب هفته و اظهارات آقای فومنی در صفحه ترجمه اول‌نامه مسکری تألیف زنده‌یاد چراغعلی اعظمی مسکری و گزینات لوبیدفورها برابر آن داشت نایز روشنگری اذهان خوانندگان محترم آن هفته‌نامه وزین که مرین به نام کتاب است مطایمی را معروض دارم.

پس از درگذشت عمومی بنده شادروان اعظمی مسکری که حق انحصار انتشار آثار با جامنده از ایشان به بنده مستقل گردید درصدد تنظیم و انتشار آن آثار از جمله ترجمه اول‌وزنامه مسکری، برآمدم و در این خصوص قراردادی بین من و آقای شکرلی برای ترجمه ۲۰۰ صفحه اول کتاب که بخش دستورال آن است بنسب شد. اما ایشان به لحاظ متکلامی که داشتند، نتوانستند ترجمه را در تاریخ مقرر که ۸۳۹۹ بود تحویل دهند.

ایشان در مصاحبه خود در مورد اول‌وزنامه مسکری، چنین اظهار داشتند: «کتاب بعدی من اول‌وزنامه مسکری است که البته آماده چاپ است که نوشته گزینات ویغرا (زنده‌فورها) آلمانی و چراغعلی اعظمی مسکری است. این دو نفر کتاب را نوشته‌اند که بسیار علمی و دقیق است. من آن را به فارسی ترجمه کرده‌ام که نزدیک به مقصد صفحه شده است. در زمینه گرایش شسانی و روش تحقیق، این کتاب بهترین نمونه در ایران

پازتاب

او حق است

دو پاسخ و صد دربیخ

خواهد بود.

پس از خواندن مصاحبه شگفت‌زده پیگرد دریافت ترجمه مقصد صفحه‌ای! ایشان شدم اما فقط ۳۳ صفحه از ۲۰۰ صفحه مورد فر ازداد را تحویل گرفتم.

آقای شکرلی فومنی در اظهارات فوق اخبار جدیدی در خصوص کتاب اول‌وزنامه مسکری، اعلان نمودند که باید پاسخگوی هر یک از اخبار مذکور باشید. ایشان بدون اجازه صاحب اثر از این کتاب در مصاحبه خود نام برده و ۳۰ درصد از مطالب مصاحبه خود را به آن اختصاص دادند و به سهولت حاصل ۸ سال عمر آن زنده‌یاد را کتاب بعدی خود خواند‌اند. حتی در ذکر نام مؤلفان کتاب با نام مؤلف اول و دوم را جابه‌جا نمودند در حالی که کاملاً به قوانین اطلاعات کتابشناختی واقفند.

۲.پایخ به مطلب دو مصحح و صد پژوهش‌وی در صفحه روایت اول شخص شماره ۲۶۱ کتاب هفته پس از انتشار مصاحبه فوق که به قول نویسنده «موجب تعبیر و تفسیرهای ناصواب شده ولی مشخص نشد از



سجده صاحبان زند

تئاتر و کو

سجاد صاحبان زند

سجاد صاحبان زند

پیتر بروک با **آنکه** **موضوع‌هایی مانند اسطوره** و **به دشمنای گذرهای فرار** **می‌دهد، معتقد است که تئاتر به همه قشرهای جامعه مربوط می‌شود.** او در همین کتاب **هم مرتضاشاره** می‌کند که تئاتر از زندگی است و برای مردم **می‌خواند کسی پیشتر در این مورد توضیح بدیده** و پیتر بروک نگاهش متفاوت با دیگران دارد، او معتقد است که تئاتر از زندگی است و برای مردم، اما درست عین زندگی نیست. برای اینکه اگر تئاتر دقیقاً همان چیزی باشد که ما بیرون از ساختمان تئاتر هم آن را می‌بینیم، دیگر نمایش آن روی صحنه تئاتر نمی‌نماید. تئاتر زندگی تفاوت‌هایی با هم دارد و بیرومک مهم‌ترین تفاوت تئاتر با زندگی را در فشرده بودن تئاتر می‌داند. بروک همانطور که در کتاب **درازی در میان نیست** هم اشاره می‌کند، معتقداست که تئاتر عصاره زندگی است و باید در هر نمایش حرفه و شراره‌ای وجود داشته باشد که آن را با زندگی **عادی** متمایز کند.

علاوه بر آن، همانطور که شما هم اشاره کردید، پیتر بروک اصلاً معتقد به این نیست که تئاتر برای تئاتر نبخشد، حتی بر عکس او فکر می‌کند که تئاترهایی که برای آدم‌های نخسه اجرا می‌شود، دارای آن سرزدگی خاصی نیست؛ این نمایش‌ها کانسِت‌هاز هستند و به همین دلیل نمی‌توانیم اسمشان را تئاتر بگذاریم. او در جای از کاتیش به کلیه می‌گوید، وقتی که ما کار تئاتر شروع کردیم، از کار هیچ‌کدام از این بزرگان خبر نداشتیم. در اطراف ما مانه مکتبی بود، نه تئوریستی و نه پستی. این آزادی سبب شد که کار ما کاری باشد که در آن شور و هیجان زندگی وجود داشته باشد. بروک در این کتاب به **بوعی فضای خالی** و **بدون کفود اشاره می‌کند و به نظرش شکل کامل همین فضای خالی است که به نظر شما این فضای خالی، فضا را تجربه‌ی نمی‌کند؟**

کاری که دکور ندارد از سویی تجربه‌ی تری است، اما از سویی دیگر واقع‌تر است. برای آنکه خود دکور و طراحی صحنه ما را مفید می‌کند. دکور باید کاملاً واقعی باشد، یعنی باید تا حد زیادی عینیتی که در دیگر تئاتر داریم، در دکور وجود داشته باشد و از طرف دیگر چون این واقعیت کاملاً در دکور اجرامی شود، پس خود دکور هم عاملی مفیدکننده است.

منظور پیتر بروک از فضای خالی نوعی پژوهش تئاتری است. او معتقد است که ما برای اجرای تئاتر، احتیاجی به ساختمان تئاتر، تئوریزادی و دکور نداریم، همین که فردی از جایش بلند شود و حرکتی کند و دیگری به نمایشش بنشیند، تئاتری اجرا شده است. به این ترتیب، هر چیزی که در صحنه تئاتر بخواند قسمتی از زندگی را به اجبار بسازاری کند، در جایی محلی روند مشارکت تماشاگر با روند اجرای نمایش می‌شود. یعنی فضای خالی، فضایی است که اعضای نمایش، فارغ از دکوری دست و پا گیر، می‌توانند خلاقیتشان را اجرا کنند.

اما خود بروک همانطور که در همین کتاب اشاره می‌کند، کارهایی را در **فضاهای متفاوتی همچون تخت جنسی، هند و آکریویس اجرا کرده است** به نظر شما این مکان‌ها فضای خالی به حساب می‌آیند؟

بله. تخت جنسی دکوری است که برای یک نمایش آفریده نشده و از قبل وجود داشته است، وقتی شما دکوری را برای آن نمایش به وجود می‌آورید، مجبورید در روابط میزانسن‌تان، دکور را به گونه‌ای طراحی کنید که در ذهن درازید نزدیک شود.

او اونی شما دکوری برای کارتان نمی‌سازید و به جای می‌رویید که از قبل ساخته شده، این شما هستید که مجبورید خودتان را با محیط وفق بدهید. برای مثال وقتی شما به یک پارک می‌رویید، اول به‌لا‌بی سندان‌های آن به اجرای کار می‌پردازید، خودتان را به یک فیلم مستند نزدیک کرده‌اید. یعنی شما با یک میزانسن از پیش موجود طرف هستید و حالا با همین میزانسن کار می‌کنید. این همان فضای خالی است که بروک در این کتاب به آن اشاره کرده است.

بروک به غیر از تعریفی که از فضای خالی به ما می‌دهد، چه درس‌های دیگری برای تئاتر ما دارد؟

به نظرم مهم‌ترین و اصلی‌ترین کنشکی که می‌تواند به ما داشته باشد، این است که اهلیاتی تئاتر را از این کلیشه که برای اجرا امکانات لازم نداند، جدا می‌کند. پیتر بروک می‌گوید تئاتر به اینها احتیاجی ندارد و در واقع آن چیزی که تئاتر را می‌سازد در وهله اول کنشی انسانی است. همین نکته که این کتاب بروک و دیگر کتاب‌هایش توانسته به ما بیوراندند که تئاتر همان چیزی است که چند قدم زد، هر جای «ملاپارک» بتواند. آن را اجرا کنی و تماشاگر داشته باشنده، کمک زیادی است.

آنست دیگری که در کار او برای ما بسیار با اهمیت است. نگاهی است که او به متن نمایشی و شعرین دارد. ما به پیروی از برخی از کشورهای اروپایی، بخصوص اروپای شرقی، عادت کردیم که اول متن را تحلیل می‌کنیم؛ یعنی دور میز می‌نشینیم. متن را می‌خوانیم و آن را تحلیل می‌کنیم. بعد از آنکه نمایشنامه خوانی و تحلیل متن تمام شد، تازه سراغ حرکت بازی می‌رویم. اما پیتر بروک دوست برعکس نمایشنامه خوانی می‌کند. او اعتقاد دارد که تحلیل متن همواره باید با حرکت و بازی همراه باشد. یعنی بازیگر باید نقشش را بازی کند و در حرکتکته‌های اوست که نقش تحلیل می‌شود و معنا پیدا می‌کند.

این دو مسأله‌ای که کفتم جزو آن نظریات خیلی بدیع پیتر بروک به حساب می‌آید که آن‌چیز که در تئاتر ما انجام می‌شود خیلی فرق دارد. اگر این کتاب بتواند همین تو نکته را که البته نکاتی بنیادین هستند، در فرهنگ تئاتر ما جا بپزند، کار بزرگی انجام داده است. حرف‌های بروک حرف‌های جهانی هستند. او برای بیان این حرف‌ها از چه شیوه‌ای استفاده کرده است؟ آیا این شیوه می‌تواند برای نمایشنامه‌نویس‌های ما درس‌هایی داشته باشد، مثلا ساده‌نویسی؟

کتاب ارازی در میان نیست، مباحصل کتاب کارگاهی و سخنرانی‌های بروک است. سبک این کتاب، همانطور که شما اشاره کردید، بسیار ساده و روان است. بروک سعی کرده که پیچیده‌ترین مسائل را، به سادگی بیان کند. این نکته هم می‌تواند برای دست‌اندرکاران تئاتر آموزنده باشد که یک متن نمایشی خوب، لزوماً متنی نیست که زبان پیچیده‌ای داشته باشد. اولین مقاله بروک در این کتاب با این جمله شروع می‌شود، «دانشتم در یکی از دانشگاه‌های انگلیس

آن زمان هم همین کار را انجام دادم؟»
بله، سبک نویسنده را حفظ می‌کنم، یعنی سبک او را به گونه‌ای به فارسی ترجمه می‌کنم که اگر قرار بود



پیتر بروک نگاهی متفاوت با دیگران دارد. او معتقد است که تئاتر از زندگی است و برای مردم، اما درست عین زندگی نیست

لحنی که به محاوره نزدیک است، در مورد سباز بسیار مهمی حرف می‌زند و اولاً از تحلیل می‌کند. مثلا تئاتر مقدس و مذهبی، تئاتری که قرار است چیزیهای فرازمینی را به ما القا کند.

یا در آن جلایی که مورد تعریف حرف می‌زند. بلکه وقتی بروک در مورد تعریف می‌گوید، الگوار یک مخاطب فارسی‌زبان در مورد تعریف حرف می‌زند. البته من هم خیلی سعی کردم که کار او را فارسی کنیم، مثلاً به جای آنکه omme معنی کنیم، گذاشتمش لشقبا، به همین ترتیب بقیه اصطلاحات تعریف مثل اولیا، شمرخوان و … را هم در متن خودم کرم تا کسی که متن را می‌خواند با آن احساس نزدیکی بیشتری کند. یکی از دوستان می‌گفت: «بعد از سال خواندن این قسمت بودم، الگار تعریف به‌ما دیده» در روایتی که پیتر بروک از تعریف ارائه می‌کند، پوزادامان حسین(ع) می‌آیند و به دست و پای او می‌افتند. بروک آنقدر این لحظات را خوب و دقیق روایت می‌کند که بی‌اختیار بغض‌گلوئی خواننده را می‌گیرد. من در این کتاب سعی کرده‌ام که ترجمه روان و قابل فهم ارائه کنم و امیدوارم این چنین شده باشد. یعنی سعی کرده‌ام همان لحن ساده بروک را به فارسی برگردانم.

نه لحن بروک کمی رسمی‌تر از آن چیزی است که من ترجمه کرده‌ام. من سعی کرده‌ام لحن او را کمی برای خواننده فارسی‌زبان روان‌تر کنم و فکر می‌کنم این اتفاق افتاده است.

ساجتار انگلیسی به گونه‌ای است که گاهی از جمله‌های بسیار طولانی استفاده می‌کند. این جمله‌ها برای خواننده انگلیسی‌زبان چندان دشوار نیست، اما ساختار زبان فارسی آن را قابل فهم نمی‌کند. به همین علت من سعی کردم جمله‌ها را کوتاه کنم. در کل، وقتی ترجمه می‌کنم، خیلی به مخاطب فارسی‌زبان توجه دارم.

گویا یک زبان هم ترجمه کرده‌اید که زیر چاپ است. در

آن زمان هم همین کار را انجام دادم؟

بله، سبک نویسنده را حفظ می‌کنم، یعنی سبک او

را به گونه‌ای به فارسی ترجمه می‌کنم که اگر قرار بود

پیتر بروک یکی از کارگردان‌هایی است که طرفداران زیادی در ایران دارد. بخصوص بعد از اجرای نمایشش از منطق‌الطی، این کارگردان بیشتر مورد توجه قرار گرفت و چند بار هم به ایران سفر کرده است و در تخت جنسید و نقاط دیگر به اجرای نمایش پرداخته است. او در سفرهایش به ایران به مسائل از جمله تعریف تیرج روان داخه است به‌تازگی کتابی از پیتر بروک با عنوان «ارزی در میان نیست» یا ترجمه محمد شها وارد بازار کتاب شده است. به همین مناسبت گفت‌وگویی با نجم این کتاب صورت گرفته است. او پیش از این نیز کتاب‌های «سینما چیست؟»، «نظریه‌های روایت»، «دنیای درام»، «عناصر سینما»، «اسنادان ایتینش»، «فیلمنامه‌نویسی» و «فیلمنامه‌نویسی برای فیلم‌های مستند»، «کوهستان پاییز» (داستان‌های مدرن ژاپنی) و … را به فارسی ترجمه کرده است.

قابل ذکر است که محمد شها، کارشناسی سینما را در سال ۶۸ کارشناسی ارشد پژوهش هنر را در سال ۷۶ و دکتری سینما را در سال ۸۰ و دکتری کتب کبسه کرده و در حال حاضر، دوره پست دکورا در دانشگاه ویسکانسین آمریکا طی می‌کند. وی عضو هیأت علمی دانشگاه سینما، تئاتر است و اسناد دانشگاهی سینمایی است. توشن فیلمنامه و ساخت و تولید فیلم‌های کوتاه، از دیگر فعالیت‌های شها است.

گفت‌وگو با محمد شهبابا، مترجم

تئاتر و شور زندگی

آن نویسنده، فارسی نویسد.
آنگونه می‌نوشته. حالا به این سؤال می‌رسیم که پیتر بروک چه جایگاهی به عنوان یک تئاترنویس و تئاتری دارد؟

جایگاه او مثل جایگاه ادوینیجی در نقاشی است. شاید الا آن کسی به سبک ادوینیجی باشد تاگندبا سبک او سبک مورد توجه روزگار ما نباشد. اما نمی‌توانیم بگوییم که ادوینیجی در تاریخ هنر نقاشی وجود ندارد. او از طرف دیگر، شاید کسی نخواهد به سبک بروک، «مهلهارادا» اجرا کند. اما او در تاریخ تئاتر مانده است. همه اجراهایی که ما امروز داریم، به تجربه‌های برمی‌گردد که این آدم‌ها انجام داده‌اند. اما علاوه بر این پیتر بروک یکی از روزنه‌های تحریک و عملی هنر تئاتر است. البته نمی‌توان از این نکته چشم‌پوشی کرد که به هر حال او موافقان و مخالفان خودش را هم دارد. حتی در ایران هم بروک مخالفانی دارد. حتی اینکه من این کتاب را ترجمه کرده‌ام، لزوماً نه این معنی نیست که با تمام عقایدش موافقم.

پس چرا ترجمه‌اش کردید؟

من این کتاب را خواندم و دیدم که کتاب ساده‌ای است و با آنکه گفتار کمی صمیمی است که می‌توان آن را به درک نشست خواند. کتاب بسیار پویایی است، به نظرم رسیده که هر چه بلد این کتاب، در آن‌کتابی است. البته این نکات، فارغ از این بود که کتاب لحن تاریخ نگارانه، آموزشی و تحریک‌کننده داشته باشد و از صمیمی‌بانه می‌شکند. من هم بود که خیلی جالب آمد. چون او در حال تعریف کردن تجربه‌های خودش، تمام آن چیزهایی که می‌گوید، آنها‌هایی است که خودش انجام داده است، به‌ویژه در صفحه‌های پایانی جایی که در مورد طراحی دکور، تونان می‌نویسد. می‌توان این تجربه‌گیری را در ادویشتر بروک این صفحات را به گونه‌ای می‌نویسد که مرهله به مرحله حس می‌کنیم که با او در گزارش مشارکت داشته‌ایم.

نگفتید که کتاب جلطور به دستمان رسد؟
فراغ آشنایی من این کتاب، از آن روزهاست. من چند سالی در مرکز ترجمه ادبی بریتانیا به عنوان رئیس جلسات حضور داشتم. در یکی از این جلسه‌ها، یکی از مترجمان اسپانیایی، جمله‌ای گفت که از راز همین کتاب ارازی در میان نیست» برداشته بود. من مشتاق شدم که کتاب را بخوانم. کتاب خوب و کم‌جسمی بود و فوق آن راه انگلیسی خواندم، خیلی از خوانندگش لذت بردم. الا آن هم که به فارسی ترجمه‌اش کردم. دوستان که از آن خوانند، لذت برده‌اند. به نظر ما جادارده که کتاب‌های پیتر بروک از این بزرگ‌تر تئاتر به فارسی برگردانده شود.

اما این همان نسخه و راحت در متن‌های نمایش ما کمتر

به چشم می‌آید. در حالی که ادویلیوف هم ساده می‌نویسد

و …

این نکته خیلی به سیستم آموزشی ما برمی‌گردد. سیستم آموزشی ما چه در دانشگاه و چه در مدرسه و چه در برنامه‌های تلویزیونی و رسانه‌ای، لحن و نگاه ما آذمیابیش» است. در صورتی که در فیزیوه آموزشی ادویلیوف و پیتر بروک، خودآموزش اهمیت دارد. من اگر با شما حرف می‌زنم، نگاه‌م به این استوار است. اگر مدام شما امروز آزمایش قرار بدهم، در صورتی که

بروک، نگاه آزمایشی ندارد. او می‌خواهد چیزهایی را به خواننده یاد بدهد. آموزش و آزمایش یکی با هم متفاوت است. شاید آن کتاب‌های را که شما می‌گوید از لحن سختی برخوردارند، کتاب‌هایی باشد که

می‌خواهد شما را آزمایش کند و حتی گاهی میج شما را بگیرد، پتیر بزرگ نمی‌خواهد میج خواننده را بگیرد، او می‌خواهد دست خودش را برای خواننده رو کند. به همین علت است که او اسامی کنایش را گذاشته: «رازی در میان نیست»

عربی آدم جالبی است، یک انگلیسی که در فرانسه زندگی می‌کند.

ویک ویک من‌اللهی هم دارد که حتی یک بازیگر ایرانی هم در آن حضور دارد.

بازگویی شناخته است؟
نه در این ایران و نه آنجا معروف نیست. مهم نیست که این بازیگر ایرانی تا چه اندازه‌ای معروف است، این نکته مهم است که بازیگرهای او ملیت‌های مختلف، مثل آفریقایی، ژاپنی، فرانسوی و… کنار هم می‌ایستند یک من را اجرا می‌کنند.

به چه زبانی حرف می‌زند و چرا این گونه بین المللی انتخاب شده‌اند؟

قطعاً انگلیسی، به هر حال بازیگرهایی که در کار پتیر بزرگ حاضر می‌شوند، حتماً انگلیسی‌شان آفند
خوب است که آن متوجه لهجه‌شان نشود. البته اگر هم خواننده را بگیریم و به سبک مرحوم دبیج‌الله پتیر بزرگ **این آدم‌ها را کنار هم جمع کرده چون فکر می‌کند که به هر کدام سبکی‌ای فرهنگی دارد** که این سابقه می‌تواند یک کم‌نمایشی کند. **او این راه حل را برای آن آرزو می‌دهد که به نظر می‌رسد که تا آن در همه جای دنیا دچار مشکل شده است.** به نظر بروک، **ایجاد گروهی‌های بین‌المللی می‌تواند یکی از راه‌های نجات تئاتر باشد.** این آدم‌های گوناگون که دارای فرهنگ‌های گوناگون هستند. **هر کدام چیزی را از فرهنگ خود به نمایش می‌آورند** این می‌تواند به غای تئاتر کمک کند.

بروک در همین کتاب «رازی در میان نیست» اشاره‌هایی به فاتر عامه‌پسند دارد و آن را هم مورد بررسی قرار می‌دهد.

متأسفانه ما در سایه همان تئوری‌ها، سبک‌ها و مکتب‌ها، تئاتر را به دو قسم والا و عامه‌پسند تقسیم کرده‌ایم. بروک این تقسیم‌بندی‌ها را نمی‌پذیرد. برای او تئاتر، تئاتر است. او معتقد است که این تقسیم‌بندی‌ها، هیچ‌دردی را درمانی‌کنند. ما آن گوید: شاید در یک تئاتر مردم پسند برپا شود، ما آن شوری را ببینیم که در یک اجرای سنگین از یک اثر فلسفی آن را ببینیم برای بروک، این شور زندگی مهم است که در اجرا و متن وجود داشته باشد. وجود داشتن این شور زندگی است که مشخص می‌کند که تئاتر خوب است یا خوب نیست. **این را می‌توان در مقوله‌های دیگری هم دنبال کرد.**

مثلاً:
مثلاً بر ادبیات، مانی‌تولیم ادبیات را به دو دسته ادبیات والا و ادبیات عامه‌پسند تقسیم می‌کنیم.

چه کسی می‌تواند ادبیات فلسفی را جزو انواع تقسیم ادبیات به حساب بیاورد؟ اصلاً چه کسی این تفکیک ادبیات‌ها را صورت می‌دهد؟ این نوع ادبیات، بسیار خواننده و برطرفدار است و نمی‌توان نادیده‌اش گرفت. این تقسیم‌بندی‌هاست که ما را دچار مشکل می‌کند. ما یک چیز داریم به نام ادبیات.
ما سائلیم ما آن است که این تقسیم‌بندی‌ها از علوم وارد شده‌های علوم انسانی‌ها هلتر شده است. خیلی‌ها سعی کرده‌اند با نگاه علمی، یعنی همان نگاه‌هایی که به فیزیک و شیمی می‌شود، به هلتر نگاه کنند. این نگاه به علم و به نتیجه می‌رسد. اما در اینجا، نه برای آنکه پیدا کردن بر مشکلات است. شما چطور می‌توانید یک درمان، یک فیلم یا یک تئاتر را دسته‌بندی کنید؟ این قضاوت به عقیده مردم است. مخاطب، هم در هر جامعه‌ای فرق دارد. حتی در یک جامعه هم، مخاطب یا گذر زمان فرق می‌کند.

یعنی اگر کتاب آرازی «در میان نیست» را چند سال قبل یا چند ترجمه می‌خواند کاری متفاوت ارائه می‌گوید یا ممکن بود ترجمه‌اش کمبند؟
بله. از نظر کتاب حتماً تغییراتی می‌کرد برای ما. من فکر می‌کنم. اما در دو نیمه اول آن که این تفاوت وجود داشته باشد، برای آنکه اثر هم کسی مربوط به خود آن آدم است و با گذشت زمان، تغییر می‌کند. ترجمه به نوع نگاه مربوط است که

مترجم به متن دارد. من تا حدودی بی‌تایین هستم. بعضی‌ها طرف متن را می‌گیرند، یعنی خیلی وفادارانه ترجمه می‌کنند و حالا اگر مخاطب فارسی با آن ارتباط برقرار نکرد، مهم نیست و برخی طرف خواننده می‌ایستند که خیلی آن را قابل فهم عوام کنند. به نظر من، ترجمه باید بی‌تایین عمل کند؛ یعنی وقتی خواننده فارسی کتاب را می‌خواند، راحت بخواند و راحت بفهمد. برای اینکه متن اصلی که برای خواننده زبان مرجع نوشته شده، حتماً قابل درک و فهم بوده است. به نظر می‌رسد که خیلی عیب است که آدم برای خواننده‌های نتویسد که آنها چیزی از نوشته‌اش نمی‌فهمند.

به نظر من، حتی مطالب فلسفی هم که گاهی در ترجمه‌های ما پیچیده به نظر می‌آیند، در زبان اصلی‌شان قابل درک و فهم هستند. احتمالاً در ترجمه آنها یک جای کاری نمی‌گذرد. بنده از نزدیک شاهد بودم که خوانندگان آن اثر فلسفی، در همان زبان، اثر را به خوبی می‌فهمند. چه فایده‌ای دارد شما کتابی را ترجمه کنید که مخاطب فارسی زبان چیزی از آن نفهمد. از آن طرف هم اگر بخوایم خیلی طرف خواننده را بگیریم و به سبک مرحوم دبیج‌الله منصوری عمل کنیم، دیگر نوبسته‌اند از این برادرم، ترجمه به هر حال یک هنر واسطه‌است و دیدگاه من فعلی بماند. در استند سال ۱۳۸۳، این است که باید کمی بی‌تایین حرکت کنیم.

با این اوصاف بهتر است خوانندگان زبان یاد بگیرند و کتاب را به زبان اصلی بخوانند.

این بحث در مورد سینما هم مطرح است. برخی می‌گویند که ما چرا باید فیلم‌ها را دوبله یا زیرنویس کنیم. خود مخاطب باید زبان یاد بگیرد. این حرف در تئوری خود بسیار قشنگ و زیبای است. اما مخاطبان



بسیاری از داشته‌های ما از راه ترجمه به دست می‌آید و نمی‌توان این منبع را ندیده گرفت

تا چند انداره‌ای می‌توانند زبان یادگیرندهٔ به نظر خیلی منتقلی نمی‌آید که نمایانگری برای دیدن شکل فیلم از تارکوفسکی روسی یاد بگیرد. در عرصه کتاب هم همین‌نکته وجود دارد. بسیاری از داشته‌های ما از راه ترجمه به دست می‌آید. نمی‌توان این منبع را نادیده گرفت. فقط این نکته را اضافه‌کنم که افرادی باید با زبان آدآمیزه‌این آثار را ترجمه کنند. من روی این نکته هم تأکید خیلی تأکید دارم. متأسفانه برخی از ترجمه‌ها، از زبان فارسی معیار که ما آن را می‌شناسیم، کمی به دور است.

با توجه به اینکه بیشتر ترجمه‌های شما شبیهی است، آیا بعد از این باز هم می‌خواهید در مورد فاتر ترجمه کنید؟

البته قبل از این، کتابی با عنوان «دنیای درام» هم ترجمه کرده‌ام که در مورد نشانه‌شناسی تئاتر است. چنان‌دوم هم هم رسیده است. کتابی هم در دست ترجمه دارم با عنوان «هالیوود جدید که به تحولات آن از دهه هفتاد تا سال می‌پردازد کتابی هم با عنوان «تاریخ سبک در سینما» نوشته دیوید بوردول به فارسی به دست رسیده است که می‌خواهم ترجمه‌اش کنم. این کتاب در هفته پیش منتشر شده و در مورد سبک چهار کارگردان به بحث و تحلیل می‌پردازد. کتاب میترانس در سینما هم توسط نشر پانگ عنوان شده. دو کتاب تحت عنوان «مبانی تحلیل فیلم» و «مبانی تحلیل فیلمنامه» را هم در دست نگارش دارم.



یادداشت

عزیزا پرسید

قطره‌ای از دریا

پیش دریا کره چه قطره اندک است

کتاب قطره‌ای از دریا، سروده‌های حماد خراسانی دربارهٔ مولای متقیان حضرت علی(ع)، با مقدمه دکتر میرجلال‌الدین کزازی است.

کتاب فوق مجموعه با متنی از اشعار و شعرای زنده‌یاد سید حسن معادالدین منخلص به عماد خراسانی است که در مقام ارباب و شاک شیفتگی به ساخت مقدس و محبوب مرتضی علی (علیه‌السلام) سروده شده. در شناسنامه کتاب هم در جهت معرفی

درج شده است که: «قطره‌ای از دریأ اشعار استاد حماد خراسانی در وصف شاه خویان علی(ع) مقدمهٔ دکتر میرجلال‌الدین کزازی می‌باشد. قطعهٔ جالبی مفروده خوشنویس علی رافعیان قرطبی، منبت‌نویز و نقاش و شاعر؛ خط و مشور؛ خط جلیل و جوازی است.»

کتاب شامل ۱۷ منظومه به نغز مثنوی و ۱۳ قطعه است که به دلیل ثبت رویی و نقل منظوم برخی از وقایع و حوادث تاریخی مثل غدیر خم، ماجرای مسلم بن علی، ماجرای حر بن یزید ریاحی، عهدنامه حضرت به کلک، نامه به عثمان بن حنیف (الی عبیر) و… در حالت اشعار صرف اسامی و پرشوریا با ارباب امیرترانه رفته و اشکال و شباهتی نزدیک به مثنوی پیدا کرده است.تبریزه در قطعات داستان بهودی که تکثیر گرو به خانه آمده با مدخل بغض و کینه برخی با ارم‌المؤمنین و با آنجا که دشمن می‌گوید «و… و چند منظومه نیز به سوزهای خزان از حضرت امیر(ع) اشعار و عجاibat داشته است.»مثل مناسبات پروردگار، «سب فراهم آمدن این دفتر» «در مناسبات حضرت فاتمه» و… در آخرین مثنوی نیز با عنوان های مهم تن گئی به کار گذ رسی» که سروده‌ای حکمی و بدایمی است، با زبانی اندرزیب و رهمنای و رهمنوی پرخاص است. دیوانهٔ کتاب به قدم خواننده هرکند، سرخ سرکار عظیم نجاشی (شاعر) است که به علت و بدیهٔ این دفتر نیز معرفی می‌گردد و سعدالان نوریان آن پرخاشه است. قسم اینکه مثل همیشه بری قدرشناسی می‌بایستادی از لایلهٔ جلالت یادداشت به همراه میزبان ارادت و دلنشگاری‌اش به استاده به شام می‌رسد. باتوری بزرگاری که هنوز خاطر و شکفت و دلانگیز اولین روزنشانی ایشان در منزل برای حقیر و استاد موهب هم‌پایر سید مهلب محمودی و سید فرید قاسمی به روشنی و وضوح کرد، با برجاست و نکته دیگر اینکه سرکار خادم نجاشی، علت چنان کتاب را در زمان پس از فوت استاد حماد، هراس از اظهار فرمت طلسی و ریگاری و رهمنایی به استاد از طرف کوه‌نایندیشان و کوه‌نایندیشان همی، عنوان می‌کنند که در لحاظ رواج اینگونه داورى‌ها و وجود این واقعت تلخ در جامعه و مسایل هنری فقط باید افسوس خورد و خون مگر.

استاد حماد خراسانی در منظومه‌ای با عنوان «سب فراهم آمدن این دفتر» به علت سرودن اشعار ولایتی و انگیزه جمع آوری آن اشعار در یک دفتر می‌پردازد:

کتاب سب اندر منجلی کتبخ حال و قال بود در منجلی گلی باکتور، خوری

بود هم شایدی در آن و هم ملاه

لیک او هم در عقاب از های و هوئی

تا آنجا که میزبان می‌گوید:

گفت با این قدرت طبع روان

به که شعری چند هم بگردد را

دیدمش مجنون دیش شورید، ایست

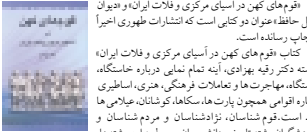
که خیلی جالب است و نیز بسیار قابل توجه و شایسته دقت برای استاد حماد خراسانی با پارویی می‌تواند باشد. که به عنوان فلسفی جدید در کتاب خاتون هفت قلعه و در تأیید نظریه پرتشاهد و بسیار گزاه دست‌خوشی و ادماجشی بانی کتاب «ازادنامه» که به توضیح و شرح و بیان جلالت و کلمات مجعربا کمتر مورد استاده در زبان امروز و همچنین ترجمه حرالت و عبارات زاین خبری، پرونده است و مهتر اینکه هر جا نیاز به معرفی و ابضااح به لحاظ تاریخی با مضمون در شعر بوده است، این تازه روشنی و به شکل کامل و مفید، باید آمده شده است و شخصیت‌های تاریخی و مذهبی و مشهور یا گمنام که در اشعار استاد حماد، به نامشان اشاره شده است را به خوبی و سادگی معرفی نوده‌اند.

رویی جلدی، یکی از عکس‌های استاد در سال آخر عمرشان (۱۳۸۷) چاپ شده با پس‌زمینه‌ای زیبا از نقاشی میناتور نگارگر ماهر جناب آقای جلیل حقیکز که با میناتور متقن و نقاشی متقن و تدبیر‌ها و شاعرهای تمامی صفحات کتاب، بر سلیقه و تسلط ایشان را گواهی می‌دهد. این مقوله با حفظ زبیا و چشم‌نواز خوشنویس خوش‌حلق و فروتن استاد علی رافعیان به همراه کافه نقیسی و رعایت ظریف و زیبایی‌های پیدا و پنهان که حاصل تلاش سعادتانه و سرشار از فاطحه آفری فریفته سعاری است. بر گزرتسگی کتاب افورده است و مقدمه و یادداشت با معرفیانهٔ ایستاده و فضیله استاد سخن و سعاری، دیدگاه نویز خبری، جناب دکتر جلال‌الدین کزازی که در پیشانی مطلب و اشعار آمده است، بر این دفتر مبرشرار، افورده و به یکسو اسیری بر آستان دوست موهوبه است.؟ این دفتر به یاد اولین سالگرد فوت استاد حماد، تقدیم به خانواده بزرگ ادب و فرهنگ شده است و امپوزالم از وروندم به‌زودی شاهد انتشار اشعار مشتت ناشده استاد حماد باشند.انشاءالله.

می‌نوشته: ا و ؟ از مقدمه کتاب و از تعابیر دکتر کزازی است.

کتاب

دو کتاب از طنزوری



«فوق‌های کهن در آسیای مرکزی و ولات ایران و وحیوان کامل حافظ عیون در کتابی است که انتشارات طهوری اخیراً به چاپ رسانده است.

کتاب وقوم‌های کهن در آسیای مرکزی و ولات ایران،ه نوشتهٔ دکتر رفقه به‌زادی، این‌تمام نامی دربارهٔ خاسگانه، زینسگاه، مهاجرت‌ها و تعاملات فرهنگی، هنری، اساطیری و دیگر اقوام همچون پارت‌ها، ساکاه، کوشان، خیولان‌ها و… است. قوم شناسانه، ژئوآستان‌ها، مردم شناسانه، پژوهشگران رشته تاریخ و دلخشنوی مربوط آن‌ها رشتند.

مطبوعاتمقامهم یکرو جامدی در این کتاب بخوانند.این کتاب در ۱۱۰ نسخه به بازار عرضه شده است. دیوان کامل حافظهٔ ذرویتی (غنی) عنوان دیگر کتاب انتشارات طهوری است که همراه با مقدمه، در ست خوانایی بسیار با نظر روان‌گان دشوار، ترجمه عبارات عربی، فرهنگ لغات مشکل و اصطلاحات غرضانی به چاپ رسیده است و به کوشش دکتر محمدرضا بزرگ علیقلی در ۲۰۰ نسخه در بازار نشر ارائه شده است.



امیرحسین شرافت

سید صادق حسینی اشکوری- آصف آگاه- در سال ۱۳۵۱ در قم به دنیا آمد پدرش - سید احمد اشکوری- اهل دانش و از نام آوران عرصه تحقیق و کاشیتاسن و

فهرستکار برجسته معاصر است

۱۶ساله بود که وارد حوزه علمیه گردید و در آنجا از دروس عالی حضرات آیت رحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و گوینج بیهه گرفت اشکوری علاوه بر زبان

عربی که به آن چندین نگارش دارد، به زبان اردو، انگلیسی، فرانسه و ایتالیای نیز آشنایی دارد. در سال ۱۳۹۸ مقاله و سخنرانی وی در کنفرانس سادات که توسط

دانشگاه رم در ایتالیا برگزار شد، استقبال گردید. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای اروپایی و هند، پاکستان، سوریه، عراق، امارات عربی و لبنان داشته است.

اشکوری پیش از کار نشر به او مستحق و نوشتن علاوه دارد و به گفته خودش نشر را ابزاری در خدمت علم می‌داند

پیشترین تلاش نابلیی او در نگارش فرهنگ‌های فارسی به عربی صرف شده و در کار نشر، گرایش به چاپ آثار علمی پیشین و فهرست نسخه‌های خطی و اسناد

دارد

از آثار تحقیقی وی که به چاپ رسیده «مجموع‌التعمیر» کهجوری در پنج جلد و از تألیفات او به ابره‌فنگ نظامی «می توان اشتداد کرد

مدیریت اشکوری در انتشارات «مجمع ذخائر اسلامی» از سال ۱۳۷۶، چاپ پیش از یکصده جلد کتاب‌ها با مؤسسات علمی گرناگون و مهدیه‌ادی نمایندگان

اشکوری در گفت‌وگو با ما، مهمترین افتخار کاری خود را چاپ پیش از ۳۰ جلد از فهرست نسخه‌های خطی در مدنی گونا، برشمرد است

اشکوری در گفت‌وگو با ما، مهمترین افتخار کاری خود را چاپ پیش از ۳۰ جلد از فهرست نسخه‌های خطی در مدنی گونا، برشمرد است

جهت‌گیری اصلی شما در نشر، چه موضوع یا موضوعاتی است؟
فهرست نسخه‌های خطی موجود در داخل و خارج ایران آثار پرزورگان شیعه در سده‌های پیشین که تألیفات آنها به صورت مخطوط باقی مانده، در موضوعات مختلف از جمله ادب، عقائدات و تاریخ، فرهنگ‌های لغت فارسی- عربی که تا کنون وقت فراوانی صرف آن شده و سال آینده آن شالله به ترتیب منتشر خواهند شد تهیه و عرضه نرم‌افزارهای مرتبط با کتاب و نسخه‌های خطی.

وضعیت آثار مکتوب فارسی به صورت چاپ جدید، و نسخه‌های خطی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
چاپ آثار مکتوب فارسی فی حدنفسه رونودار به رشد داشته و در ایران- لافلاف در سده اخیر- شمار این مکتوبات روزبه‌روز در موضوعات مختلف بیشتر می‌شود. چاپ‌های سنگی نیز گرچه مورد اهتمام و کارشناسی جدی قرار گرفته ولی آثار بسیار خوبی به زبان فارسی خصوصاً در دوره ناصری و قاجاری به چاپ رسیده که بسیاری از آنها باید با تحقیقات روزآمد و به چاپ برسد و در اختیار عموم قرار گیرند. هنوز نسخه‌های خطی فارسی زیادی در کتابخانه‌های خصوصی یا عمومی وجود دارد که فهرست نشده و باید به همت فهرست‌نویسان معرفی شوند.

البته اگر تعداد آثار مکتوب فارسی با زبان عربی سنجیده شود چاپ جدید کتاب‌های فارسی به مراتب از عربی در ایران افزون‌تر است ولی درباره نسخه‌های سنگی و خطی، شمار نسخه‌های عربی با فارسی قابل قیاس نیست و مخطوطات عربی- حتی در داخل ایران- به مراتب بیشتر است، و این نشانگر آن است که ایران نه‌تنه در محدوده زبانی خویش که در محدوده زبان اصلی اسلام، یعنی عربی، از مهمترین باکها و ملجا دانشمندان و مآرای مؤلفان در موضوعات مختلف علمی- اسلامی بوده است.

از لحاظ کاری، نشر آثار مرتبط با نسخ خطی چه تفاوتی با دیگر نشرآنها دارد؟

کار نشر آثار مرتبط با نسخ خطی، جنبه علمی- فرهنگی آن پیش از هر چیز نمودار و شاید بتوان گفت، به این انتشار از دید تجاری نمی‌توان نگریست، به نظر منگوش سوم نیز بیشتر همین است؛ طبیاً چاپ (بگونهٔ آثار نیز اگر با کیفیت باشد- بسیار سود آور است، رفعت نشرآنها به آن بسیار کم است خصوصاً آنکه به هر حال یک جنبه نشر علاوه بر جنبه فرهنگی، دید تجاری است. لذا بعداً بیشتر مؤسسات غیر انتفاعی به این امر پرداخته‌اند تا نشر آثار تخصصی.

وضعیت فهرست‌نویسی نسخ خطی و آینده آن را و کشور و همچنین تیبیت به آثار فارسی چگونه می‌بیند؟
وضعیت فهرست‌نویسی نسخه‌های خطی در ایران در دهه اخیر بسیار چشمگیر و امیدوارکننده بوده و پیشرو فضایل به حرکتی تبدیل شده که اگر به همین صورت پیش رود گمان می‌کنم ناسی سال آینده اکثر



وضعیت فهرست نویسی نسخه‌های خطی در ایران در دهه اخیر بسیار چشمگیر و امیدوارکننده بوده است

نسخه‌های خطی ایران فهرست شود. کتابخانه‌ها و مجموعه داران نیز رغبت بیشتری به فهرست شدن کتاب‌هایشان نشان می‌دهند. طبیعی است در این میان، خطی دارایی که گمان می‌کنند نسخه‌ها چون کتیبه است و باید همچون کجج در پستو مرارت شود و کسی آن را نبیند مستحشا هستند. همچنین کتابخانه‌هایی که با وجود امکانات کنونی، نه‌تنها حاضر به سرمایه گذاری در امر فهرست نویسی آثارشان نیستند بلکه حتی مانع آن نیز می‌شوند.

برای چاپ و نشر و ارسال آثار خطی کثوریمان و ششمادان آنها به در چه وضعیتی قرار دارید؟
آزادگی این وضعیت مربوط به دولت است نه یک ناشر خصوصی. ناشر نسخه‌های خطی اگر خیلی تلاش کند، می‌تواند آثار خود را پس از سال‌ها تلاش ارتباطی، به عدای از کتابخانه‌ها و مؤسسات و نسخه‌یوزدها عرضه کند.

البته شناسایی مراکز فرهنگی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پارازینی‌های فرهنگی انجام پذیرفته مههه آن است که آنها حلقه وصلی بین ناشر و مراکز فرهنگی باشند که به نظر می‌رسد این امر نا به حال صورت گرفته‌ند. در آینده هم بستگی به سیاست‌گذاری مسئولان امر دارد.

به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر، نشر دینی در بسیاری از موارد به سمت احیا و حد اکثر تصحیح و تحقیق متون گذشته روی آورده و در این راه مبارزت به برخی کارهای تکراری، پرحجم و سنگین هم کرده است.

برای حل مشکلاتی این چنین، چه پیشنهادی می‌کنید؟
بخشی از کارهای تکراری، مربوط به عدم اطلاع‌رسانی روزآمد و کافی است. گرچه چاپ مجلات و به‌طولی نشریات در حوزه اطلاع‌رسانی رشد خوبی داشته‌اند ولی باز هم ناهمگنی در ارائه اطلاعات، بواقص و ادیر اطلاع‌رسانی به چشم می‌خورد، به نظر می‌رسد مؤسسه‌ای باید به عنوان

گفت‌وگو با سید صادق حسینی اشکوری:مدیر نشر ذخائر اسلامی

مرجع امور تحقیقاتی در نظر گرفته شده، با این پیش‌ترش که اعتماد محققان را جلب کند. چون دقیقاً بخش دیگر کارهای تکراری به عدم اعتماد محققان بر می‌گردد چون در صورت اطلاع‌رسانی، بیم آن دارند که کارشان به سرقت رود یا به نحو ناقص یا مثلاً بازاری و نامطلوب عرضه شود.

در هر حال به عقیده من حجم کارهای تکراری نسبت به کارهایی که جدید عرضه شده فراوان نیست علاوه بر آنکه در کارهای تکراری نیز گاهی هر چاپ امتیاز خاص خود را دارد و محقق می‌تواند از هر دو بهره‌ور گردد. بنابراین تا وقتی که نظام اطلاع‌رسانی جامع به‌صورت سیستم یکپارچه در این امر مزبور پیاده نشده، با توجه به وسعت کارهای با زمین مانده باید محققان، کار مورد نظرشان را انجام دهند.

در عین حال در این مورد دو پیشنهاد دارم. یکی مربوط به مراجع اطلاع‌رسانی و دیگری مربوط به پژوهندگان نسخه‌های خطی.

پیشنهاد اول اینکه قضایای ارسال نشریات اطلاع‌رسانی به مراکز پرمارجه و افرادی که نسخه‌های خطی و محققان سود کار فراوان دارند؛ پیش از آنچه اکنون انجام می‌پذیرد، طبیعی است که پای‌وجه به حمایت دولت از اکثر این نشریات و دولتی بودن بسیاری از آنها، این امر می‌تواند به صورتی فراهم، هم در داخل و هم خارج کشور انجام شود. این نشریات می‌توانند، متعجب‌کننده کارهای محققان داخلی و خارجی نیز باشند. نظیر آنچه در تالیتهٔ آخر «کتاب هفتاد انجام می‌شود.

پیشنهاد دوم اینکه محققان قبل از تحقیق یک اثر می‌توانند لافلاف از کتابخانه‌هایی که نسخه مورد نظر را دارند، استعلام کنند که آیا شخص یا مؤسسه‌ای، قبلاً نسخه‌ای از آن کتاب را دریافت کرده یا نه اگر دریافت کرده آیا به منظور کار کردن و تحقیق و چاپ بوده یا نه؟ البته چنانچه مؤسسه‌ای مورد اعتماد، مسؤولیت اطلاع‌رسانی جامع را به عهده گیرد، خود می‌تواند به‌طور مستقیم و دائم، ارتباط با کتابخانه‌ها و مؤسسات را به عهده گیرد تا محقق فقط به یک مصدر مراجعه نماید نه چند کتابخانه و مؤسسه. حتی اگر آن مؤسسه سابقین نیز داشته باشد حضور فیزیکی، نقلی و مکتوب نیز حذف خواهد شد.

مجمع ذخائر اسلامی در نمایگاههای کتاب خارجی چه حضورى داشته و میزان استقبال - به ویژه در کشورهای عربی- چگونه بوده است؟

امسال در بیستین نمایگاه کتاب سوریه شرکت کردم، البته نمایگاه سوریه تا سال گذشته در مرکز شهر مکتبهٔ الاسد، بهرگزگار می‌شد ولی امسال برای اولین بار به خارج از شهر منتقل شده بود. این مکان تقریباً ده کیلومتر از دمشق فاصله دارد، جایی به نام «مدینه المعارض» (شهر نمایگاهها) و در مسیر فرودگاه، دوری مسیری سنگینی کرایه‌ها و نبود وساطت‌قلبه عمومی تعداد



فهرستکار برجسته معاصر است

۱۶ساله بود که وارد حوزه علمیه گردید و در آنجا از دروس عالی حضرات آیت رحید خراسانی، میرزا جواد تبریزی و گوینج بیهه گرفت اشکوری علاوه بر زبان

عربی که به آن چندین نگارش دارد، به زبان اردو، انگلیسی، فرانسه و ایتالیای نیز آشنایی دارد. در سال ۱۳۹۸ مقاله و سخنرانی وی در کنفرانس سادات که توسط

دانشگاه رم در ایتالیا برگزار شد، استقبال گردید. وی سفرهای متعدد علمی به کشورهای اروپایی و هند، پاکستان، سوریه، عراق، امارات عربی و لبنان داشته است.

اشکوری پیش از کار نشر به او مستحق و نوشتن علاوه دارد و به گفته خودش نشر را ابزاری در خدمت علم می‌داند

پیشترین تلاش نابلیی او در نگارش فرهنگ‌های فارسی به عربی صرف شده و در کار نشر، گرایش به چاپ آثار علمی پیشین و فهرست نسخه‌های خطی و اسناد

دارد

از آثار تحقیقی وی که به چاپ رسیده «مجموع‌التعمیر» کهجوری در پنج جلد و از تألیفات او به ابره‌فنگ نظامی «می توان اشتداد کرد

مدیریت اشکوری در انتشارات «مجمع ذخائر اسلامی» از سال ۱۳۷۶، چاپ پیش از یکصده جلد کتاب‌ها با مؤسسات علمی گرناگون و مهدیه‌ادی نمایندگان

اشکوری در گفت‌وگو با ما، مهمترین افتخار کاری خود را چاپ پیش از ۳۰ جلد از فهرست نسخه‌های خطی در مدنی گونا، برشمرد است

اشکوری در گفت‌وگو با ما، مهمترین افتخار کاری خود را چاپ پیش از ۳۰ جلد از فهرست نسخه‌های خطی در مدنی گونا، برشمرد است

جنبه‌های علمی و فرهنگی چاپ نسخ خطی

زادهدیدکنندگان راه‌شدت کاشی داده بود. ساعت کار نمایگاه از ساعت یک بعدازظهر تا ده شب به‌طور یکسره بود، ولی انبویوس‌هایی که مردم را از مکان نمایگاه قبلی به طرف نمایگاه‌های فعلی می‌آوردند تازه ساعت ۵بعدازظهر شروع به کار می‌کردند!

در کل، مستشرقان و خارجی‌هایی که در کشورهای عربی فعالیت داشتند از جهت عریه، بیشتر استقبال می‌کردند. اهالی سوریه نیز بسیار مشتاق خرید بودند ولی قدرت خرید آنها بسیار پایین بود. عده زیادی نیز با دیدن نام ایران بر سر در غرقه خندان کتاب‌های تعلیم زبان فارسی، عخط‌تسطبیق و آشنایی هنری می‌گشتند. اما روی هم رفته حضور ایرانی‌ها در نمایگاه ضعیف بود.

چه مشکلات و موانعی برای حضور بهتر در کشورهای خارجی برای معرفی میراث مکتوب ایران وجود دارد و چه درخواستی از متولیان دارید؟

میراث مکتوب ایران در دو بعد برای کشورهای خارجی اهمیت دارد: یکی بعد فرهنگی که در کتاب‌های هنری، اسناد، آثار ادبیات و تاریخ نمود داشته و مشتاقان فراوان دارد. دیگری بعد میراث علمی و نسخ کتاب‌های عربی که در ایران با چاپ می‌رسند. مسألهٔ سفر در عرصه هر دو مورد، نقض شدیدی به چشم می‌خورد. اگر متولیان امر در هر دو زمینه، ناشران این آثار را مورد حمایت قرار دهند، لافلاف در تهیه مکتاب جهت اقامت ایام نمایگاه، اخذ ویزا، تخفیف ویژه جهت ارسال کتاب، و تخفیف یا حذف هزینه فره‌ها، خیلی زود خواهد دید که ایران جایگاه واقعی خود را در دنیا نشان خواهد داد. ولی وقتی نه‌تنها این حمایت‌ها انجام نشود، بلکه متولیان پاسخگویی مشکلات ناشران هم نباشند ناشران خصوصی چقدر توان مالی دارند که با خزرهای سنگین در نمایگاهها فقط به‌عنوان داعی امر فرهنگی شرکت کنند؟

ارزیابی شما از ظرفیت آثار کهن ایرانی برای عرضه ظرفیت بسیار بالاست، مطلب‌هم در آن سوی مرزا فراوان است، در کشورهای اروپایی ناشران ایرانی زیادی هستند که کتاب‌های ایرانی و فارسی نیز چاپ می‌کنند، موضوعات زیادی نیز قابل فروش و عرضه به آنهاست.

لیکن ارتباط کم است و اطلاع‌رسانی ناقص. کشورها تا ج‌وجه به محدودیت‌های زبانی و معنایی خود، در چه بخش‌هایی از نشر متون عربی‌اندام و ارائه آثاری با زبان‌های فراملی وارد؟»

در این جهت باید از ناشران مختلف که با عاقلین و سلیقه‌های متنوع‌تر می‌کنند بسیار آنچه در حوزه کاری خود می‌دانم آن است که رغبت به متون قبل از سده دهم هجری در زمینه‌های مختلف- اعم از علوم دین و غیره- بسیار خوب است. آثار هنری نیز مثلاً در دوره صفوی خواهان زیادی دارد، با توجه به اینکه زبان فارسی، زبان شعر و ادب است. فکر می‌کنم زمینه‌امیثبات نیز به معنای گسترده آن خواهان زیادی دارد.

وضعیت حفظ‌احیا و عرضه نسخ خطی در کشورها ما در مقایسه با کشورهای دیگر بخصوص کشورهای عربی و اسلامی منطقه چگونه است؟

پاسخ به این سؤال سخت است اما گمانم آن است



که در حفظ فیزیکی، کشورهای عربی غنی مانند عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس اهتمام بیشتری دارند، ولی حفظ فیزیکی ما نسبت به کشورهای عربی همچون عراق، یمن و سوریه بهتر است. همچنین اهتمام ما نسبت به کشورهای

اسلامی غیر عربی نظیر هند و پاکستان نیز بیشتر است، اما در امر اجراء، ما نسبت به گذشته روند صعودی بسیار خوبی داشته‌ایم. هر چند اهتمام ما به مطلق کل بیشتر در کتب بوده نه کتبیت اما به هر حال آثار فراوانی احیا شده و گروه‌های متعددی نیز برای احیای مجموعه‌های بزرگ دست به کار شده‌اند که امید می‌رود در چند سال آینده شمار زیادی از آثار مهم اسلامی که تا به حال در میان نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف متروک بوده به صورتی آبرومند تحقق و چاپ شوند.

عرضه نسخه خطی هم از طرف کتابخانه‌ها با مواج کفتری روبه‌روست، حتی مرکزی به نام مرکز احیاء میراث اسلامی در قم تأسیس شده که کار آن نسخه‌های به‌مقتضای اطلاع‌رسانی است، ولی در کل، محققان از سختی‌های رسیدن به نسخه خطی بیشتر می‌گویند تا آسانی‌های آن. حتی گاهی متأسفانه به گوش می‌رسد که نسخه‌ای از کفوری خارجی آستان قدس شده تا در داخل ایران. شما اولین تولیدکنندگان کتاب‌های الکترونیکی بوده‌اید آیا در این زمینه حمایتی هم شده‌اید؟ اکنون روند این کار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟



امیدی می‌رود در چند سال آینده شمار زیادی از آثار مهم اسلامی که تا به حال در میان نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف متروک بوده به صورتی آبرومند تحقق و چاپ شوند

از یازده برنامۀ تولیدی نرم‌افزاری که داشتیم نه نانی در ارتباط مستقیم با کتاب بود، پنج برنامه را رونق بازار کریم (فرمانی قابل‌تعمارف همد شعوی، شوق فارسی، فهرس، مؤلفات سیاسی بصری اولی) بازار پرآرزش، بدون قانون بختان از حمایت کرد که محور شدیم تولیدی نرم‌افزارها را که از جمله آنها نرم‌افزار اجازات و فهرس (نسخه دوم) بود متوقف شد، اگر هم منظورگان از حمایت گرفت وام است که باید چند برابر آن را پرداخت کرد. حمایت شدیم و حمایت هم نمی‌خواهیم، بزرگترین حمایت از یک ناشر نرم‌افزاری آن است که محصول او میوه باشد و مسیر طبیعی خود را به‌طور سالم پیشه‌یابد که اگر از جهت فنی و تجاری قابل عرضه است، به تولید انبوه برسد، اما متأسفانه با فناوری پیچیده، خرید انبوه محصول ما سختی آن می‌باشد، فاصله فرسنگ ما است.

مهمترین برنامه نرم‌افزاری در دست تولید شما چیست؟ درباره آن توضیح دهید.

برنامه آست که احتمالاً با نام دفترستگار عرضه می‌شود. اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی بیش از یکصد کتابخانه داخلی و خارجی است با قدرت جست‌وجو در تمامی کتب و در کتابک متنوع از جمله درج کلبه اطلاعات مورد نظر در فایل متنی یا Word بدون احتیاج به تایپ مجدد که این کار برای دفترستگار نسخه‌های خطی بسیار مهم است. اکنون اطلاعات نسخه‌های خطی حدود هفتاد کتابخانه در بانک داده و در میان آن کتب، کتب خطی و دینی در سراسر کشور که قابل تصحیح شده نسخه‌های خود را به زبان فارسی یا عربی داشته باشند، جهت درج در برنامه استقبال می‌کنیم.



کتابشناسی

کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی دانشگاه امام صادق(ع)

نمونه‌ای حرفه‌ای و کاربردی

است.

همچین تعداد ۹ بانک اطلاعاتی به صورت پورته مانند Emerald Jstor Proquest dissertations ۵۰۰۰ Proquest ۳۳۳۳۳۳۳۳ در این کتابخانه در حال حاضر در فضای به وسعت ۲۴۰ متر مربع، خدمات گسترده و مفیدی را به اعضای هیأت علمی، دانشجویمان و دیگر مراجعان ارائه می‌کند.

ساختار سازمانی کتابخانه

بخش‌های مختلف کتابخانه علاوه بر حوزه مدیریت عبارتند از: تأمین منابع اطلاعاتی، سازماندهی منابع اطلاعاتی، اطلاع‌رسانی، امور رایانه، دبیری و نشریات و خدمات عمومی مثل مخزن، آرشيو، صحافی، مرجع، نوارخانه و سان مطالعه.

تأمین منابع اطلاعاتی

بخش تأمین منابع اطلاعاتی، مسؤولیت تهیه منابع شامل کتاب، نشریه، بانک‌های اطلاعاتی و مواد سمعی و بصری را بر عهده دارد. برنامه ریزی در خصوص نحوه تخصیص بودجه تأمین منابع اطلاعاتی با توجه به فعالیت‌ها و برنامه‌های گروه‌های آموزشی، مرکز تحقیقات و کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی و همچنین تهیه سازی منابع اطلاعاتی موجود (کمی) کیفی و تصویب رویه‌های تأمین منابع بر عهده شورای انتخاب منابع اطلاعاتی است. بنابراین تأمین منابع کتابخانه با توجه به سیاست‌ها و خطی مثنی مضموب شورای مزبور است.

سازماندهی منابع اطلاعاتی

وظیفه فهرست‌نویسی ورده بندی، چکیده‌نویسی، نمایه‌سازی، آماده‌سازی و ذخیره اطلاعات کتابشناسی در خصوص کلبه مواد اطلاعاتی موجود در کتابخانه مرکزی از قبیل کتاب، مجله، پایان‌نامه، دیسک‌های فشرده و سایر موارد بر عهده واحد سازماندهی منابع اطلاعاتی است.

کتاب‌های کتابخانه دانشگاه امام صادق(ع) بر اساس رده‌بندی کتابخانه تکروه آمریکا(کتابخانه) با استفاده از منابع چاپی و الکترونیکی انجام گرفته است. اطلاعات کتابشناسی منابع اطلاعاتی در پایگاه‌های مختلف نرم‌افزاری سیرغ افم از پایگاه کتاب‌های فارسی و عربی، کتاب‌های لاتین، پایان‌نامه، مجلات فارسی و عربی، مجلات لاتین و... ذخیره و پس از پردازش از طریق شبکه محلی و اینترنت قابل بازیابی می‌گردد.

واحد اطلاع‌رسانی

گردآوری و اشاعه اطلاعات به مراجعان و کاربران در زمینه رفته‌های موجود در دانشگاه و برقراری ارتباط مستقیم با پایگاه‌های اطلاعاتی دیگر که به صورت پیوسته (online) و یا گسسته (offline) و وظایف واحد اطلاع‌رسانی است.

در حال حاضر بیش از ۹۰ عنوان از مهمترین پایگاه‌های اطلاعاتی به صورت گسسته قابل استفاده

است. همچنین تعداد ۹ بانک اطلاعاتی به صورت پورته مانند Emerald Jstor Proquest dissertations ۵۰۰۰ Proquest ۳۳۳۳۳۳۳۳ در این کتابخانه در حال حاضر در فضای به وسعت ۲۴۰ متر مربع، خدمات گسترده و مفیدی را به اعضای هیأت علمی، دانشجویمان و دیگر مراجعان ارائه می‌کند.

بخش دبیری و نشریات

راه‌اندازی این بخش با هدف ارتقای کیفیت آموزش و تقویت جریان پژوهش محور کردن آموزش‌ها انجام گرفته است. مسؤول این بخش فعالیت‌هایی نظیر تولید نرم‌افزارهای آموزشی و ارائه خدمات و تجهیزات دبیری و نشریات و در نهایت تشکیل بانک قوی از تولیدات صوتی و تصویری به‌ویژه کتاب و نشر الکترونیکی و ارائه اهداف این بخش برای نگهداری و آمات دهی کتاب‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی به مراجعان می‌باشد. افراد

مخزن

بخش مخزن از دو قسمت امانت و مرجع تشکیل شده است. بخش امانت، محلی برای نگهداری و آمانت دهی کتاب‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی به مراجعان می‌باشد. افراد

پس از حصول در کتابخانه می‌تواند با رعایت قرآین بخش امانت، از منابع استفاده کند.

منابع بخشی مرجع فقط در محل قابل استفاده هستند. اما تکی و تکثیر از آنها امکان پذیر است. این منبع شامل واژه‌نامه‌ها، دایرة المعارف، و دستنامه‌ها، راهنماها و... می‌باشد. همچنین پایان‌نامه‌های دانش‌آموزگاران دانشگاه در این بخش نگهداری می‌شود. در حال حاضر بیش از ۱۳۸۷ عنوان پایان‌نامه در بخش مرجع کتابخانه وجود دارد.

آرشيو

مهمترین کار این قسمت، گردآوری نشریات و ارائه خدمات مربوط به آنها است. این خدمات عبارتند از: گردآوری، ثبت، فهرست‌نویسی، آماده‌سازی مجلات و روزنامه‌ها برای مراجعان و همچنین ارائه خدمات مرجع در این زمینه و تکثیر مجلات و روزنامه‌ها.

نشریات جاری در قفسه‌های نشریات سالن مطالعه مرکز استاد قرار دارد و روزنامه‌ها، روزانه بعد از آماده‌سازی، برای مطالعه به تالار مطالعه منتقل می‌شوند. شماره‌های قبلی نشریات نیز در این مرکز

کتاب

حقوق اهل کتاب

حقوق اهل کتاب و چگونگی روابط مسلمانان با آن در قرآن عنوان کلی است. از سببی احسنی که به تلازمی مرکز اشتادات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خسینی آن را منتشر کرده است. کتاب مزبور از سه بخش اصلی تشکیل شده است: در بخش اول به بیان کلیاتی در باب شناسایی موضوع و تاریخچه آن پرداخته شده است. فصل اول این بخش به بیان تاریخچه و سیر تاریخی موضوع میان اقوام و ادیان گذشته پرداخته است و بیعت دوم این فصل روگای جامع اسلامی را که به نوعی با موضوع در ارتباط، بیان کرده است و در ضمن، سیر تاریخی گروه‌های دربار حقوق اهل کتاب در جامعه اسلامی ارائه می‌دهد. فصل دوم به شناسایی اهل کتاب پرداخته است و درباره خصوص این عنوان‌ها بررسی کرده است و حتی به گروه‌های خارج از این عنوان نیز اشاره کرده و در ضمن عنوان قرآنی اهل کتاب را مورد بحث قرار داده و پس از شناسایی اهل کتاب، به تقسیم آنها اشاره کرده است.

بخش دوم کتاب، شامل مباحث حقوقی اهل کتاب بر اساس قرآن است. در فصل اول، با اشاره‌ای اجمالی به معنای حق و حقوق، مقصود از حقوق در این کتاب روشن شده و در بیعت دوم این فصل، به عهد و پیمان از نظر اسلامی پرداخته شده است و ارزش قراردادها مورد بررسی قرار گرفته است. در فصل سوم، جن معاذین را بررسی کرده و در فصل چهارم که شاید مهمترین فصل این کتاب باشد، به حقوق اهل ذمه و شرایط ذمه و همچنین مباحث مربوط به جزیه و... اشاره شده است. در بخش پنجم، چگونگی روابط میان مسلمانان و اهل کتاب تبیین شده است. در فصل اول این بخش، قواعد حاکم بر روابط از دیدگاه قرآن آمده است و در فصل دوم، روابط مختلف سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و... مورد بحث قرار گرفته است. در خامنه نیز نتیجه و نتیجه مباحث مطرح شده است. کتاب حقوق اهل کتاب در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و به قیمت ۱۱۵۰۰ ریال و در بازار نشر شده است.

نگهداری می‌شوند که امکان تکثیر از آنها وجود دارد. کلیه دانشجویمان می‌توانند برای مطالعه آزاد خود و همچنین مطالعه روزنامه‌های جاری از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۳ از این قسمت استفاده کنند. این قسمت در ایام امتحانات به صورت شبانه‌روزی باز است. تکثیر و صحافی و نوارخانه از دیگر واحدهای کتابخانه دانشگاه امام صادق است که در آنها تکثیر و صحافی منابع چاپی و نگهداری از لوح‌های فشرده، نوارهای صوتی و فیلم مراجعان قرار می‌گیرد.

تفکاهی به امل منابع کتابخانه

کتاب‌های فارسی و عربی؛ ۷۵۵۳۶۱ جلد (۲۷۹۶۲ عنوان)



کتاب‌های لاتین ۲۰۲۰۷ جلد (۱۳۸۸۱ عنوان)
نشریات فارسی و عربی جاری ۳۰۰ عنوان
نشریات فارسی و عربی موجود در آرشيو (۵۵۵ عنوان)

نشریات لاتین موجود در آرشيو (۲۹۱ عنوان)
پایگاه‌های اطلاعاتی پیوسته ۹ پایگاه
پایگاه‌های اطلاعاتی گسسته ۴۳ پایگاه
گزارش ما ۵۳۳۱ عنوان

روزنامه‌های جاری ۴۱ عنوان
روزنامه‌های گذشته ۵۰ عنوان
پایان‌نامه‌ها، ۱۴۰ عنوان
فيلم ۱۲۵۵ حلقه
لوح فشرده ۲۴۰ حلقه
نوارهای کاست ۲۰۰۰ حلقه

کتاب‌های چاپ سنگی ۳۳۵ نسخه
ساعت کار کتابخانه دانشگاه امام صادق(ع) از شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۸:۱۳۳۰ - ۱۳:۳۰ و پنجشنبه‌ها و جمعه‌ها ۸:۱۳۳۰ - ۱۳:۳۰ و دانشگاه امام صادق و کتابخانه آن در تهران، بزرگراه شهید چمران، دبیر مطبوعاتی واقع است.





امیرحسین شرافت

از گنجینه متون فارسی

کفت وگو یا **دکتر محمود عابدی: پژوهشگر و مؤلف**

دکتر محمود عابدی در سال ۱۳۳۳ متولد شد. لیسانس زبان و ادبیات فارسی را از دانشگاه امصفتان و کارشناسی ارشد و دکتریش را از دانشگاه تهران گرفت و اکنون بالغ بر بیست سال است که در دانشگاه تربیت معلم تهریس می‌کند. از تألیفات مهم وی چند عنوان از متون عبری است که چاپ شده‌اند. از جمله متونی که با تصحیح و تحقیق او منتشر شده است: نجات الانس جامی است که به همت سزولان مؤسسه اطلاعات به طبع رسیده است. به‌تازگی نیز کتاب *کشف‌المحجوب* مجبوری با تحقیق و تصحیح وی توسط انتشارات سروش منتشر شده است. به این بهانه فرصتی دست داد تا به‌کفت و گو درباره یکی دیگر از متون صوفیانه این سرزمین پیراژیم.

اهمیت و جایگاه کشف‌المحجوب و مجبوری در متون صوفیانه چیست؟

کشف‌المحجوب از آثار قرن پنجم است و نخستین کتاب شناخته‌شده‌ای است که در زبان فارسی در موضوع تصوف نوشته شده است. شرح تعریف مستملی بخاری تنها متن صوفیانه‌ای است که پیش از آن و در ترجمه و بسط‌التعرف کلابادی نوشته شده است. تألیف و تکمیل کشف‌المحجوب را ابوالحسن علی بن عثمان مجبوری در حدود سال ۳۷۰هجری به پایان برده است. این کتاب امروز‌برای ما از جنبه‌های مختلف اهمیت وارزش دارد. از جمله آن‌ا ارزش‌ها مقام بی‌مانندی است که در میان مجموعه متون صوفیه دارد، چراکه در بعضی از موضوعات مانند آیین خرقه و خرقه‌پوشی، ملامت و ملامت‌نا، معرفی و گزارش احوال گروهی از صوفیان قرن پنجم و فرقه‌ها و گروههای فکری مختلف صوفیه منبغی منحصرا است و از این گذشته در توجه و توسیه اکید به فهم و کشف حقایق دین و اعمال عبادی و آداب دینی و شرح بسیاری از عناصر خاص فرهنگ تصوف و به‌خصوص عناصر مطرح و مورد بحث در روزگار مؤلف، سخناتی دارد که آنها را در کتاب دیگری نمی‌توان یافت. از طرف دیگر، چون مجبوری بیشتر ایام عمر خود را در سفر گذرانده است، بخش اعظم جهان اسلام آن روز را دیده و مشاهدات و خاطرات خود را از جاهای مختلف و دیدار با مشایخ، در کتاب آورده است و این مسأله به محقق امروز امکان می‌دهد که بتواند گستره تصوف آن روز را درفاید و از شرقی‌ترین نقطه یعنی ترکستان آن روز تا ترکستان امروز که به گفته خود سرحد اسلام، تا شلم و بغداد را این صوفی سیاح سیر کند و متلاذریک شاحمد حمادی سرخسی را ببیند که با همه احزما می‌ک داشت همه عمر را مجرد زیست و وقتی از او دراین باب پرسیدند گفت: من نفس خود را همان رام کرده‌ام که اگر وقتی فرص‌ثانی بپیشم مانند آن است که هزار خود را دیده باشم رده. و هم در نواحی بغداد پیران صلاح را دریابید و در آن سامان و اطراف دمشق به خودیان ببینیدش.

کشف‌المحجوب مجبوری از چه اهمیت و جایگاهی در متون فارسی برخوردار است؟

کشف‌المحجوب، در میان متون فارسی جایگاه ارجحیتی دارد و ارزش‌هایی آن گونه‌گون است، از جمله آنها می‌توان به فولاد زبانی و عناصر فرهنگی و تربیتی اشاره کرد.

این کتاب، به‌خصوص در بخش‌هایی که مؤلف در آن تأیید سخن خود، حکایت یا حکایات‌هایی را گزارش می‌کند و طبغابزبانان به زبان محاوره و گفت‌وگو نزدیک می‌شود و بسیاری را وژاده‌ها و حاصه‌های زبانی دوره‌ای و ناحیه‌ای را در خود دارد. از جانب دیگر در زبان فارسی نخستین کتابی است که مؤلف جمع قائل ملاحظاتی کرده‌اند. اصطلاحات تصوف را به فارسی تعریف کرده و توضیح داده است. در آنجا معنای کتاب در برابر گفت‌اف عربی، معادل‌هایی از واژه‌های فارسی سیلازه و پیروان او این نظر کتاب او گنجینه‌ای از واژگان عصری است و در رسیدن به تاریخ زبان فارسی، بی‌تردید از منابع بسیار مهم به‌شمار می‌آید.

ما عناصر فرهنگی و تربیتی؛ این کتاب مستقیم و غیرمستقیم ستایشنامه یکتی و راستی می‌نماید و استغنا، قناعت و ممانعت طبع و مجموعه‌های از خصلت‌هایی است که بزرگان و پیروان قوم بر آنها پای می‌فشرده‌اند و ادبیات

ما انسان‌ها را به آنها می‌خواند. به‌عنوان نمونه به این دو گزارش کوتاه حکایت وار توجه فرمایید:
وقتی در خدمت شیخ خود می‌رفتم اندر دیار آذربایگان، مُرغقه‌داری دوسه دیدم که بر سر خرمن‌کندم ایستاده بودند و دامن‌های مُرغقه پیش کرده تا مردم بزرگ‌کندم در آن آنگند. شیخ بدان گفتا کرد: خود، اولنگ‌الذین اشتر و الضلاله‌البهیدی… گفتم: ایهاالشیخ! ایشان به چه بی‌حرمتی به این مبتلا گشتند. بر سر خلائق قضیحت شدند؟! فرمود: که پیروان ایشان را حرص مرید جمع کردن است و ایشان را حرص دینار جمع کردن است. و حرصی از حرصی اولی تو نیست…»

و در جایی دیگر:

اشیخ ابوظاهر حرمی، روزی بر خری نشسته بود و مریدی از آن وی عنان خروی گرفته بود، الدربازار همی رفت، یکی آواز داد که: «آن پیرانذیق آمده‌‌ام مرید چون آن سخن شنیدند از غیر ارادت خود رنج آن مرد کرد، و اصل بازار نیز جمله بشویدند. شیخ گفت: مرید را! اگر خاموش باشی، من تو را چیزی آموزم که از این سخن بازویی.» مرید خاموش بود، چون به خاتمه خود باز رفتند، این مردی را آن گفت: «آن صدوق بپاره چون بیاورد، دروزه (بیست‌نامه نام بیرون گرفت و پیش وی

اما عناصر فرهنگی و تربیتی:

این کتاب مستقیم و غیرمستقیم ستایشنامه پاک‌ی و راستی، بی نیازی و استغنا، قناعت و ممانعت طبع و مجموعه ای از

خصلت‌هایی است که بزرگان و

پیروان قوم بر آنها پای می‌فشرده‌اند و ادبیات ما انسان‌ها را به آنها می‌خواند

افکند. گفت: نگاه کن، از همه کنی به من نامه‌هاست که فرستاده‌اند، یکی مخاطبه شیخ اما کرده است و یکی شیخ زکی، و یکی شیخ زاهد، و یکی شیخ الحرمین، و این همه القاب است. ندانستم، و من این همه نیتتم. هر کس بر حسب اعتقاد خود سخنی گفته‌اند، و مرا القی نهاده‌اند. اگر آن بپنجاه نیز بر حسب عقیدت خود سخنی گفت و مرا القی نهاد، این همه خصومت چرا لگنجی؟»

برای نمونه دیگر خوب است بخشی مربوط به آداب صحبت را ملاحظه بفرمایید تا ببینید چه دقیق‌ترینی در آن خواهید یافت. خوب این کتاب گزارشی از تاریخ فرهنگ ماست و اصولاً متون گذشته ما هر یک به تناسب قدمت و اصالت و پیوندشان با فرهنگ ملی ما سندی از تاریخ ما هستند. تاریخ چه ارزشی دارد؟ دست کم یکی از فولاد غیر قابل انکار آن برای میراث بردن خودمندان این است که می‌توانند با مطالعه و بررسی آن به زندگی و احوال گذشتگان خود و قوف پایند و پشنه‌هایی ملود را بیاشناسند و از این آگاهی درست از گذشته، حال را و وسایل پیرامون خود را درایند، تجلیل کنند، علت‌های وقایع را کشف کنند و به این وسیله آنچه را که در آینده احتمال وقوع آن می‌رود، پیش‌بینی کنند. به این ترتیب می‌بیند که آنچه از گذشته باقی مانده است،

آینه عبرت و معلم خاموشی است. به ماست که غبار کهنگی و ماندگی را از چهره این آینه بزایمید و بارغبنی که در جویدنگان و طالبان هست، آن را گویا کنیم، این گوشه‌ای از اهمیت متون و آثار فرهنگی مادگذار گذشته و از جمله کشف‌المحجوب است.

ظواهر آبا بر آنچه از متن کشف‌المحجوب به دست می‌آید،

مجبوری تألیفات دیگری هم داشته است. دستاورد تخصصی شما در این زمینه چه بوده است؟ همان‌طور که گفتند اطلاعات ما درباره زندگی و احوال و آثار مجبوری از همین کشف‌المحجوب او برمی‌آید، و ظاهر آخرین نوشته او هم کشف‌المحجوب باشد. او در ضمن این کتاب، به کتاب‌ها و رساله‌های اشاره می‌کند که در زمان‌ها و احوال متفاوت نوشته بوده است. ما در جای خود، یعنی مقدمه کتاب، اطلاعاتی در باره او آورده‌ایم و با همه سخت‌گنجاشناسی نشانه‌ای از آنها به دست نیارده‌ایم و منابع کجانشناسی هم هیچ‌گونه اطلاعی از این آثار به دست نمی‌دهند. ممکن است که در طول زمان و در اثر حوادث، از میان رفته باشند، یا اینکه علاقه‌مندان به تصوف و آثار صوفیانه با وجود کشف‌المحجوب از نوشتن و دانشن آن رساله‌ها خود را بی‌نیاز دیده باشند.

مجبوری در تألیف کشف‌المحجوب نا چه میزان به منابع اولیه تصوف اسلامی مستقیم داشته و تألیف دیگری از کتاب‌های مانند اللع، طبقات الصوفیة و رساله قشیری به چه اندازه است؟

کتاب‌هایی را که نام بردید، بی‌تردید در روزگار مجبوری و در عراسان بزرگ مهم‌ترین منابع تصوف بوده‌اند و تا امروز هم آثار مهم و در تصوف اسلامی کم‌ظهورند، با این‌اگر مجبوری در آن روزگار، یعنی قرن پنجم، در تألیف کتاب خود که بخشی از آن درباره ترجمه حال و اقوال مشایخ متقدم است. از این منابع استفاده نمی‌کرد، نمی‌توانیم کما یوروبود، چراکه، آنجا که ما می‌دانیم، نمی‌توانست چالش‌های برای آنها بیابد. لطف کار او در این است که هم از آنها استفاده کرده‌وم در تنظیم مطالب کتاب خود طریح به کار بسته است که نتیجه کارش در کنار آثار مهم آن‌روز و سال‌های سال پس از آن قرار گیرد و ضمناً حاوی عناصری از تصوف اسلامی و صوفیه عراسان باشد. که تحقیق این‌اگر دیگری نمی‌توان سراغ گرفت، اما رابطه کشف‌المحجوب با اللع (تألیف ابوالعمر سراج طوسی، م: ۳۷۸، طبقات الصوفیة (تألیف ابوعلی‌احمد سلمی، م: ۴۱۴) و رساله قشیری (تألیف ابوالقاسم قشیری، م: ۴۶۵) به گونه‌های متفاوتی است، و بخش‌هایی مانند ذکر بزرگان و پیشوایان دینی، الفاظ خاص و مصطلحات تصوفی، بی‌تردید به منبع توجه شده‌است و در گزارش احوال و سخنان شماری از مشایخ، طبقات‌الصوفیة و رساله قشیری را می‌دیده و اقوال آن بزرگان را از آنها گرفته است. از این گذشته در ابوابی که موضوعشان مشترک است، چون ولایت، محبت، مشاهدت و سماع و مانند آنها بیوند کشف‌المحجوب با رساله قشیری آشکار است. در تعلیقات کتاب میزان این ارتباط و مشابهت نشان داده شده است.

با توجه به اینکه کشف‌المحجوب نخستین کتابی است که در تصوف و به زبان فارسی نوشته شده، مجبوری در تألیف آن از چه منابع و ماخذی استفاده کرده است؟ چنانکه از کشف‌المحجوب می‌توان دریافت، مجبوری مانند صوفیان سیاح آن‌روز کار برده و سنت



اهل تصوف، دیدار مشایخ را بزرگ‌ترین سنت می‌دانست و در سفرهای که داشت و اتفاقاً سال‌هایی از عمر او را گرفت، از تعالیم آنها بهره‌ها یافت. گذشته از این سفرها و دیدارهای زیارتی که احوال و خاطرات گفتنی عبرت‌آموزی را برای او به‌وجود آورد و توانست با نقل آنها در جای‌جای کتاب خود، سلامت و لطف خاصی به سخن خود درآید، خود آموخته‌که از تفسیر و حدیث و لغت و تاریخ نیز سرمایه‌ای اندوخته بود. این سرمایه تحصیلی و صاحب‌رأیی باشد. دهگانه به کشف‌المحجوب نشان می‌دهد که بخش اعظم آن از این خاطرات و اطلاعات است و دواوری‌های غالباً مفاصله‌ای آنجا سرچشمه گرفته است. بخش دیگری به ترجمه مشایخ و سخنان آنان و حکایات (نهدرت) تاریخی، یبسی و صوفیان است و به ضرورت مستند و مبتنی بر کتبی است که پیش از وی نوشته شده‌اند.

شمار کتابی که پیش از مجبوری در این باب نوشته‌اند و احتمالاً او از آنها استفاده کرده است و ما امروز آنها را می‌شناسیم، چندان زیاد نیست و بنا به اهم آنها پیش از این اشاره کردیم. دیگر آثاری که در آن رساله سال‌ها در اختیار داشته و احیاناً مطالبی را از آنها آورده است، مانند بعضی از آثار ابوعلی‌احمد سلمی است که او از آنها نیز خبری ندانیم و البته خود او نیز تذکری از آنها به میان نیاروده است. در چند جای کتاب از حکایات عراقیان یاد می‌کند، ما احتمال می‌دهیم که مقصود از کتاب یا کتاب‌های جعفر خلدی (م: ۳۸۶) فرقت‌خدا او این مسأله چیست؟

برخی معققدند مجبوری با تألیف کشف‌المحجوب بر آن بود که با استفاده از کارهای پیشروان خود، طرح جامعی از نظام تصوف عرضه کند و مجموعه عناصری را که برای عواسه لزوم می‌دید طرح و شرح کند. در لفت‌خدا او این مسأله چیست؟ به‌لنمکن است چنین احتمالی به خاطر خواننده برسد. اما به نظر می‌رسد که این سخن درباره رساله قشیری بیشتر صادق کند. تحقیق این است که این مؤلفان از جنبه در آن روز، بر اقتضای نیازی که در علاقه‌مندان و طالبان این نوع معارف می‌دیدند، و پرسش‌هایی که احیاناً از پیران‌ایمان دریافت می‌کردند، به تألیف کتاب می‌پرداختند و دایمه‌اسامی و مشترک آنها هم از طرح چندامه ساده بیرون نپدید نخست و مهتر از همه این بود که می‌خواستند با تطبیق اصول تصوف و آداب صوفیان با واقعیت‌های آن زمان و دست‌رس‌های، نشان دهند که طریقت‌عین‌شیرعت است. این اصول عمودا پیش از آنها طرح شده بود و بسیاری از آداب خاتمه‌یاب نیز به تدریج و در طول سال‌ها پاینده‌آمده و بیشتر متلج هم آنها را تأیید کرده و رسمیت داده بودند.

دیگر نقد، فشار و گفتار بعضی از صوفیان و به گفته مؤلف مدعیان بود که با گسترش یافتن فلسف و تصوف و نفوذ و شیوع در میان اقوام، نوعی بدعت و امری نوپایند تلقی می‌شود. گاهی موضوع روز و زیارت‌فرد بود، وقتی مقدمه رساله قشیری را ملاحظه می‌فرمایید، به خوبی اسیان‌امام‌های رامن توانید ببینید که برای عموم مسلمانان در رساله‌نامه‌ها رامن سپید و

دره‌مندان به سرالیات حتی حق که خود دریافته است و نفی باطلی که به گفته او شیوع یافته است.
در کشف المحجوب هم در بسیاری از مواضع کتاب می توان مخاطب نویسنده و ادمعی و متکبری دید که مؤلف در ورای چهوه آرام کتاب با او بر سر قیل و قال است. البته در اینجا سخن دیگری هم هست و انفاً نسته اصله و مرکزی کتاب را هم همان ساخته است و آن اهتمام مؤلف بر آگاه کردن خواننده از حقایق پنهان و معانی بعضی از اصول و فروع دین است؛ چیزی که پیش از او بعضی از بزرگان دین و مشایخ صوفیه نیز در آن اشراقی داشته اند، اما در این باره دین تأکید بیشتری بدان زوریده و کتاب خود را هم به همین دلیل کشف المحجوب نامیده است.

با توجه به اینکه کشف المحجوب از آثار تلمیح صوفیه

و معاصر به دوره نخستین اثر است. نظر می رود که از نمونه‌های روشن تر قرن پنجم باشد، اما از همه پایکی و دلآلی و زیبایی‌های منحصر خود، چنانچه در بعضی از بخش‌های کتاب نیز چنین است، به نظر می رسد که خواننده گاهی آن را با قابوسنامه، سفرنامه و مانند آنها متفاوت می بیند. عوامل چنین برداشتی از نظر شما چیست؟

کشف المحجوب از آثار قرن پنجم هجری است در اثر نرسول. نویسنده در این دوره جزو بدیع‌الشریعه و دانش خود مجتبی را نمی نوید. او دانشش بعد. بیشتر این آثار به صورتی نوشته شده‌اند که خواننده به بهترین وجه و تصافه آنها را دریابد.
نثر فارسی در این دوره روشنی و دلآلی خاصی دارد. هنوز با کلمات عربی درمیاخته است و به دست آیین و نشان درباری نویسنده است. از نمونه‌های خوب و مشهور آن قابوسنامه و سفرنامه است. قابوسیه کتب یاد شده، نه در زبان پاره و سنبلدانه(م) و دلایه که قابوسنامه است. عناصر اصلی کتب است.
نویسنده نیز بزرگان خاندان زبانی برای فرزندش گذاشته نوشته است. اطلاعاتی را که به نظر او بر هر امر از راه ای لازم است، به وی می‌دهد. در آثار خود سرفرازان حاضر است. کتب خود است.

در اختیار خواننده فارسی زبان قرار دهد. از این رو زبان هر دو کتاب، به تمامه معنی پاک و بی‌پرده است.

و روشن و روان. بگونه هیچگونه آلودگی که ذهن خواننده را از توجه و وسوسیان به معنی باز دارد.

کشف المحجوب هم ظاهر ای را جواب داده به بعضی اسوزالات عمومی جوان. مضموی او باو معنی محجوبی نوشته شده است. ظاهر اسوزالاتی از کتب های آن دوره خطاب به مرید و مرشد های جوان آغاز می شوند. باینراں قاعدتاً می بایست که نثر ساده باشد و البته در بیشتر کتاب هم چنین است. اما گاهی به سبب موضوعی خاص و خاصیت موضوع، مؤلف خود را ناگزیر می بیند که مطرح سخن متکران به سوالات مفرد آنان هم پاسخ بگوید. اما مطلب را به گونه ای عرضه کند که از نظر عمو را هر گونه متافیه ای نبوده. در اینجا به ناچار سخن در پیج و تاب استلا و جدل به گونه ای دیگر می رود. چنانکه مجتبی را مانند منتسلی بخاری در گروه عالمین متکلم قرار می دهد. نه چون نویسندگان روضه القرقرین و روح الامواج اهل ذوق و مهال که گاهی با عبارتی خواننده را از حالی به حالی و از حالتی به حالتی می برد.

در ارتباط با حاشیه‌ها، ترجمه‌ها و چاپ های کشف المحجوب نیز توضیح می دهیم؟

کشف المحجوب را در حرمان بزرگ ترکیستان و ماوراءالنهر (قزوین) بیشتر از نوا سلی دیگر قلمرو زبان فارسی می خوانده اند و بر تعداد همان سال‌های پس از تأریف در دست خوانندگان و علاقه‌مندان بوده است. اما نخستین حضور آن را از آثار مولفان، دو تذکره الاربابی عطار و مفلوطات نظام الدین اولیا (م. ۶۶۲) می بینیم. نوشته های محمد باقری با سرای بخاری (م. ۸۳۳) از بزرگان نقشبندیه، نشان می دهد که در آن سال‌ها این کتاب همراجه خوانندگان و مولفان بوده است. دست نوشته‌های موجود و متعلق به این سال‌ها نیز قابل ملاحظه است. اما در حوزه‌های تصوف غرب جهان اسلام چندان حضور آشکار ندارد و به همین دلیل هم به خلاف تذکره الاربابی منسوب به عطار به زبان عربی ترجمه نشده است. به عنوان جمله معترضه عرض

کم که تذکره الاربابی. در فاصله قرن هشتم تا اوایل قرن نهم، به عربی برگردانده شده و در حال حاضر از آن نسخه‌ای در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

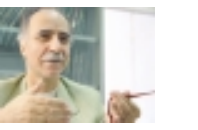
در قرن یازدهم عبدالقفر نمانی از صوفیان فارسی که گویا کشف المحجوب را عربی می کرده، بر بعضی از عبارات آن تعلیقاتی نوشته است که نسخه‌ای از آن در پاکستان موجود است. نوع سخنان او نشان می دهد که نمی‌خواسته است مبهمات و مشکلات کتاب را برای خواننده روشن کند یا او را از ارزش های کتاب آگاه کند، بلکه غالباً سخنان او در باب بخش‌های است که آنها را محل ایراد و خرده‌گیری می دیده است.

کشف المحجوب به وسيله یونس لیسن تصوف شناس نامدار (۱۸۹۵-۱۹۶۵) به سال ۱۹۷۱ ترجمه شده. این ترجمه در سال ۱۹۲۳ برای بار دوم به طبع رسیده است. به زبان عربی هم دو بار آن اثر ترجمه کرده‌اند که بار دوم به همت خاتم دکتر اسماعیل‌الهدای تبدیل محقق فاضل مصری انجام گرفته است. این ترجمه با مقدمه‌ای مفصل و تحقیقاتی در باب هجویری و نوشته او همراه است و در سال ۱۹۸۰ به چاپ دوم رسیده است.

نثر کتاب نیز بارها چاپ شده است. از جمله در ۱۷ لاهور (۱۸۹۳ هجری قمری (۱۷۷۲ میلادی) ناشرشک، ۱۳۳۰ (۱۹۱۲) و ایران، بهترین چاپ آن همان است که زرکوفسکی (م. ۱۹۱۸)، مدرس زبان فارسی در سن بطرزبورگ، به سال ۱۹۰۵ تصحیح کرده و پس از گذشت او در سال ۱۹۲۶ چاپ کرده‌اند. این چاپ در تهران، به همراه مقدمه‌ای از آقای دکتر قاسم نصاری، پرافراغت شده است.

شما در این تحقیق از چه نسخه یا نسخه‌های استفاده کرده‌اید؟

منی که در حال حاضر تقدیم خوانندگان شده است، بر اساس شش نسخه به سامان رسیده و در حقیقت بر



متنی که در حال حاضر تقدیم خوانندگان شده است، بر اساس شش نسخه به سامان رسیده و در حقیقت بر اساس نسخه موجود در کتابخانه
وین است

اساس نسخه موجود در کتابخانه وین است. این نسخه کهن‌ترین و معتبرترین دست نوشته‌ای است که تاکنون از کشف المحجوب می‌شناسیم. پنج نسخه دیگر با نسخه وین تفاوت‌هایی دارند که ما آنها را در نسخه‌ای تغییر یافته معرفی می‌کنیم. برای انتخاب این نسخه‌ها همه دست‌نوشته‌های موجود و دستیاب (بالغ بر ۱۸ نسخه) در پاکستان، ازکستان، فرانسه و ایران دیده شده است.

آیا در این پژوهش مشکل یا مشکلی هم داشدید؟

نمی‌دانم، اگر مشکلی بود گفتنی نیست و اگر مشکلی هست آنها می‌دانند که چنین راهی را رفته باشند.ای کاش مردمی بود که در این نسخه‌ها این استاد فکر و فرهنگ و تاریخ ما را شناسایی می‌کرد و در اختیار طالبان می‌گذاشت. در حال حاضر، تحقیق جدی در باب

متون بازنش و درجه اول، تنها دو مشکل طاقت‌سوز دارد و البته کار بسیار، آن دو مشکل نخست به دست آوردن نسخه‌های موجود است از اینجا و آنجا یا هزار اگر و اما و دیگر مسائل متن دستنویس به چاپ که آن هم قضای سخت و سخت‌تر دارد و دیدنی و ناگفتنی.

چطور شد که تصمیم به تحقیق و تصحیح کشف المحجوب گرفتید، و چه برنده‌هایی بر دست دارید؟
کار محلی بیش از پیش بر این کتاب آشنا کرد. توصیه بعضی از اهل معرفت ملیه دیگری شد. احساس نیاز خوانندگان جوان مرا به کار واداشت. این بود که به سراغ این کار رفتم. امیدوارم در پیشگاه بزرگانی که کارهای بزرگ و انجام‌ناپذیر است، با نظر لطف و حسن قبول تلقی شود. اما بر بنده آینده را خدا می‌داند.

یادداشت

براس تهران



من این دو حرف نوشتم: چنان‌که…

اسرار و رموز اعداد و حروف، نوشته احمد آقامشرفی، تهران، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۳، ۲۷۲ صفحه، مصور.

رموز حروف و اعداد از دیرباز تاکنون، در اعصار مختلف و تمدن‌های مختلف، طرف توجه بوده است. کمتر تمدن باستانی‌ای را می‌توان دید که از تأثیر و نفوذ رموزآسا و جادویی اعداد و حروف، خالی مانده باشد. نظم جهان و آشکاری که در تمام نشوینات عالم است، دلالت بر وجود نظم آمدی و رمزگان «حرفی» می‌کند و دانشمندان از گذشته‌های دور تاکنون، دیری کشف و شرح این رمزها بوده‌اند. در نظر حکیم یونان باستان، فیثاغورث، اعداد، رمزشناسایی وحدت عالم و قدرت خداوند است؛ و حکیم ابویسر فارابی در راهی تحصیل «ساده» می‌نویسد: نخستین چیزهایی که شخص باید در آن به تحقیق بپردازد این است که بحث با علم عدد، یعنی علم حساب آغاز شود.»

توجه به اعداد چنان بوده که موسیقی را نیز از شعب علم ریاضی محسوب می‌دانسته اند(و در کتاب حاضر نیز اشارات متعددی به نقش اعداد در فرمول‌های موسیقی آمده است)؛ به قول مؤلف کتاب: کاربرد اعداد و عدد و ترکیبات و مغایب و ضرایب عددی، به قدری وسیع و عظیم است که در تمام امور روزمره زندگی بشر و علوم و فنون عصر به حد و قوفور به چشم می‌خورد و آنچه آگاهی‌ها و نیازهای روزمره ما را اشباع کرده است، چیزی جز عدد نیست. در نظر اخوان الصفا، علم عدد، ریشه علوم و عنصر حکمت و مبدأ معرفت و اساس معانی است. در قرون گذشته، فرقه‌های «حرفیه» و «نقطویه» و… وجود داشته‌اند که دلالت بر این گرایش تاریخی دارند. کتاب حاضر که با نوعی فوق‌وزری شخصی و بر پایه اسناد و مدارک بسیار فراهم آمده است، به پژوهشی خاص در مورد اعداد و حرف می‌پردازد. گردآورنده، احمد آقامشرفی، در این کار، نظری عینی و بی‌غرض دارد، به ثبت واقعیت‌ها بسنده می‌کند و از تفسیر و توضیح می‌پرهیزد. روش او در گردآوری این مطالب، چندان توضیح داده نشده، ولی تکرش او علمی و بی‌طرفانه است.

کتاب به دو بخش بزرگ تقسیم شده که عبارتند از: اعداد و حروف، در بخش اول، اعداد ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۷ و ۱۲ و ۲۰ شرح شده‌اند. در بخش دوم، حرف الف، ح، د، س، م، ن، و، ی. مؤلف در پیشگفتار آورده است: «اینجانب از میان دریاها «حرف» و آسمان‌ها «عدد»، فقط به همین هفت عدد و هفت حرف بسنده کرده است که این بحر در کوزه است و مشت نمونه خروار و در نقدا و تحلیل‌ها به عهده باورمندان و خبرنگاران است؛ آنچه قابل ذکر است سیر تدریجی و تکاملی و تحقیقی بودن این اثر است و سبک ایجاز و اختصار آن.»

این کتاب با جدول‌های متعدد و تصاویر زیاب، پر بار و قابل توجه است. اما مثل اکثر کتاب‌های مشابه در این زمینه، از فهرست‌های موضوعی و راهنما، در کتاب خبری نیست؛ در حالی که کلید تحقیق و پژوهش برای محققان تنگ حوصله و کم‌وقت معاصر، همین فهرست‌هاست که کار آنها را آسان و سهیل می‌کند و راهنمایی‌شان می‌سازد. کاش مؤلف و گردآورنده محترم، موضوع را به سندی که از آن استفاده کرده، ارجاع می‌داد تا خواننده بداند که کدام حرف از مؤلف است و کدام حرف از مآخذ برداشته شده تا اگر بخرد، نقد قول کند. بداند که کدام را سند و مدرک قرار دهد. کتاب با وضعی چشم‌نواز چاپ شده و از نثری روان و خوشخوان برخوردار است.

کتاب

دیوان مدام دیری

«دیوان مدام دیری» نام مجموعه اشعاروست از سیدعبالقاهر قاهری که انتشارات «سرح» به ناشری راهی بازار کتاب کرده است.

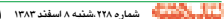
نام مرحوم سیدعبالقاهر قاهری متخلص به مدام دیری شاعر بزرگ خطه جنوب با همه شایستگی‌ها و توانایی‌هایش برای آشکارگان در ادبیات این خطه ناشناخته مانده است؛آن‌ها هم شاعری که از حیث تبحر در شاعری، آشنایی عمیق با موازین ادب فارسی و عربی، تجربه عملی در سیر و سلوک و عرفان اسلامی، آشنایی با تاریخ ادبیات قدیم و تسلط بر آثار شاعران بزرگ ایران سر و گردنی از شاعران دیار جنوب برتر بوده است، در حجابی از گمنامی مورد غفلت واقع شده و دلیل این گمنامی بر هیچکس آشکار نیست. این کتاب با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و بهای ۳۲۰۰ تومان منتشر شده است.

رازگشایی کیمیاگر

رازگشایی کیمیاگر، کلیه‌های برای درک مفاهیم کیمیاگر با ناولو کونولر (گفت‌وگوهای سان ویسچ آبخلیگر و ویسچ شچلوینسکی) بزرگ‌دان ایلیا حریری، تهران، کاروان، ۱۳۸۳.

در آغاز گشایی کیمیاگر که اواخر سال ۲۰۰۱ در کنار کتاب «کیمیاگر» با ناولو کونولر جزء فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌های لیسانس قرار گرفت شامل گفت‌وگوهای است که آبخلیگر، روانکاوش، با چلوینسکی، روزنامه‌نگار و فیلسوف صاحب نام، درباره ایده‌ها، دلنویسه‌ها و احساسات گوناگونی که با ناولو کونولر در کیمیاگر انجام داده است. زبان این کتاب واضح و بدون ابهام و خالی از اصطلاحات تخصصی روانشناسی است.

آبخلیگر و شچلوینسکی در نمادگرایی ظنین‌انداز در کیمیاگر، کندوکاو کرده و ادعا می‌کنند کونولر در کاوش و نگاه کیهانی‌اش به شکلی مسحورکننده به مطالعه روح انسان می‌پردازد. نشر کاروان این کتاب ۱۵۸ صفحه‌ای را در ۲۰۰۰ نسخه به بازار عرضه کرده است.



شماره ۳۸، شماره ۲۱، اسفند ۱۳۸۳

^[1] عدد، ریشه علوم و عنصر حکمت و مبدأ معرفت و اساس معانی است

^[2] در قرون گذشته، فرقه‌های «حرفیه» و «نقطویه» و… وجود داشته‌اند که دلالت بر این گرایش تاریخی دارند

^[3] کتاب حاضر که با نوعی فوق‌وزری شخصی و بر پایه اسناد و مدارک بسیار فراهم آمده است، به پژوهشی خاص در مورد اعداد و حرف می‌پردازد

^[4] گردآورنده، احمد آقامشرفی، در این کار، نظری عینی و بی‌غرض دارد، به ثبت واقعیت‌ها بسنده می‌کند و از تفسیر و توضیح می‌پرهیزد

^[5] روش او

^[6] در

^[7] در

^[8] در

^[9] در

^[10] در

^[11] در

^[12] در

^[13] در

^[14] در

^[15] در

^[16] در

^[17] در

^[18] در

^[19] در

^[20] در

^[21] در

^[22] در

^[23] در

^[24] در

^[25] در


یادداشت
یوسف آل ابراهیم

یادداشتی از دوست جوانم آقای الوند بهاری
به دسترسید که تحلیلی خوب و جانب از یک واقعۀ کوچک در این شهر بزرگ بود. یادداشت او را در ادامه با هم می‌خوانیم ولی پیش از آن باید از الوند بپوش بخواهم که مجبور شدم به سراسر کمبود جا جدول‌ها و نمودارهای که براساس داده‌های آماری‌اش تهیه کرده بود از متن یادداشت حذف کنم.

اخیراً در مؤسسه‌ای از داوطلبان یادگیری فنون ویرایش یک آزمون ورودی گرفته شده‌است. از شرایط داوطلبان، علاوه بر آشنایی لازم با زبان و ادب فارسی و آشنایی کافی با یک زبان خارجی، داشتن حداقل مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های دانشگاهی بوده است. ۷۵ نفر واجد شرایط در این آزمون شرکت کرده‌اند. از این تعداد ۱۷ نفر زن و ۵۸ نفر مرد بودند و ۶۰ نفر مدرک کارشناسی و ۱۵ نفر مدرک کارشناسی ارشد داشتند. ۲۸ درصد در رشته زبان و ادب فارسی، ۲۷ درصد در یکی از زبان‌های خارجی یا رشته مترجمی، ۲۶ درصد در رشته‌های علوم انسانی و ۱۹ درصد در یکی از رشته‌های علوم پایه یا مهندسی تحصیلی کرده‌اند. در یکی از سوالات، که البته درصدهم کوچککی از کل نمره آزمون را داشته است، نام ۱۳۶ دانش‌آموز معروف ذکر شده و از داوطلبان خواسته شده است که نام صاحبان آنها را بنویسند. چنین سوالاتی البته به هیچ وجه معیار مناسبی برای سنجش کتابخوانی یا حتی کتابشناسی افراد نمی‌تواند باشد. مثلاً، عید است که بیشتر کسانی که به حافظه‌شان سپرده‌اند که از یادها را هومر نوشته است، خود کتاب را هم خوانده باشند. سؤال مناسب در این موارد می‌تواند این باشد که اسم رسم کتاب و نویسنده‌اش را به طور کامل ذکر کنند و بعد تکلیفی دربارهٔ موضوع و شکل و محتوا و اهمیت

نتایج یک آزمون

استثمالی آنها بپرسند. در غیر این صورت محفوظاتی که سنجیده می‌شود، چیزی جز معلومات عمومی داوطلبان نخواهد بود. از هم از نوع معلوماتی که تنها به برد مسابقات رادیو نوبلیزومی یا حل جدول‌های متقاطع می‌خورد.
دز هر حال، اگر این سؤال سازمان‌ها معروفیت حضور این آثار و نویسندگان‌شان هم باشد، باز هم آمار پاسخ‌های آن، با توجه به موقعیت تحصیلی و اجتماعی پاسخ‌دهندگان، ممکن است برای خوانندگان کتاب

هفته‌جایب و قایل تأمل باشد.

۱- **شعرا و داوطلبان**

۲- **بیشترین و کمترین پاسخ‌های درست**
کتاب **حسی** در میقاته، آل احمد با ۹۵ و بعد از آن «الیاده» هومر و «موشون» دانشور با ۵۹ پاسخ صحیح بیشترین آمار پاسخ‌های درست را به خود اختصاص داده‌اند. هومس و رامین، فخرالدین اسعد گرگانی یا و «دانشنامه‌هایی» این سبناو مانده‌های زمینی، اندوه زید هر دو با ۲۳ پاسخ صحیح کمترین نسبت پاسخگویی را داشته‌اند.

۳- **تعدادی از پاسخ‌های جالب**
چرند و پرند، جهانزاده، عید زاکانی، جلال آل احمد، جمال میربحاتی،
حسی در میقاته، جلال میرصادقی (۱)
سوزن‌شده، حسین بهبهانی (۳)
آخر شاهنامه، باستانی پاریزی، فروزانفر، زرین کوب، حکیم ابوالقاسم فردوسی (۱)

دروازه دانستن‌ها

معنا و مفهوم دایره‌المعارف نیز مانند بسیاری از مقوله‌ها در طی زمان تغییر کرده است. دایره‌المعارف انواع گوناگون دارد. اما به طور کلی به دو گروه دایره‌المعارف‌های عمومی و دایره‌المعارف‌های تخصصی تقسیم می‌شود. در سالهای اخیر موضوع های دایرهٔ المعارف‌های تخصصی محدود تر و عمق بیشتری پیدا کرده است. البته شاید شیوه نوشتن آنها به گونه‌ای باشد که برای فردی بدون تخصص نیز قابل استفاده باشد. ولی عمدهٔ کارایی آنها موجه کارشناسان یا محققانی است که در آن حوزه‌ها فعالیت دارند. بعضی این مجموعه‌ها موضوع‌های جالب و دیدنی هم می‌حسب و غریب دارند که در غیر حال کاملاً غنمی اثر هستند.

۱- **دایرهٔالمعارف کرم‌های آنتنشانی**
کرم‌های آنتنشان بدون شک از مناظر تماشاایی این جهان به شمار می‌آیند که عظمت، قدرت و زیبایی آنها همواره با ترس و وحشت عجیبی آمیخته است. با وجود اینکه در شناسا آنتنشانی‌ها بیشترت‌های بسیاری صورت گرفته است و دانشمندان با بررسی کاروها اطلاعات ارزشی را به دست آورده‌اند ولی باز هم اسرار

شازده احتجاب، صادق چوبک، جمالزاده، فریدون کلثیری(۱)، سهل محمودی،
مانده های زمینی، آهزی، جلال آل احمد، زان زاک روسو، سیاست‌نامه، خواجه نصیرالدین طوسی، فخر رازی، ملک الشعرای بهار، خواجه عبدالله انصاری و ناصر خسرو.

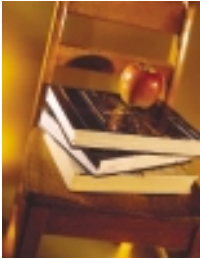
یادداشت الوند را خواندید، نظراتان چیست؟ من کمی با مقدمه‌اش مخالفم و اعتقاد دارم با اینکه سبک

تعداد پاسخ درست	صفر	۱ تا ۴	۵ تا ۸	۹ تا ۱۲	۱۳ تا ۱۶	۱۷ تا ۲۰
فراوانی	۲	۱۴	۲۱	۲۴	۲۲	۲
درصد	۲۷	۱۷۷	۲۸	۳۲	۱۶	۲۷

سؤال چندان مناسب نبوده است. ولی هم سؤال و هم پاسخ‌ها بازتاب کوچکی است از وضعیت کتابخوانی در جامعه. اما اگر چه با الوند مالمی که ندانستن نام نویسنده چند اثر نمی‌تواند ملاکی از اهل مطالعه بودن یا نبودن کسی باشد اما با کمی دقت در دنیای پیرامون و وضعیت بازار نشر به حقیقت ناخوشایندی می‌رسیم که این آزمون گوشه‌ای از آن را نمایان می‌کند.

پرویز شهبازی در مصاحبه‌ای گفته است: در دهه ۲۰ کتابی منتشر کرده که شمارگانش ۳۰۰۰۰ جلد بوده است و همان کتاب در دهه هفتاد با شمارگان ۱۰۰۰۰ نسخه تجدید چاپ شده است و هنوز هم تمام آن به فروش نرفته است.

بزرگ دیگری همین گالچه را دارد و دیگران نیز کمابیش به چنین نکته‌ای اشاره می‌کنند. می‌پرسد چرا با سه برابر شدن جمعیت شمارگان کتاب به یک



سوغ نقلی یافته است. به بیان دیگر با همان جمعیت دهه ۴۰ شمارگان کتاب به یک نهم نقلی یافته است. اهل مطالعه نبودن جمعیت غالب شاید چندان حساسیتی را اثر هومر نداشته و همان کسی که پاسخ صحیح را نمی‌دانسته است، به احتمال زیاد هیچ باخ الیاده، انخولده‌اند. این کسی که نویسنده «جراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» را از رویا پروردم نوشته به احتمال قریب به یقین کتاب را مطالعه کرده است ولی در شرایط تر از قتش امتحان چنین آشنهائی را مرتکب شده است.

نکته‌ای که به آن اهمیت می‌دهم، وضعیت کلی جامعه تحصیل کرده و رابطه آنها با کتاب و کتابخوانی است و شاید این یادداشت فقط بهانه‌ای از کتابخوانی است و شاید این نگرانی که اگر نخبگان و تحصیلکرده‌گانان در زمینه‌ای با کتاب درآیند بسا به حال آیدنگان.



دایره‌المعارف در سال ۲۰۰۰ منتشر شده است.

۲- **دایرهٔالمعارف گل زر**

دایرهٔالمارف گل زر شامل اطلاعات زیادی دربارهٔ گل زر است. این گل سال‌های درازی است که گرمی داشته می‌شود و نظر و بوی خوش، ظاهر زیبا و رنگ‌های پرزرق و برق آن روز به روز شخوع تر می‌شود. شناسا تر از آن‌ها از ایجاد غیرت در آنها به منظور اصلاح اکون‌های مختلف این گل به قدری بیشتر داشته که هم اکنون برای برخی از کشور‌های صاحب این دانش‌پرویش گل‌های زینتی از جمله ترکیه مرکزی و مینی در گلکاران به شیوه مدرن و امروزی به عهده داشته است. این دایرهٔالمعارف در سه جلد با ۱۲۰۰ صفحه و در سال ۲۰۰۳ منتشر شده است. در تاریخچه کشت این گل با کشف زن‌های آن مطالبی از دو

این مجموعه می‌خوانید که نویسنده‌گانش مطالعه آن را به پرورش دهندگان گل‌های زر توصیه می‌کند.

مدل سازی ریاضی



کتاب مدل‌سازی ریاضس نوشته دکتر بهمن‌رضا مهرگان توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (اسفند ۱۳۸۲) به چاپ رسیده است. این کتاب شامل ۶ فصل است. فصل اول به مدل و مدل‌سازی می‌پردازد. در فصل دوم مدل‌های کاربردی برنامه‌ریزی خطی ارائه شده و فصل سوم به کاربرد برنامه‌ریزی خطی در صنعت اختصاص یافته است. فصل چهارم درمورد کاربرد برنامه‌ریزی خطی در حوزه‌های مالی و سرمایه‌گذاری و زمینه‌های دیگر است و در فصل ۵ مدل‌سازی برنامه‌ریزی عدد صحیح بررسی شده است.

در هر ملاقه، بر ارائه مطالب درسی مسائلی نیز آورده شده است که به درک بیشتر این روش‌ها کمک مؤثری می‌کند. کتاب حاضر که برای دانشجویان رشته‌های مدیریت صنعتی و بازرگانی در مقطع کارشناسی ارشد به‌عنوان منبع اصلی درس «مدل‌سازی ریاضی» به ارزش ۱۲ واحد تدوین شده است. همچنین می‌تواند به‌عنوان منبع کمک‌درسی «تئوری در عملیات» نیز مورد استفاده قرار گیرد.

این کتاب با شمارگان ۳۰۰ نسخه و با قیمت ۱۵۰۰ ریال به چاپ رسیده است.

شماره ۲۸ شنبه ۸ اسفند ۱۳۸۳ ۲۲



سرگزار

Sehail_mahmoudi@yahoo.com

سپهر حسینی

همین یک جمله

از خداجویم توین ادب می آید مرموم مانند از لطف رب

صاحب این خودکار سبز و بی نصیبی او از مدرسه و دبیرستان و دانشکده و مدارک گاه ارزنده، گاه چشم پرکش و پرزرق و برق آن، و سوزن‌هایی که با این مدارک به دست می‌آید، یعنی علم و اموری و شایه در جوانی این بی‌بسیی برلم‌دهنده‌های بود و مجال پیش‌نامه، که درس بخوانم و مدرکی و عنوانی که این مدرک خوب است و لاقل بدک نیست.

ولی در همان نوجوانی، به حال و همجاری دیگر شروع کردم، کار، در محیط‌های کاری، و کارخانه‌ها، در کارخان آن‌موختن به شیوه‌های دیگر، کتاب یا مخلص‌سرمه‌ای، نام‌سرسورت، و به عنوان آن غلابوب، و از اشتراکات اسلامی، در همین جانب ظاهر غرضیوس. اگر آریشاه، تکلم - یا حفظی که گاه تسلیف بود، که گفت و شنید، و اولین جمله آن که فکر می‌کنم باید سایه اندازد، بروم و رفتار همه کسانی که با آن نوعی از آموزش سنتی را قرا گرفته‌اند، و همان جلسه اول، جمله از حفظ کردیم، من و دو تن از هم‌ماده‌ای‌ها، و آنها هم همین سال من، و آن جمله:

اول العلم معرفة الجبار و آخر العلم غیظ الامیر الیه. و چه معلای داشت این جمله برای نوجوانی ما، حتی با آنکه عمق آن را به جهت سن و سال دانش خوب در نمی‌فهمیدیم. و بعدها که فردی سن و سالم‌الاولی‌رفت، دریانتم که همه فرهنگ این سرزمین، با همین یک جمله بایدند، روح نوحید اول، و بعد هم ریسان به تسلیم، خرموله و جوهره، فضیلت‌ها، و تلاش‌ها، و گوشه‌ها، و درد چراغ خوردن‌ها، و جهت پیش به همه اینها، تکلیف از اول مشخص است، معرفت به یکی از اسما، الحسین، اسمی با تجلی جلای، جبار، و آخر آن نیز، که خودت در میانه نشانی، تسلیم، چیزی فراوان‌تینور توکل، و بدین خود را، و ازاده خود را، و همان دانش و علم و سواد خود را، که سواد سبیلی است، و محیب است، که در شاهانه، حکیم، تروس می‌خورد، که خوبت و سواد را، انسان آموخت، فکر می‌کنم در دانسان جسدیشا، و ملای روم هم که گفت، دفتر صوفی سواد و عرف و نیست!

و من فکر می‌کنم، هر که با آن شیوه و با آن سنت آموزشی بایدند، حید است، فرشتان این گام نخست آموزشی خود نباشند، و نهایت و انتهای هدف این علم و دانایی را نماند، و به کیف راهم رود. و فقهیان و فقیه‌دان و محدثان و مفسران و مورخان، و دیگر همه محققان و مفسران گذشته ما، که راه به جای برده‌اند، در همین ستایوبه، و گفته علم و سواد، که نجات بخش نیست، که فقط کارها را آسان می‌کند، حتی علمان علوم تجربی و فنی و ریاضی ما، هیچ‌گونه طریقی پیش می‌گرفته‌اند، که اول علم آنها شناخت جبار بوده، و آخر آن، و آگاهی همه کارها به او، نوحید و تسلیم.

دوستی تعریف می‌کرد با آن کلاس استاد دکتر علی اصغر

جلسی، که من تا به حال بی‌تسبیب بوده‌ام از زیارت ایشان! می‌گفت استاد اول جلسه درسش با دانشجویان جدید، سخن از تعداد واحدها و جزوه‌نویسی و امتحان بود، که حکمت اهل معرفت بود، و می‌گفت: ما یک ادب درس داریم، و یک ادب نفس، و پیش از ادب درس، باید برویم به سراغ آموختن ادب نفس، و آن دوست می‌گفت استاد اصلی علمای جلایی، به این بیت از حکیم غزله، جناب اولشده جسدی از آدم سنان استادی می‌گردد، چه علم آمریخی از جرم، آنگه زری کاندلر شب، چه زردی با چراغ آید، گزیده‌تر بود کالا، و این و این، ادب نفس، ادبیات و فقه و فلسفه و تاریخ و هنر و... همه اینها وقتی مشتمل راهند، که نگاهی بنا - و به تعبیر نصیرا - داشته باشیم، و گرنه چه چیزی حاصل ماست، جز آتش زدن جان و جهان خود؟!؟

حکمت علمی، و حکمت نظری، و در نگاه اهل معرفت، ازلی، اساس آن چیزی که اگر مراد است، وجدانیت در کار نباشد، دوستی با نیست، و نال است، و پیشین‌ها ما در این عرصه اول، به تعهدی طلب، همه هست می‌گشتند، انجام فریض، و مرادش بر توفیق، و بدهم، اخلاق، و چه فردی و جمعی، اگر فقه و اصول بود، معلم اول حدیثی اخلاقی برای شاگردان روایت می‌گردد، و موعظه آنها، و بعد می‌رفته بر سردیس، و همینطور تدریس فلسفه ادبیات و هندسه و نجوم، و جغرافی، حتی علوم مثل کیمیا و سبیا.

آموزش علوم، بر تامل، سواوار نبوده، و در طی ایام تحصیل بارها و سیاره‌ها آن طلبت علم، به جهت سواد فردی و اخلاقی، سینه‌ها انسان کشیده می‌شده، به توفیق آفایه، و طریقی که معلمان و مدرسان ما، بدان آشنا بوده‌اند.

و حالا می‌بینم، دانشگاهی است با شهره‌ای، و هر که با هر نوع منشی، راه پیدا می‌کند به آن، و چهار تا اصطلاح و پنج تا جزوه را می‌آموزد، همین، و با همین اصطلاح دست و پانگنه وارد می‌شود به محیط‌های علمی و فرهنگی، تخصص اش بلند، رفتار و ادب او و آیین و آداب آن، چه شده! این ادب نفس، رکن زکیی بوده، چه فراموش گشته، و تازه می‌فهمی که اعظم از جرمی، چه بلای است، و جهل صد بار، به از آن، که با فاعله، در جمع جای دعه، در خلوت را گرفته، اتفاق نشسته، به جای اخلاق، و بدی، و با نهنی، آریشاه، گرفته‌اند، و اسامه ادبیه نشسته، به جای اراده طلب.

دو هفته پیش، و برگزاری همایش اعرافان اسلام، ایران و انسان معاصره، و نگرداشت، شیخ شهاب الدین سهروردی.

و بی‌توفیقی صاحب این قلم، که نخواست در این جلسه‌ها، به استماع و مستقیم سخنرانی‌ها و پیام‌ها نماند، و به ناگهیر، پیگیری خبرها از طریق مطبوعات و رسانه‌ها، و یکی از افعال‌های شایسته این همایش، پیام استاد دکتر سیدحسین نصر، و تأکید جا و شایسته است، که گفته‌ام، به موضوعی که امروزه پیش از گذشته، سخت نیازمند ایم، که حکمت نظری جدایی از حکمت عملی شیوه بزرگان این فرهنگ نبوده، و برهیز آنها از دانش به دور از تهذیب، این بخش از پیام ایشان را به نقل از روزنامه



غلامرضا اغوانی

دکتر غلامرضا اغوانی در پنجم اسفندماه ۱۳۳۱ در شهر سنما در دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در مکتبخانه ملاحلیرضا

مکتبخانه ملاحلیرضا سپری کرد. از شاگردان حاج ملاهادی سبزواری بود، آغاز کرد و در ۲۷ سال مدرسه شیخ علاءالدوله سنمانی رفت و در سال ۲۰ دیپلم گرفت. سپس با دریافت بورسی از دانشگاه آمریکایی بیروت به لبنان رفت و در سال ۲۵، در رشته فلسفه آن دانشگاه لیسانس گرفت.

دکتر اغوانی پس از بازگشت به ایران به دانشگاه تهران رفت و در سال ۲۷ در رشته فلسفه مدرک فوق لیسانس اخذ کرد و در سال بعد مدفوعه هیأت علمی دانشگاه ملی شد.

در وی در سال ۵۵ از پایان‌نامه دکتری خود با عنوان عقل و نفس در فلسفه افلاطون و تأثیر آن در حکمت اسلامی دفاع کرد. در پایان‌نامه دکتری وی، بزرگانی چون سیدحسین نصر، سیداحمد فرید و یحیی مهدوی سمت اسناد، راهنما و مشاور را برعهده داشتند.

دکتر اغوانی در سال ۶۳، به ریاست انجمن فلسفه ایران انتخاب شد و در همایش‌های مختلفی در کشورهای ژاپن، اندونزی و الجزایر شرکت کرد. وی مدیر مسؤول مجله «دانشنامه» فصلنامه پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی است و به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه تسلط دارد و در نخستین همایش چهارم مآذکار در سال ۸۰، به عنوان چهارم مآذکار رشته فلسفه برگزیده شد.

دکتر اغوانی، علاوه بر نگارش مقالات متعدد، تألیف و ترجمه کتاب‌هایی را نیز در کارنامه خود ثبت کرده است. کتاب‌های ترجمه جلد چهارم تاریخ فلسفه کالیسون (سروش)، ۸۰، و مجموعه مقالات حکمت و هنر معنوی (گروس)، ۷۵، از آن جمله‌اند. همچنین تصحیح دو کتاب اعلام النبیه، اثر ابوحاتم رازی (۱۳۸۱) و وجه دین، اثر تاسر خسرو قبادیانی (۱۳۵۵) و دیگر آثار وی است که از سوی انجمن حکمت و فلسفه ایران، منتشر شده است.

کتابخانه

صاحب امتیاز:
خانه کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد محمد جمادی

سردبیر: علی اصغر رمضانپور

امور فنی: کاکیب کرافیکن

لیتوگرافی و چاپ: ایران‌چاپ

نشانی: خیابان قائم مقام قراهنی اول فجر (جم)، شماره ۹، طبقه دوم

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵، ۳۱۴

تلفن: ۸۳۷۵۷۴۴، ۸۳۷۵۶۹۸

واحد توزیع: ۸۳۸۹۶۵۲

نشانی اینترنتی:
<http://www.ketabehafteh.ir>

